

مشخصات امور فرهنگی رشد

شماره مسلسل ۲۱ - سال ششم - تابستان ۱۳۷۸ - بهار ۲۰۰۰ سال

همراه با ویژه نامه گروه های آموزشی



حمید سزواری

مگر زخون شهیدان نگار دارد گل
به شکر باغ مبررنج باغبان از یاد
چو لاله لب به تبسم گشای بادل تنگ
بخوان ترانه که عالم حدیث گل شنود
بجز هزار که باصبح و سبزه دمساز است
که صد چو من به چمن بی قرار دارد گل
که سرخ رویی ازو بادگار دارد گل
لبی شکفته دلی داغدار دارد گل
چه قصه ها ز شکوه بهار دارد گل
هزار عاشق شب زنده دار دارد گل



۲	سرمقاله
۲	آزادی و تعلیم و تربیت
۴	نامه‌های تبعید
۶	اسوه‌ی مؤمنان کیست؟
۸	آب
۱۱	گئورگ کانتور
۱۲	آموزش ریشه‌ی دوم با جذر
۱۹	جدول اعداد متقاطع
۲۰	لطایف طوایف

ویژه‌نامه‌ی گروه‌های آموزشی

۲۲	گروه‌های آموزشی در گفت‌وگو با کارشناسان
۲۰	نمودارها
۲۲	مرکز تحقیقات معلمان اصفهان
۲۴	فعالیت‌ها و برنامه کار ...
۲۸	نیمای افسانه، افسانه‌ی نیما
۴۱	ماهنامه ادبی
۴۴	اروپای واحد و آموزش تاریخ
۴۵	شعری برای ستارخان
۴۶	جغرافیای تاریخی اصفهان
۴۹	گزارش یک تحقیق
۵۲	تاریخ دوم راهنمایی
۵۴	Earthquakes
۵۶	کامی در جهت رشد کتاب‌خوانی
۵۸	هندسه‌ی نقوش ...
۶۲	نامه‌ها



نگاه دقیق‌ترین عملکرد گروه‌های آموزشی
طرح جلد از پریسا سندسی

- مدیر مسئول، سید محسن گلدان‌ساز
- سردبیر، جعفر ریانی
- مشاوران، محمود امانی طهرانی، منصور ملک عباسی
- مدیر داخلی، رحیم شکری‌روشنق
- طراح گرافیک، پریسا سندسی
- چاپ، شرکت افست (عام)
- نشانی دفتر مجله، تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۱۵۸۵
- تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۹۱۸۱



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، این مجلات را منتشر می‌کند:

رشد کودک (ویژه پیش‌دبستان و دانش‌آموزان کلاس اول دبستان) رشد نوآموز (برای دانش‌آموزان دوم و سوم دبستان) رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان چهارم و پنجم دبستان) رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی) رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) مجلات رشد معلم، رشد تکنولوژی آموزشی، و رشدهای آموزش ابتدایی، آموزش فیزیک، آموزش شیمی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زبان، آموزش راهنمای تحصیلی، آموزش ریاضی، آموزش ریست‌سناسی، آموزش جغرافیا، آموزش معارف اسلامی (برای دبیران، آموزگاران، دانشجویان تربیت معلم، مدبران معارف و کارشناسان آموزش و پرورش)

به پایان آمد این دفتر ...

شماره ۲۱ مجله زان که آخرین شماره از دوره‌ی ششم نیز هست، به شما عزیزان محترم مدارس راهنمایی کشور تقدیم می‌کنیم؛ مثل همیشه با مقالاتی متنوع و به عبارتی یک جنگ از مطالب مختلف، که نه چندان مربوط به هم ولی همه در یک راستا و در حوزه‌ی کار شماست: «شما معلمان ارجمندی که در مدرسه‌ها به پرورش گل‌های نوشکفته‌ی جهان اسلام^{۱*} اشتغال دارید»

در بازه‌ی ادامه‌ی راه محله در شماره بعد (۲۲) با شما سخن خواهیم گفت. اجازه بدهید در اینجا بپردازیم به اشاراتی کوتاه درباره‌ی دوره‌ای که گذشت. مادر دوره‌ی ششم (سال تحصیلی ۷۸-۷۷) چهار شماره مجله انتشار دادیم که هر یک علاوه بر مقالات مختلف دارای یک منحن و ویژه‌ی ویژه‌نامه نیز بود. به این ترتیب: ویژه‌نامه‌ی زلزله (۱۸)، ویژه‌نامه‌ی زبان انگلیسی (۱۹)، ویژه‌نامه‌ی ریاضی (۲۰) و ویژه‌نامه‌ی گروه‌های آموزشی (همین شماره). در میان این چهار شماره، شماره‌ی مربوط به زلزله وضعیت خاصی داشت، و آن تبدیل شدن مقالات آن به متن امتحان یا آزمون غیر حضوری معلمان بود. آن شماره با شمارگان یا تیراژی حدود ۲۰ برابر شمارگان عادی مجله منتشر شد و فرصتی را ایجاد کرد که مجله‌ی به قاطبه‌ی فرهنگیان کشور شناسانده شود.

اگر شما سرمقاله شماره‌ی قبل را به خاطر داشته باشید می‌دانید که در آنجا گفتیم: «نظر ما در تهیه‌ی این ویژه‌نامه‌ها بیش از آن که متوجه افزایش دانش معلمان باشد، به دنبال افزایش پیش و وسعت بحثیدن به دیدگاه‌های آنان است...» و ما باز هم بر این نظر یافنی هستیم. اما این بدان معنا نیست که می‌خواهیم با یک سلسله گفتارها و نوشتارهایی که ظرف معینی را هم طلب نمی‌کنند، به کلی گویی رو آوریم و بگذاریم و بگذریم. خواننده اگر به عناوین و محتوای مقالات دقت کند خواهد دید که ما هیچ‌گاه از پرداختن به مسائل جزئی و موردی در حوزه‌ی برنامه‌ها و دروس و کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی غافل نبوده‌ایم و تا حد امکان کوشیده‌ایم خود را در فضای مدرسه و در میان جمع معلمان و دانش‌آموزان قرار دهیم و تا حد امکان پاره‌ای از مشکلات خاص کتاب‌هایی چون فارسی و تاریخ و علوم و ریاضی... را نیز طرح کنیم. با این حال، اینها را فرع بر هدف اصلی، یعنی القای پیش و، می‌دانیم و لذا در آینده نیز انشاءالله همین هدف را دنبال خواهیم کرد.

در این دوره ما مباحث و مقالات متعددی داشتیم که در اینجا به اهم آنها به لحاظ موضوع و تعداد عناوین اشاره می‌کنیم: گفت و گو (۵ مورد)، ریاضی دالان بزرگ (۴)، سوزن‌های تیس (۲)، معرفی کتاب (۵)، زبان و ادبیات فارسی (۷)، دینی و قرآن (۵)، لغت‌یاب (۳)، زبان انگلیسی (۵)، عربی (۲)، تاریخ (۳)، جغرافیا (۵)، اجتماعی (۳)، ریاضی (۶)، علوم (۲)، زلزله (۹)، هنر (۲)، قصه (۳)، آدم خمینی (۲)، عکس و مقاله از ایران‌شناسی (۵)، گروه‌های آموزشی (۵).

جز این کوشش ما بر این بوده که با شتاب نمودن محتوای کلی تصاویر صفحات حلد، پشت و روی حلد، درجه‌هایی از ذوق را در ارتباط با هنر، ادبیات فارسی و ایران‌شناسی به روی شما بگذاریم. باری، با این حساب که گفتیم به گمان ما اگر همین چند شماره‌ی مجله در دسترس یک دبیر باشد و به روی میز دفتر مدرسه قرار داشته باشد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

دربووس
* این تعبیر از امام خمینی است.

آزادی و تعلیم و تربیت

○ جان لای

کسی که بتواند آسایش روان، آزادی و فعالیت را از شاگرد بگیرد و با این همه او را از انجام بسیاری کارها که در خاطر اوست باز دارد و به سوی کارهای دشوار بکشانند چنین کسی می‌داند که چگونه می‌توان این فضایابی به ظاهر متناقض را با هم سازش داد و به نظر من چنین کسی به راز تربیت پی برده است.

○ کانت

تربیت اخلاقی آن گونه تربیت است که انسان آزاد بی‌ورد. اگر تربیت اخلاقی بر بنیاد نمونه‌ها، تهدیدها، کیفرها و مانند آنها باشد همه چیز تباه خواهد شد. چنین چیزی تربیت اخلاقی نیست، بلکه تأدیب یا پدید آوردن انضباط است. باید دقت کنیم رفتار درست کودک از روی اصل‌های او باشد و نه از روی عادت. یعنی نه این که فقط به درستی رفتار کند بلکه از آن رو چنان رفتار کند که آن را درست می‌داند.

○ جان دیوئی

آزادی فقط نبودن مانع خارجی برای جنبش و حرکت نیست. آزادی رفتار کردن طبق هوس و نمایلات نیز نیست. آزادی توانایی کنترل خویش است. آرمان تربیت پدید آوردن توانایی کنترل خود است. ولی از میان بردن کنترل بیرونی، تضمینی برای به وجود آمدن کنترل خود نیست.

○ برتراند راسل

برخی از درون خود زندگانی می‌کنند و برخی دیگر فقط آینه‌هایی هستند برای نمایاندن آنچه دیگران درباره‌ی آنان می‌گویند و می‌اندیشند. اینان هیچ گاه نمی‌توانند به راستی دلیر (آزاد) باشند. زیرا نیازمند ستایش دیگران و همواره در بیم از دست دادن آن‌اند. کمال دلیری (آزادی) تنها آن گاه ممکن است که سرشت آزاد باشد و هوش در کار. از هم آمیزی این دو، گونه‌ای بلند نظری پدید می‌آید که هم برای ریاضت کش ناشناخته است و هم برای کسی که پای بند لذت‌های حسی است.

○ کارل یاسپرس

آزادی و اتوریته (اقتدار) به یکدیگر وابسته‌اند. هیچیک از آنها بدون دیگری نمی‌تواند حقیقی‌تر، ناب‌تر و ژرف‌تر گردد. آنها تنها آن گاه ضد یکدیگر می‌شوند که آزادی، خودسری شود و اقتدار عامل خشونت. به هر نسبت که تضاد آنها بیشتر شود به همان نسبت از حقیقت خود دورتر می‌گردند. اگر اقتدار به درون آزادی راه نیابد، انسان نمی‌داند چه کند و اگر آزادی نباشد اقتدار به صورت خشونت و عامل وحشت در می‌آید. از این رو می‌توانیم بگوییم انسانی که به راستی آزاد است، اقتدار را محترم می‌شمرد.

نامه های تبعید

همان طور که می دانیم، امام خمینی به مدت ۱۵ سال در شهر نجف به حالت تبعید زندگی می کردند و با اوج گرفتن انقلاب اسلامی بود که توانستند به ایران بازگردند و انقلاب را از نزدیک هدایت کنند. در سال های تبعید، نامه هایی از امام برای فرزند ایشان حاج سیداحمد خمینی، که در قم زندگی می کرد، ارسال می شد. این نامه ها در عین کوتاه و صریح بودن، حاوی نکته هایی از زندگی شخصی امام و حساسیت های ایشان نسبت به پاره ای از مسائل بویژه احساس مسئولیت نسبت به مسائل حوزه های علمیه، فقرا و مستمندان و... است. مجموعه ای از این نامه ها در سال ۱۳۷۴ توسط مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی به صورت کتابی با عنوان «وعده دیدار» انتشار یافت. چند نامه ای که در اینجا ملاحظه می کنید از همین کتاب انتخاب شده است.

رشد

بسمه تعالی

احمد عزیزم

(۱۳۴۹/۱۲/۹ هـ ش) ۲/ محرم/ ۱۳۹۱

مرفوقم شما، واصل شد. قبلاً کاغذی نوشته ام از آقای نواسانی استعمار نمودم راجع به این که بین راه وجه داده اند. جواب نوشته اند تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است و به ایشان اصلاً وجهی نداده ام و دخالتی هم در این امر نکرده و نمی کنم لکن مفسدین در عمل افساد هستند. خودم هم حواس می زدم که اصل نداشته باشد. مطلقاً که از قم اطلاع رسیده است آن است که شما و آقای ربیسی در نظر دارید برای صد نفر شهریه ی خصوصی قرار دهید. به این منظور که در خانه رفت و آمد زیاد شود. خیلی از شما تعجب می کنم که بار صراحتاً نشناخته اید. من هیچ وقت از این اعمال خلاف انسانی میل ندارم مرتکب شوم و نه شماها مرتکب شوید. در این امور هیچ وقت بدون مراجعه به من اقدامی نکنید گرچه ممکن است این خیر هم مثل بیشتر اخبار باشد. در هر صورت مطلعم کنید و این نحو افکار را از خود دور کنید. خدمت حضرت حجة الاسلام والمسلمین عم مکرم اسلام برسانید. برای ایشان نگران هستم، می ترسم این رحمت و آمدن سیرانی مزاج ایشان باز احیای تولید کند و موجب استراحت ایشان در قم فراهم نباشد.

والسلام. پدرت

۱- منظور مرجع ایت الله العظمی آیت الله العظمی آقا خضر استوری بگهادر است. سایر مشورت ایشان و بنده (حاج احمدقاسمی) به این نتیجه رسیده که برای رساندن پیام امام و ارتقاء بیشتر بافتار و فضیلت حقه خدمت بفرزاد شهریه داده شود تا ایشان با

۱- جنس غلبه طلاب سرپرست مطالب امام را در حوزه های سیر چهارم تسلط شد. امام بعد از می کردند و این شده غی میران و رونق دادند به مسئله ای که موجب ایشاد چنین تمسیمی گرفته شده است.

۲- حضرت آیت الله العظمی

بسمه تعالی

احمد عزیزم

(۱۳۵۱/۱۱/۲ هـ ش) ۵/ دیحجه/ ۱۳۹۱

مرفوقم شما واصل از سلامت شما سرور شدم. سفارش کنید می کنم که شما حر تحصیل علم و تهذیب اخلاق به هیچ کاری کنار نداشته باشید و در هیچ امری دخالت نکنید. ماها بحمد الله تعالی سلامت هستیم از شما امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم پدرت

۱- این نامه ها پس از می کردند حضرت آیت الله العظمی آیت الله العظمی آیت الله العظمی

بسمه تعالی

احمد عزیزم

(۱۳۵۱/۶/۲۰ هـ ش) ۲/ شعبان/ ۱۳۹۲

مرفوقم شما یا امامتسی واصل شد انشاء الله تعالی موفور و مؤید باشید و اشغال به تحصیل و تهذیب نفس مستدام باشد. انجمن است بحمد الله سلامت هستیم. چند روز قبل جواب مرفوقم حضرت آقا غم محترم را داده ام امید است واصل شده باشد.

شیدم اسم بچه را یا باسر گذاشته اید انتخاب خوبی نبوده و موجب حرفهائی هم می شود یکی از حقوقی که فرزند به پدر دارد این است که اسم خوب برای او بگذارد. اسم غیر متعارفی که هر کس بشنود چیزی بگوید یا گفته شود تحت تأثیر چه و چه واقع شده است خلاف عقل است مع ذلک خود دانید. آقای اخوی و بستگانش سلامتند، ایشان شب ها پیش من هستند یعنی تا بعد از شامه هوای ایچاد از شدت افزوده است و شده خوب است.

والسلام علیکم پدرت

۱- ایشاد و اشرا اعلامیه ها و در هر دو را می بخواه شده می باشد که جسدی می کردند و برای امام می فرستادم

۲- حضرت آیت الله العظمی

۳- امام فقر می کردند که این با باسر. انجام دادند عرفات گذاشته اند. خبری که از موقع ایستاد باسر پدر عمده از این قبیل استعمار انقلابی است. سلام بر سر

دعای آمرزش



۲- بعد از تعبد حضرت آیت الله لوائسانی برای وجوهات تهران باید شخصی عهده دار این کار می شد. امام (س) هشدار داده بودند که من (احمد خمینی) هیچ کاری نکنم زیرا ممکن است بخته باشد و من هم طبق دستور ایشان کاری نکردم و امام از شدت علاقه به حضرت آیت الله لوائسانی تا آخر هم کسی را به جای ایشان انتخاب نکردند.

۳- امام (س) به مادرم خیلی علاقه مند بود و از دوری او رنج می برد، مادرم نیز امام را دوست می داشت ولی هر دو یا سه سال یکبار به مدت دو یا سه ماه برای دیدار با فرزندان می آمدند.

بسمه تعالی

احمد عزیزم (ش/۱۷/رجب/۱۳۹۵ هـ. ش/۵/۵/۱۳۵۴ هـ. ش) انشاء الله سلامت باشید، اینجانب بحمدالله تعالی با سایرین سلامت هستیم لکن گرفتاری ها و ناراحتی ها زیاد است و شما نمی توانید مطلع شوید از آن و این که چه محذوراتی برای آمدن خاتم شرعاً و عقلاً است؛ پشت سر هم هر کدام نامه می نویسید از آمدن ایشان می نویسید و موجب ناراحتی ایشان و من می شوید. اگر محذور نداشت آمده بودند. امید است خداوند رفع کند که با سلامتی شماها نیائید و ایشان بیایند. به همه دخترها و به خانم خودتان سلام برسانید مرقومات حضرت آقا را جواب دادم. به ایشان پس از سلام تذکر دهید. والسلام - پدرت

۱- علی الظاهر (شرعاً معلوم می شود، حضرت امام (س) پول شخصی شان تمام شده بود، به امام پول غیر سهم که از مال اشخاص مختلف بود به صورت هدیه فراوان داده می شد، ایشان آن را هم به فقرا و مستندان می دادند، حتی بعد از انقلاب هم این کار ادامه داشت، علاوه بر پول اشیایی که به ایشان به عنوان هدیه داده می شد توسط حاج الاسلام حاج سیدکمال اصفهانی به فروش می رسید و خود ایشان به فقرا می داد. عقلاً هم احتمال معانت ساواک از مراجعت ایشان (والده) به نجف زیاد بود.

۲- مقصود حضرت آیت الله پسندیده است.

بود در ایران می گذاشتند. باین وضع اسم پسر مرا حسن گذاشتیم که فعلاً در قم مشغول تحصیل علوم اسلامی است.

۴- اخوی، آیت الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی است.

بسمه تعالی

احمد عزیزم (ش/۱۹/شعبان/۱۳۹۲ هـ. ش/۶/۱۳۵۱/۱۳۵۱ هـ. ش) انشاء الله سلامت باشید و خود و متعلقان سعید و خوش باشید. ماها بحمدالله سلامت هستیم کسالت قلب چیزی مهم نبود و الان اثری از آن نیست. از سلامت خودتان بی خیرم نگذارید. خدمت حضرت عم بزرگوار سلام برسانید و نگذارید به ایشان بد بگذرد. خانم را زودتر روانه کنید. به همه قوم و خویشان سلام برسانید. والسلام علیکم - پدرت

۱- احتمالاً تاریخ نگذاشتن اینجانب (احمد خمینی) بدین جهت بوده است که اگر محتوای نامه فاش می شد تاریخ نامه در حرم اثر داشت، یعنی جدید باشد یا قدیم (مرت از طرف ساواک به ما گویا می کردند که اگر نکان بخورید دستگیر می شوید).

بسمه تعالی

احمد عزیزم (ش/۲۷/۵/۱۳۵۳ هـ. ش) ۲۹/رجب/۱۳۹۴ دو ظفر ارفوم شما و اصل شد. از سلامت شما و دیگران مسرور شدم. انشاء الله تعالی همیشه سلامت باشید. در موقع مقتضی و رفع مانع از آقای لوائسانی احوال پرس می شود و کسی برود برای دیدن ایشان. راجع به تعیین شخص دیگر شما با کسی مذاکره نکنید. من کسی را تعیین نمی کنم عجالتاً، و کسی را هم سراغ ندارم. از مواظبت آقای عم بزرگوار کوناه می نکند؛ ایشان ضعیف المزاج هستند و باید رسیدگی شوند. منتظر ورود خانم در روز چهارشنبه یا شب پنجشنبه هستیم. والسلام علیکم - پدرت

۱- ساواک حضرت آیت الله لوائسانی را تحمل نکرد، بالاخره او را دستگیر و پس از حسن به شهر هشتم (در شمال) تعبد کرد. امام دستور دادند کسی به دیدار ایشان برود، من (احمد خمینی) خود رفتم. ساواک من را تعقیب کرد. از آنجا به منزل آیت الله احسان بخش (امام جمعه رشت) رفتم و سپس با سرعت به قم باز گشتم.

آن چه مورد بحث این گفتار است روشی است که پیامبر اکرم (ص) برای اصلاح جامعه‌ی زمان خود پیش گرفت. چون روشی که پیغمبر برای اصلاح آن مردم پیش گرفت روشی متین، حکیمانه، مفید و سریع‌التأثیر بود که جز با تأیید و وحی الهی نمی توان بشری را این گونه هدایت کرد. ما نیز برای اصلاح جامعه‌ی خودمان باید همان روش را تشخیص دهیم و به مقتضای (لکم فی رسول الله أسوة حسنة) (احزاب/۲۱)، همان روش را به کار بندیم تا به همان نتیجه دست یابیم.

ما باید ببینیم مردم جاهلیت چه عیبی داشتند که پیغمبر برای اصلاح آن قیام کرد و رنج برد و دین مبین اسلام را تشریح فرمود.

اگر همان عیب‌ها و نواقص در ما باشد، ما نیز مانند آن‌ها خواهیم بود.

هر چند اسم آنها اهل جاهلیت باشد و اسم ما اهل اسلام، ما اگر اسم نریاک را غسل نگیریم به شیرین خواهد شد و به سمه بودنش از میان خواهد رفت.

یکی از معایب اهل جاهلیت پست اندیشی آنها بود، که به همین خاطر نمی توانستند حدایی را

بشناسند و ستایش کنند که ورای ماده و پدیده‌های مادی و محیط پر همه‌ی موجودات وحی و قیوم و دائم است؛ یا اگر به چنین خدایی فقط تا اعتراف داشتند، این اندازه قدرت فکری و حرمت نداشتند که در مقابل مصنوعات و موجودات این جهان خضوع بکنند و سن به دلت و عبودیت ندهند، بلکه هر چه در و هو آن‌ها بزرگ می آمد در برابرش را لوی پرستش بر زمین می زدند و پیشانی نیایش به خاک می سودند و در اثر همین پست اندیشی نمی توانستند به جای واحد شخصی، یک واحد اجتماعی را در نظر بگیرند که جامعه و ملت آنهاست. و اگر در اندیشه‌ی نفع و ضرر هستند، نفع و ضرر جامعه را در نظر بگیرند و رعایت کنند، بلکه هر کدام شخص خودشان را می دیدند و به جای تعاون و اخوت بنا افراد و گروه‌های دیگر اجتماعشان بغض و عناد به کار می بردند و نمی توانستند حقایق



بشر این

اسوه‌ی مؤمنان

کیست؟*

(قسمت دوم)

زندگی را در یابند و بفهمند چه خوب است و چه بد، و چه کار باید بکنند و چه کار نباید بکنند. بلکه گرفتار عادت‌های موهوم و خیال‌های باطل سودند و آنها را به کار می بستند و از خیالات و اوهام خود پیروی می کردند. می آن که از آن‌ها نفعی بینند یا متوجه ضرر آن‌ها شوند.

از معایب دیگر اهل جاهلیت، جهل فراوان آن‌ها و بی بهره‌گی‌شان از نور دانش بود و به همین خاطر به جای پیروی از دانشمندان پیرو کاهنان بودند و سرسوست خود را از مردمی بیچاره‌تر و دروغ‌گوتر از خود می خواستند.

عیب دیگر، گسترش گناهان زشت بود. مانند گناهی که امت عمومی را از عیب می برد. چون آدم کشی و دزدی و غارت‌گری و نیز گناهی که بیاد خانواده را متزلزل می کند چون زنا و شراب‌خواری و بچه‌کشی، یا گناهی که به اقتصاد عمومی آسیب می رساند چون زنا و قمار و یا گناهی که وحدت اجتماعی و الفت میان افراد را برهم می زند چون: دروغ و عیب و سفق و حسدورری و سنو و شهادت باطل.

عیب بزرگ اهل جاهلیت آن بود که، از تأثیر غسل و کوشش خود در سعادت و شقاوتشان عاقل مانده بودند و به جای آنکه انگار خود را بر رفتار و اخلاق نیک و روش پسندیده‌ی خویش قرار دهند، بر شفاعت ستان و گفته‌های کاهنان تکیه می کردند. به این فکر نبودند که نگران بختی‌شان زانما به سازی رفتار و اخلاق خود در مان کنند، بلکه از ستان تمنای خوش بختی می داشتند و همچنان در بدبختی فرو می رفتند.

عیب دیگر آن بود که از قانون و حساب و نطق و عدالت جهان غفلت کرده بودند و نمی اندیشیدند که در این عالم، هر شخصی را ثمری و هر مقدمه‌ای را نتیجه‌ای است.

به همین خاطر آن مردم راه گم کرده و تیره روز بودند؛ نه عقلی روشن داشتند که بفهمند خوبی و بدی و مانه‌ی خوش بختی و بدبختی

جیست، و نه ایمانی استوار، که در انجام نیکی‌ها پایدارشان کند و در برابر بدی‌ها که غالباً موافق هوای نفس کور و عادات زشت آن‌ها بود - خویشتن‌دارشان کند. چه بسا بدی‌ها و زشتی‌ها که مرتکب می‌شدند و به خود و جامعه خود زبان می‌رساندند و چه بسا نیکی‌های سودمند را که برای خود و جامعه خود به جای نمی‌آوردند. بسا بدی‌ها را که نیک می‌پنداشتند و بسا نیکی‌ها را که بد می‌انگاشتند. این‌ها بود که پیغمبر را برای رد این عیب‌ها و نجات مردم گمراه برانگیخت و پیامبر برای هر دردی دوایی و برای هر مرضی علاجی مقرر فرمود. برای آنکه فکر مردم را از پستی بالا ببرد و روح آنها را باز و آزاد گرداند تا موجودات مادی را - که مانند خودشان مخلوق اند - خدا ندانند و نزد آنها خضوع و عبودیت نکنند؛ به آن‌ها اصل توحید آموخت؛ الوهیت و شایستگی پرستش را از غیر خدای حقیقی مطلقاً و بدون استثنا سلب کرد و گفت: «لا اله الا الله» و بزرگی را منحصر در خدا ساخت و غیر خدا را کوچک کرد و گفت: «الله اکبر»؛ و همه‌ی سپاس و ستایش برای خدا ساخت و گفت: «الحمد لله»؛ و برای آن‌که مردم جاهلی خدای حقیقی را مانند موجودات مادی دارای همان‌گونه صفات و احوال و خواص فرض نکنند، خدا را از همه‌ی این موجودات منزّه ساخت و گفت: «سبحان الله».

و نیز برای آن‌که نظر تنگ مردم را از خودبینی به دیدن جامعه متوجه کند و آن‌ها را به مصالح و منافع عمومی علاقه مند گرداند، امور عمومی را که خیرش فراگیر است راه خدا خواند و گفت: «آنچه در راه خدا بدهید به شما باز می‌گردد و مانند دانه‌ای است که هفت صد دانه و بیشتر شود و شما باید به مال و جان در راه خدا - که همان مصالح عمومی است - خدمت و فداکاری کنید و برای فراهم آوردن آن، سهمی از عواید و دست رنج و کوشش خود را با خشنودی و رغبت بدهید و هر کس که از کمک به امور عمومی و فداکاری در راه خدا دریغ کند از دین بهره‌ای ندارد و نباید به رحمت و آمرزش خدا امیدوار باشد.

و برای آن‌که مردم بتوانند خوبی و بدی را بفهمند و کورکورانه از عادات و اوامی پیروی نکنند که نفعی به حالشان ندارد و بیهوده گرد کاهنان را نگیرند و گفته‌های آنها را نسنجیده نپذیرند، بلکه خود بیاندیشند و خوب و بد را بشناسند؛ برای این منظور افکار مردم را از قید و بند عادات و اوامی آزاد ساخت و امر کرد که در کارها تعقل کنند، تدبیر کنند، بفهمند، تشخیص بدهند و میان زشت و زیبا و منکر و معروف فرق بگذارند و درباره‌ی بت‌هایی که می‌پرستیدند گفت: «آیا این‌ها می‌شوند وقتی آنها را می‌خوانید یا می‌توانند سود و زبانی به شما برسانند؟» به آنها فهماند که سعادت و شقاوت انسان بسته به رفتار اوست. و جز خدا هیچ کس مالک سرنوشت و صاحب اختیار مقدرات کسی نمی‌باشد؛ خدا هم عادل است - از موجودات بی‌نیاز است - کارش گزاف نیست و متنی بر حکمت است و جهان‌داری نظم و حساب است.

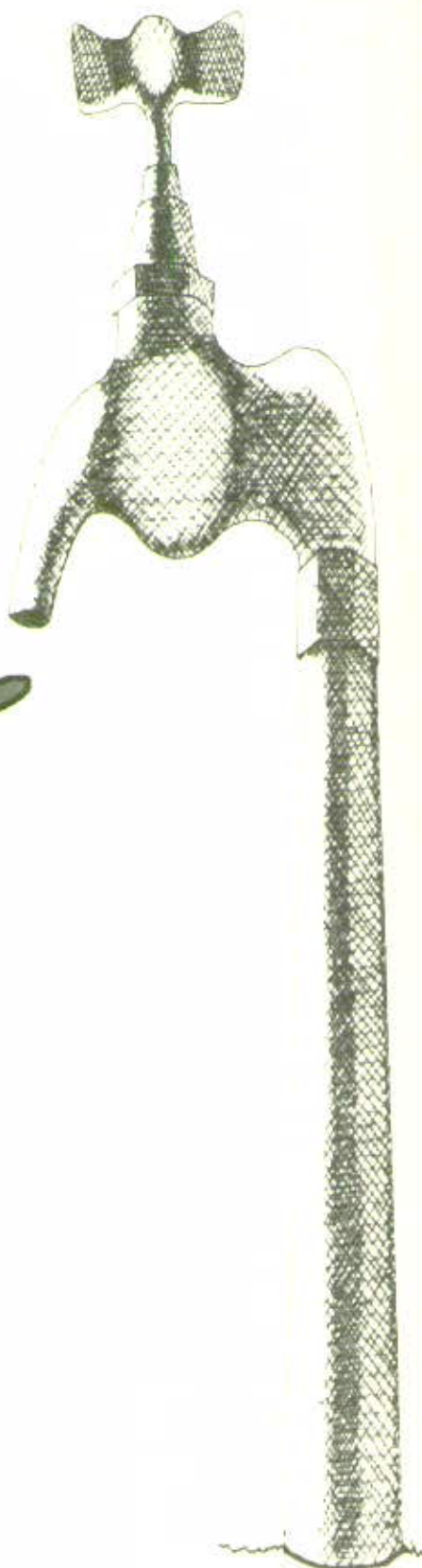
پس از آن انواع گناهانی را که نام برده شد، منع کرد: اول بت پرستی را منع کرد و بزرگترین گناهان را این دانست که مردم پس از شناسایی خدای رب العالمین باز به موجود و مخلوقی سرسپرده شوند و او را ستایش و نیایش کنند و به جز خدا رو به درگاه دیگری بیاورند و این گناه را نابخشودنی دانست؛ پس از آن خون‌ریزی و دزدی و خوردن مال مردم به ناحق و انواع ستم‌ها و رفتارهای هوس‌ناکانه و شراب‌خواری و قمار و ربا و دروغ و بهتان و افترا و هتک آبرو و حیثیت مردم و بدعت و گمراهی و دورویی و تفرقه‌نهی کرد؛ و همواره خدا را به نظر مردم آورد و در دل مردم جای داد و مردم را از عقوبت الهی ترساند.

به آنها گفت که باید در اعمال خود قصد قربت و خلوص نیست داشته باشید و ربا و تظاهر نکنید و برای آنکه مردم خدا را فراموش نکنند نمازهایی واجب ساخت که در شبانه‌روز پنج نوبت به خدا رو آوردند، خدا را به بزرگی بستانید، سپاس را برای خدا بدانند، روز جزا را به یاد آورند و بدانند که روز پاداش جز خدا مالک و صاحب نفوذ دیگری ندارد، و از او یاری بخواهند تا آنها را به راه راست هدایت فرماید و از گناهان خود استغفار کنند و آیات قرآن را - که شامل کلیه‌ی این دستورها و تعلیمات است - در نمازها و غیر نمازها بخوانند تا این تعلیم از یادشان نرود و همواره به یاد آورند که آن‌ها از بسیاری گمراهی، بت می‌پرستیدند و خدا به برکت این وحی آن‌ها را از بت پرستی نجات داد و پرستنده‌ی خدای یکتای غنی قادر مطلق ساخت؛ و به یاد آورند که آن‌ها از بسیاری بیچارگی و بی‌فکری تشخیص خوب و بد را از هم نمی‌دادند و مردم ضعیف از بزرگان متکبر کورکورانه پیروی می‌کردند و خدا عقل آنها را آزاد کرد که فکر کنند و بفهمند و خوب و بد را دریابند و بدانند که خدا به بدی امر نمی‌کند و از خوبی منع نمی‌کند؛ هر چه برای بشر مفید است آن را حلال و روا ساخته و هر چه مضر است آن را ناروا دانسته و به یاد آورند که آن‌ها دچار خودخواهی‌ها و اختلافات داخلی شدید بودند و همواره با هم در دروغ و نفاق و لجاج و شقاق به سر می‌بردند و به این خاطر جامعه‌ی آنها ضعیف و منحل شده، پامال دیگران گشته بود و خدا آن‌ها را با این تعالیم به اتفاق و اتحاد هدایت کرد و کینه‌ها را از دل‌های آنها شست و آنها را با هم الفت داد و از گرداب میذلت نجات داد و مردمی قوی و باشکوه و سعادت‌مند ساخت، و به یاد آورند که آن‌ها گرفتار انواع گناهان بودند که عفت و عدالت و نظم را از جامعه‌ی آن‌ها محو کرده بود و خدا آن‌ها را به این گونه از گناهان پاک ساخت و بنیاد اخلاق و خانواده و جامعه و وضع معاملات و اجتماعات و نظام‌های سیاسی آنها را استوار کرد.

این روشی بود که پیغمبر برای اصلاح آن مردم به کار برد و همین روش است که ما نیز باید به کار ببریم.

* برگرفته از کتاب اسلام قرآن، حبیبعلی راشد.

آب چنانکه فراوانی در دسترس ما انسان‌ها قرار می‌گیرد که هرگز به اهمیت آن نمی‌اندیشیم. در صورتی که پس از هوا که شرط ضروری حیات است آب مهم‌ترین چیزی است که برای رسیدگی لازم است. بدون آب زندگی انسان و حیوان و گیاه ناممکن است. در ساختمان بدن حیوانات و در ساختمان شاخ و برگ و قسمت‌های دیگر گیاهان بیش از هر چیز دیگری آب وجود دارد. آب، همان‌طور که می‌دانید، جسمی است مرکب از اکسیژن و هیدروژن. در هر مولکول آن دو اتم هیدروژن و یک اتم اکسیژن وجود دارد (H₂O). آب خالص مایعی است بی‌طعم، بی‌بو، و شفاف. مقدار کم آن، بی‌رنگ ولی مقدار زیادش آبی به نظر می‌رسد. سبب آبی به نظر رسیدن پهنه‌های آب آن است که پرتوهای آبی طیف نور خورشید پس از برخورد با مولکول‌های



رشد آموزش راهنمایی

آب

آب و در آبی که در آب معلق هستند منعکس می‌شوند و به چشم ما می‌رسند.

آب در طبیعت

آب به سه حالت گاز و مایع و جامد وجود دارد. حالت گازی آن را بخار می‌نامیم. بخار آب همیشه در هوا هست گاهی بیشتر و گاهی کمتر، مثلاً در کنار دریاها همواره مقدار زیادی بخار آب در هوا موجود است و هوا مرطوب است. برعکس، در مساطق خشک و کویری میزان بخار آب در هوا ناچیز و هوا خشک است.

حالت مایع آب فراوان‌ترین شکل آن در طبیعت است. اقیانوس‌ها، دریاها،

رودها و یارانی که از برف‌ها فرو می‌ریزد همه به صورت آب مایع است. حالت جامد آب معمولاً یخ است. یخی که در یخچال‌های طبیعی و مصنوعی درست می‌شود، یخی که در زمستان‌ها سطح آب‌ها را فرامی‌گیرد و یخی که در قطب‌های زمین به صورت کوه یخ جلوه می‌کند همه آب جامد هستند. برف و بزرگ نیز صورت‌های دیگر آب جامد است.

خواص استثنایی آب

خاصیت‌های استثنایی آب را باید از عجایب خلقت دانست، چه اگر این خاصیت‌های استثنایی نبود، زندگی به شکل کنونی امکان‌پذیر نمی‌گردد. در اینجا به پاره‌ای از این خواص اشاره می‌کنیم. اگر دمای آب در حالت معمولی سه چهارم درجه سانتی‌گراد تزلزل کند، منقبض می‌شود و جرم مخصوصش در این درجه به حداکثر می‌رسد و به یک گرم بر سانتیمتر مکعب می‌رسد. حال اگر باز هم آن را سرد کنیم، بر خلاف سایر اجسام که منقبض می‌شوند، منبسط می‌شود. یعنی بر حجم آن افزوده می‌شود و در صفر درجه سانتی‌گراد به صورت یخ در می‌آید. همین حالت استثنایی آب است که باعث لرزیدن حوض‌ها و توله‌های آب به هنگام یخ‌زدان می‌شود.

آب تنها مایعی است که در دمای بالاتر از نقطه انجمادش منقبض می‌شود. حجم آن کاهش می‌یابد. همین ویژگی هم‌اکنون ویژگی دیگری یعنی انبساط مجدد آن در دمای پایین‌تر از چهار درجه سانتی‌گراد، از لحاظ زندگی گیاهی و جانوری، فواید بسیار دارد. دریاها حایز اهمیت فوق‌العاده است، و همین است دلیل آن چیزی که تقسیم‌انگش نمی‌نمود. زندگی به صورت کنونی امکان‌پذیر نبود. سعی می‌کنیم تا یک مثال منظور خود را روشن‌تر بیان کنیم. وقتی در زمستان دریاچه‌ای یخ می‌زند چه وضعی پیش می‌آید؟ در چنین حالتی هم از آن که سطح آب دریاچه یخ بیندازد، دمای تنه آب دریاچه تا چهار درجه سانتی‌گراد پایین می‌آید. از این

پس آب های عمق دریاچه، دمای چهار درجه را حفظ می کند ولی دمای سطح آب همچنان کاهش می یابد تا به صفر درجه برسد و یخ بیندند و چون جرم مخصوص یخ کمتر از جرم مخصوص آب است، یخ روی سطح آب می ماند و ضمناً مانع سردتر شدن آب های زیرین می شود. نتیجه این که موجودات زنده و گیاهان داخل دریاچه، بدین طریق به زندگی خود در اعماق آب ادامه می دهند. حال اگر آب مثل اجسام دیگر در حالت جامد سنگین تر از حالت مایع بود، هر چه سردتر می شد پایین تر می رفت، در نتیجه آب دریاچه از ته شروع به یخ زدن می کرد و به تدریج تمامی آب دریاچه تبدیل به یخ می شد و سبب انقراض حیات موجودات دریایی و حتی گیاهان آب زری می گردید.

یک ویژگی دیگر آب گرمای ویژه ای آن است. گرمای ویژه مقدار گرمایی است که باید به یک گرم از یک ماده داد تا بدون این که دستخوش تغییر حالت شود، دمای آن یک درجه سانتی گراد بالا رود. گرمای ویژه برای اجسام مختلف، متفاوت است. مثلاً گرمای ویژه ی آب پنج برابر گرمای ویژه ی خاک است یعنی مقدار گرمایی که دمای مقداری آب را ده درجه بالا می برد دمای خاک هم وزن آن را پنجاه درجه بالا خواهد برد. به عبارت دیگر آب می تواند مقدار زیادی گرما بگیرد یا از دست بدهد بی آن که در دمای آن تغییر فاحشی ایجاد گردد.

این امر از نظر تعدیل آب و هوای زمین فوق العاده اهمیت دارد. خشکی ها گرما را به آسانی جذب می کنند و به آسانی از دست می دهند. اما دمای دریاها و اقیانوس ها در طول شب و روز تغییر فاحشی نمی کند. این امر موجب می شود که تفاوت دمای متوسط خشکی و دریاها با اقیانوس ها به حد قابل قبولی برسد که بتواند موجب معتدل کردن هوای خشکی ها بشود. به عبارت دیگر اگر آب دریاها و اقیانوس ها هم مثل دمای خشکی ها در شب و روز به میزان زیادی تغییر می کرد علاوه بر آن که تبخیر شدید آب ها

موجب به هم خوردن تعادل آب و هوایی می شد، عدم اختلاف کفافی میان دمای آب و خشکی نیز موجب کاهش تولید پادها می شد و جایجایی هوای کره ی زمین به شکل کنونی نبود. چنین وضعیتی، هم اکنون، در شب و روز کره ی ماه مشاهده می شود با این تفاوت که در ماه نه آب وجود دارد و نه هوا. فاصله ماه و زمین از خورشید به طور متوسط مساوی است زیرا گاهی ماه به خورشید نزدیک تر و گاه دورتر می شود. بنابراین مقدار گرمایی که مثلاً به یک کیلومتر مربع از زمین می رسد برابر همان گرمایی است که به یک کیلومتر مربع از سطح ماه می رسد. اما در استوای ماه دما تقریباً از ۱۲۰- درجه سانتی گراد در شب تا ۱۰۰ درجه در روز اختلاف پیدا می کند. در صورتی که در هیچ نقطه ای از زمین، جز بعضی نقاط قطب جنوب، اختلاف دما از ۲۵- درجه در شب تا ۵۴ درجه در روز (استوا) تجاوز نمی کند. یکی دیگر از خواص آب قدرت فوق العاده ی حلالیت آن است. آب بسیاری از مواد را در خود حل می کند. آب های جاری هنگام عبور از کوهستان ها و دره ها مواد بسیاری را در خود حل می کنند. این مواد سرانجام به دریاها و اقیانوس ها و دریاچه ها می ریزند. اگر مقداری از آب دریا را در ظرفی بریزیم و روی آتش قرار دهیم آب آن تبدیل به بخار می شود و این قبیل مواد محلول در ته ظرف باقی می ماند. نمک طعام یکی از این مواد است. اما علاوه بر نمک طعام مواد بسیار دیگری به صورت محلول در آب دریاها وجود دارد. مثلاً امروز در امریکا و انگلستان از آب دریا منیزیم استخراج می کنند. بسیاری از ترکیبات پتاسیم که به عنوان کود زراعتی از آنها استفاده می شود در آب دریا فراوان است.

کشش سطحی آب

آب نیز مانند همه ی مایعات دیگر دارای کشش سطحی است. یعنی ملکول های

سطح آن سخت به یکدیگر می چسبند و فشار وارد می کنند تا تمام مایع هر چه ممکن است جای کمتری را اشغال کند. عمل این طبقه ی سطحی تا حدی شبیه عمل حباب لاستیکی یا بادکنک است. این طبقه ی سطحی می کوشد تا به مایع شکل کروی بدهد. اگر یک سوزن خیاطی را آرام و به طور افقی روی لیوانی پر از آب قرار دهید خواهید دید که سوزن روی آب شناور می ماند، اگر چه می دانید چگالی آهن به مراتب بیش از چگالی آب است. بادفت بیشتر خواهید دید که سطح آب در زیر سنگینی سوزن به طرف داخل لیوان فرورفتگی پیدا کرده است.

تبخیر و جوشیدن آب

عمل خروج ملکول ها را از سطح مایع تبخیر می نامند. اگر ظرف پر از آبی را چندین روز در دمای معمولی اتاق بگذاریم آب آن به تدریج خالی خواهد شد، یعنی تمام مولکولهای آن تبخیر خواهند شد. حال اگر همین آب را در آفتاب بگذاریم ممکن است در عرض چند ساعت، بخار شود. از این امر نتیجه می گیریم که سرعت تبخیر با افزایش دما نسبت مستقیم دارد.

اگر ظرف پر آبی را روی اجاق قرار دهیم آب گرم می شود تا جایی که حباب های بخار در داخل آن تولید و از سطح آب خارج می گردد در این حال می گوئیم که آب می جوشد. عمل جوشیدن هنگامی صورت می گیرد که فشار بخار حاصل از گرم شدن آب با فشار هوایی که بر سطح آب قرار دارد برابر گردد. در این حالت است که بخار آب می تواند هوای واقع بر سطح آب را کاملاً به کنار زند. بنابراین هر چه فشار هوا کمتر باشد آب در دمای کمتری به جوش می آید. در ارتفاع هم تراز آب دریا آب در صد درجه ی سانتی گراد می جوشد اما بر فراز کوهی که ارتفاعش ۳۰۰۰ متر است آب در نود درجه می جوشد. بنابراین اگر بخواهید تخم مرغ آب پز درست کنید در بالای کوه وقت بیشتری می گیرد تا در کنار دریا، و بر همین

اساس است که در دبیگ زودتر که فشار زیاد است، غذا زودتر پخت می‌شود.

تغییر حالت آب از مایع به گاز به گرمایی زیادی نیاز دارد. بنابراین اگر روی جسم بسیار گرم آب بریزیم مقدار زیادی از گرمایی آن جسم صرف بخار شدن آب می‌شود و در نتیجه از گرمایی جسم می‌کاهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت، آب به همین دلیل، خنک‌کننده‌ی خوبی است. رادیاتور اتومبیل بر این اساس ساخته شده است. حیوانات چون گاو و ار جبهه‌آسان نیز از این خاصیت آب برای کاهش از گرمایی بدن خود استفاده می‌کنند. مثلاً وقتی در هوای گرم بدن ما عرق می‌کند، مقداری از گرمایی داخلی بدن صرف تبخیر آن می‌شود و بدین طریق بدن ما از گرمایی خود می‌کاهد.

آب در سلول‌های موجودات زنده

در سوم بدن انسان آب است. ۹۰ درصد خون را آب تشکیل می‌دهد و حتی عضلات و ماهیچه‌های بدن ۸۰ تا ۹۰ درصد آب دارند. کاهش کمتر از ۲۰ درصد آب بدن انسان به مرگی در دریاک منجر می‌شود. انسان سالم و عادی هفت تا ده روز بدون آب زنده می‌ماند و از آن پس مرگش حتمی است. برای این که ذخیره‌ی آب بدن انسان در حد متعارف باقی بماند هر فرد به طور متوسط یک تن یا هزار کیلوگرم آب در سال مصرف می‌کند. تقریباً روزی ۲٫۸ لیتر، این آب به صورت‌های مختلف مستقیم و غیر مستقیم جذب بدن می‌شود. اهمیت آب برای بدن انسان و همه‌ی موجودات زنده از این جهت است که آب مواد غذایی را به صورت محلول به سلول‌ها می‌رساند و فضولات را نیز به صورت محلول از سلول‌های زنده خارج می‌سازد.

مصرف آب در گیاهان بسیار بیشتر و حیاتی‌تر از جانداران است. برای بدست آوردن یک کیلوگرم ماده غذایی از یک گیاه به طور متوسط ۱۰۰۰ کیلوگرم آب لازم است. مثلاً یک بوته ذرت روزانه پنج تا ده

برابر وزن خود آب مصرف می‌کند. آب و مواد غذایی محلول در آن به وسیله‌ی ریشه‌ی گیاه از زمین جذب می‌شود و به تمام سلول‌های گیاه می‌رسد. قسمتی از همس آب است که در برگ هر گیاه تبخیر می‌شود.

تصفیه آب

آب کاملاًخالص جسم بسیار نادری است. زیرا همان طور که گفتیم آب بسیاری از مواد را در خود حل می‌کند. موادی که معمولاً به صورت محلول در آب یافت می‌شوند ترکیبات کلسیم، سدیم، میزیم و آهن است. جوش بخانه هیچ یک از این مواد به مقدار اندک برای سلامت انسان مضر نیست. از طرف دیگر میکروب‌های بسیاری از بیماری‌ها از جمله حصیه، وید و امهال خوبی در آب زندگی می‌کنند. در آب قنات‌ها و رودخانه‌ها نیز همواره مقداری گچ، ذرات ماسه، مواد رنگی گیاهی و حتی حیوانات نیز وجود دارند که آب را برای نوشیدن و گاه حتی برای مصارف صنعتی نامناسب می‌سازند. بنابراین آب مورد مصرف انسان باید تصفیه شود.

تصفیه‌ی آب به منظور تهیه آب مشروب شهرها و روستاها شامل سه مرحله است: انعقاد، صاف کردن و گذردنایی. انعقاد به وسیله‌ی افزودن بعضی مواد، مثل نمک‌های آلومینیم، به عمل می‌آید که باعث رسوب باکتری‌ها و سایر ذرات خارجی می‌شود. صاف کردن به وسیله گذراندن آب از طبقات ماسه‌ی نرم و گذردنایی معمولاً به وسیله کله صورت می‌گیرد. کله موجب از میان رفتن باکتری‌ها و میکروب‌ها می‌شود.

آب در صنعت، آب در تریاری

تقریباً همه‌ی صنایع به آب نیاز دارند. مثلاً در کارخانه‌های ذوب آهن برای سرد کردن دیواره‌های کوره، در کارخانه‌های کاغذسازی برای تهیه‌ی خمیر کاغذ از چوب و به طور کلی در همه‌ی صنایع برای

سرد کردن، تهیه‌ی بخار، شست و شو و... آب مصرف می‌شود. به همین دلیل در احداث کارخانه‌های مختلف، وجود منابع آب در محل ضرورتی اساسی است. از نظر تریاری نیز از نخستین روزهای متعین شدن شهر، آب وسیله‌ای اساسی بوده است و انسان همواره با استفاده از طریق‌های و کشتی‌رانی بر روی آب، و ده‌ها دریاها به حمل و نقل کالا دست زده است. چنان‌که امروزه نیز از اهمیت زاده‌ی دریایی به‌تتها کاسته نشده که به‌مراتب بر آن افزوده شده است.

اطلاعات انسان درباره‌ی آب

تقریباً همه‌ی آنچه را که در این مقاله درباره‌ی آب دربارت می‌خوانید، اطلاعاتی است که در طول یکصد سال گذشته توسط دانشمندان به دست آمده است. دانشمندان قدمت زندگی را در زمین حدود دو میلیارد سال تخمین می‌زنند. در غله این مدت زمان به‌سبب خصوصیتی که دارد، شرط اساسی زندگی بوده است. بیشتر از همسانان اعمار به اهمیت آب در زندگی خود، و به‌تتها در زنده‌بودن، پی برده و از آن استفاده کرده است. همان‌طور که می‌دانیم بدن‌ها همواره در گذر آب به وجود آمده و بر روی کوفته‌اند و تا کم شدن ذخیره آب می‌میرند. پی‌آمده و یا به کلی منقرض شده‌اند. پس بی‌جهت نیست که خداوند هم در قرآن کریم فرموده است: «ومن الماء کلُ حی‌ی، یعنی هر چیزی به آب زنده است».

برپرس
• هدف ما از شرح این مقاله و مقالات مشابه، چگونگی مقدس کردن‌های فادایی بدن شما و نقل خواننده، علاوه بر آموزش اطلاعات علمی خود به دیگران، غرضی خاصه نیست. مقصود ما از این مقاله و مقالات مشابه، آشنایی بیشتر با این موضوع است. در این مقاله و مقالات مشابه، سعی می‌کنیم تا حد امکان، مطالب و روش‌های علمی را به‌طور ساده و قابل فهم برای عموم مردم بیان کنیم. در این مقاله و مقالات مشابه، سعی می‌کنیم تا حد امکان، مطالب و روش‌های علمی را به‌طور ساده و قابل فهم برای عموم مردم بیان کنیم. در این مقاله و مقالات مشابه، سعی می‌کنیم تا حد امکان، مطالب و روش‌های علمی را به‌طور ساده و قابل فهم برای عموم مردم بیان کنیم.

گئورگ کانتور

بنیانگذار
ریاضیات
جدید*

بیش از ۱۲۰ سال از ابداع «تئوری مجموعه‌ها» - که پایه ریاضیات جدید است - می‌گذرد. تئوری مجموعه‌ها را گئورگ کانتور آلمانی بنیان گذاشت؛ مردی نابغه که مانند بسیاری دیگر از نوابغ جهان زندگی‌اش سرشار از ناکامی‌ها و نایسامانی‌ها بود.

گئورگ کانتور فرزند یک بازرگان دانمارکی تبار بود که در سنت پترزبورگ (لنین‌گراد) روسیه رحل اقامت افکنده بود. گئورگ در اسفندماه ۱۸۲۳ شمسی در این شهر به دنیا آمد. از کودکی استعداد خارق‌العاده‌ای از خود بروز داد تا جایی که پدرش خواست از او یک مهندس سازد. در پانزده سالگی گئورگ پدرش به فرانکفورت آلمان هجرت کرد و فرزند خود را به مدرسه‌ای در شهر دارمشتات فرستاد بدان امید که در طریق مهندسی شدن گام بردارد. اما گئورگ بعد از چندی به پدرش نامه نوشت و از او خواست اجازه دهد تا در رشته‌ی ریاضی به تحصیل ادامه دهد. پدر پذیرفت، و گئورگ در نامه‌ای دیگر از پدرش چنین تشکر کرد: «پدرجان، نمی‌دانی که نامه‌ی مهرآمیزت تا چه حد مرا شاد کرد. آینده‌ام را روشن ساخت» او سرانجام به دانشگاه زوریخ رفت و در رشته‌ی ریاضی درس خواند و پس از پنج سال به دریافت درجه‌ی دکتری در ریاضیات نایل شد. از آن پس دو سال در یک مدرسه‌ی خصوصی دخترانه ریاضی تدریس کرد و بعد از آن به یک دانشگاه درجه دوم منتقل شد. در همین ایام بود که اولین مقاله‌اش را درباره‌ی «تئوری مجموعه‌ها» منتشر ساخت. همان مقاله‌ای که باید زودتر از این‌ها انتشار می‌یافت. علت چه بود و چرا گئورگ تا این زمان در انتشار مقاله‌اش ناکام مانده بود؟ سبب این بود که ریاضی‌دانی به نام «کرنکر» که سردبیر مجله‌ی «سابو» سابقاً استاد گئورگ کانتور بود نسبت به شاگردش حسادت می‌ورزید، شاید هم واقعاً حرفش را نمی‌فهمید، از این رو در انتشار مقاله‌ی او تعلل می‌کرد. کرنکر تا پایان عمر هم همچنان بر سر مخالفت با اندیشه‌ی گئورگ کانتور پایدار ماند و مانع بزرگی در سر راه او شد. این در حالی بود که مین کوفسکی که زمانی استاد اینشتین بود می‌گفت: جای تأسف است که ضدیت‌های یک ریاضی‌دان نامی (کرنکر) مزاحم کانتور در پژوهش‌های علمی او است. در سال ۱۸۶۲ شمسی همه‌ی تئوری‌های کانتور که در واقع مبانی اولیه‌ی ریاضیات جدید به حساب می‌آید، انتشار یافت، اما

به سبب مخالفت‌های کرنکر کسی به آنها توجه نکرد، بجز یک ریاضی‌دان جوان اهل اسکاندیناوی به نام لفلر، که اگرچه سبب امیدواری کانتور شد ولی سلطه‌ی «کرنکر» بر فضای علمی دانشگاه‌های آلمان چنان بود که باز هم اجازه نداد تغییر عمده‌ای در وضعیت و اعتبار کانتور پیش آید. این در حالی بود که به گفته‌ی همان آقای مین کوفسکی «نسل آینده کانتور را یکی از ژرف‌اندیش‌ترین ریاضی‌دانان زمان خواهد دانست». سرانجام عمر کرنکر در ۱۸۶۹ به پایان رسید.

مرگ کرنکر موجب شد فضای مناسبی برای گئورگ کانتور ۴۶ ساله به وجود آید. او را به عضویت افتخاری «انجمن ریاضی لندن» پذیرفتند و به عنوان عضو انجمن علمی گوته‌ینگن نیز دعوت شد. در سال ۱۸۸۲ مدال انجمن سلطنتی لندن نصیب او گردید و بدین ترتیب کانتور فعال گشت. عجیب آن‌که رفتار «کرنکر» با گئورگ کانتور، از نظر اخلاقی در این ریاضی‌دان نابغه اثر عکس بخشید، زیرا کانتور پس از مرگ «کرنکر» دست به انتشار مجله‌ای زد به نام «اتحاد ریاضی آلمان» و هدف او این بود که امکانی فراهم آورد تا کسانی که نمی‌توانند صدای خود را در مجلات ریاضی وابسته به ریاضی‌دانان جا افتاده منعکس سازند مقالات خود را در این مجله به چاپ برسانند.

در مجموع زندگی کانتور بر اثر مخالفت‌هایی که با او شده و سالهای جوانی و پرثمر او را مصروف خود کرده بود، چندان موفق نبود و موفقیت‌های آخری هم نتوانست آنها را جبران کند؛ حتی در کشورش آلمان، به قول خودش: با این که پنجاه و دو سال در میان آلمانی‌ها زیسته بود هم وطنانش او را نمی‌شناختند. به تدریج کانتور دچار فشار عصبی شد و این بیماری در او شدت یافت تا سرانجام در سال ۱۸۹۶ شمسی (۱۹۱۷ میلادی) در یک بیمارستان روانی روانش از زندان تن آزاد شد. در پایان این مختصر باید اضافه کنیم که مخالفت ریاضی‌دانان معاصر کانتور با وی، عمدتاً به سبب خرق عادت بود که از وی سرزده بود. مثلاً تا آن روز بی‌نهایت قابل حصول و حتی درک نبود در حالی که کانتور می‌خواست از بی‌نهایت بزرگتر را هم قابل فهم کند. به هر صورت کارهای کانتور راه را برای معضلات بسیار در مفهوم عدد باز کرد. بعد از او دانشمندان درباره‌ی تئوری مجموعه‌ها کار کردند و نقص‌های آن را نیز رفع کردند. کاری که هنوز هم ادامه دارد. امروز تئوری مجموعه‌ها و ریاضیات جدید کاملاً جای خود را باز کرده است. ریاضیات جدید در کشور ما به اهتمام و کوشش شادروان دکتر غلامحسین مصاحب توسعه و گسترش یافت و از سالهای میانی دهه‌ی ۴۰ به کتاب‌های درسی راه پیدا کرد. بنابراین امروزه تقریباً همه‌ی دانش‌آموختگان مدارس حداقل با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات این علم آشنا هستند.

زیرنویس:

• این مقاله با استفاده از مقاله‌ی استاد احمد بیرشک به نام «گئورگ کانتور و تئوری مجموعه‌ها»، ماهنامه‌ی آموزش و پرورش، دوره‌ی ۴۴، شماره ۶، تهیه شده است.

آموزش ریشه‌ی دوم یا جذر

در کلاس‌های دوم و سوم راهنمایی

تنظیم از: میرزا جلیلی

در شرکت در سمینارهای دبیران ریاضی دوره‌ی راهنمایی و دبیران جامعه‌های رسیده به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف اغلب دبیران نسبت به تنظیم بحث جذر در سال‌های دوم و سوم راهنمایی بحث داشته‌اند و احياناً پیشنهاد می‌کنند که بحث «جذر» در کلاس دوم با شیوه‌ای که آمده است حذف گردد و جذر در سال سوم راهنمایی باقی بماند. در این مقاله سعی می‌شود که جواب مقتضی به این بحث داده شود و اثبات گردد که:

۱- اولاً دو شیوه یکی است.

۲- برعکس باید «جذر» در کتاب سوم راهنمایی که با شیوه‌ی سنتی آمده حذف گردد و با شیوه‌ی کتاب دوم که روش تقریبی و مبسوط حسابان است و از آن برای محاسبه ریشه‌های سوم، چهارم و ... هم استفاده می‌شود بیشتر کار گردد. محدسه‌ی جذر با شیوه‌ی کتاب دوم راهنمایی شیوه‌ی ماشین‌های حساب و یک روش کاملاً غنمی است. این مقاله بیشتر برای استفاده دبیران ریاضی دوره‌ی راهنمایی تنظیم شده است و مطالعه آن همکاران را در آموزش خود دقیق‌تر خواهد کرد.

ریشه‌ی n ام عدد مثبت A

ریشه‌ی n ام (n عدد طبیعی است) عدد مثبت A عدد مثبتی مثل a است به طوری که در شرط زیر صدق کند:

$$(1) \quad (a = A) \quad \text{شرطی که} \quad a = \sqrt[n]{A} \quad \text{ریشه‌ی } n\text{ام عدد مثبت } A$$

$$25 = \sqrt[2]{25} \quad \text{شرطی که} \quad \text{ریشه‌ی دوم عدد } 25$$

$$27 = \sqrt[3]{27} \quad \text{شرطی که} \quad \text{ریشه‌ی سوم عدد } 27$$

$$32 = \sqrt[5]{32} \quad \text{شرطی که} \quad \text{ریشه‌ی پنجم عدد } 32$$

قرارداد: تساوی (۱) را به صورت زیر می‌نویسند:

$$(1) \quad a = \sqrt[n]{A} \quad \text{معمولاً}$$

و تساوی طرف راست را چنین می‌نویسند: a ریشه‌ی n ام عدد A بر این اساس مثلاً:

(۲)

$$a = \sqrt[n]{B} \quad \text{معمولاً}$$

$$25 = \sqrt[2]{25} \quad \text{معمولاً}$$

$$27 = \sqrt[3]{27} \quad \text{معمولاً}$$

$$32 = \sqrt[5]{32} \quad \text{معمولاً}$$

نایدن وجه داشت که جذر مربعی در حساب است و جداگانه مثال

پیش از آنکه معادله و ریشه‌ی آن را در جز مطرح شد مورد استفاده

بوده است و منظور از «جذر» در حساب همین ریشه دوم $a = \sqrt{B}$ «جذر

تساوی (۲) بالا است که مثبت می‌باشد و خواسته می‌شود ریشه‌ی

دوم B برابر a است. مثلاً:

$$\sqrt{25} = \text{جذر } 25$$

$$\sqrt{81} = \text{جذر } 81$$

$$\sqrt{121} = \text{جذر } 121$$

و چون قرارداد برای \sqrt{B} این است که بنویسیم $\sqrt{B} + \sqrt{B}$ لذا این جذرها همگی مثبت هستند:

$$\sqrt{25} = 5$$

$$\sqrt{81} = 9$$

$$\sqrt{121} = 11$$

اما وقتی معادله ی درجه دوم زیر را حل می کنیم:

$$x^2 = 25 \quad (1)$$

در اینجا جواب های معادله مورد نظر است که اتفاقاً به آن ها ریشه های معادله می گویند (و یا ریشه دوم یا جذر عدد 25 که $\sqrt{25}$ است اشتباه می شود) و حل معادله چنین است:

$$x^2 = 25 \Leftrightarrow x \pm 5$$

یعنی مجموعه ی جواب معادله برابر $\{-5, 5\}$ است و 5 و -5 ریشه های معادله ی درجه دوم خوانده می شود

قرارداد به علت شباهت جواب های معادله درجه دوم (1) با

جذر 25 که در تعریف آنها 5 و -5 هر دو صدق می کند قرارداد می کنند که 5 و -5 را هر دو ریشه دوم 25 بگیرند ولی 5 را ریشه اصلی و یا جذر حسابی 5 و -5 را ریشه ی فرعی خوانده شود. در کتاب دوم راهنمایی جذر 25 را برابر 5 تعریف کرده است چون هر دو در تعریف جذر صدق می کنند. ولی در عمل و محاسبه $\sqrt{25}$ را حساب کرده است.

ریشه ی nام تقریبی عدد مثبت A تا یکواحد تقریب

باید توجه داشت که در محاسبات همیشه جذر اعداد زیر را که مربع کامل است نمی خواهند:

$$1, 4, 9, 16, 25, 36, 49, \dots, 100, \dots, 121, \dots$$

بلکه جذر اعدادی مثل 42 یا 117 یا 1331 را می خواهند مثلاً، $\sqrt{42}$ برابر یک عدد طبیعی نیست که مربع آن برابر 42 گردد. در این طور مواقع تعیین می کنیم که عدد داده شده بین کدام دو مربع کامل قرار دارد. مثلاً، فرض کنید جذر حسابی عدد 564 مورد نیاز باشد. می نویسیم:

$$529 (576) (576)$$

$$(23)^2 (24)^2 (25)^2$$

در این نامساوی ها عدد 23 را که در سمت چپ واقع شده است جذر تقریبی نقصانی 564 با یک واحد تقریب و عدد 24 را که در سمت راست قرار گرفته است جذر تقریبی اضافی عدد 564 با یک واحد تقریب می گویند.

لذا می نویسیم:

$$\sqrt{564} = 23$$

و می خوانیم: جذر عدد 564 با یک واحد تقریب برابر 23 است؛ و معمولاً مقدار تقریبی نقصانی را در نظر می گیرند. به دو مثال زیر توجه کنید:

مثال 1: جذر تقریبی عدد 6 را تا یکدهم تقریب حساب کنید.

حل: می نویسیم:

$$(2/4)^2 (6((2/5)^2$$

لذا جذر تقریبی 6 تا یک دهم تقریب: $\sqrt{6} = 2/4$

مثال 2: جذر عدد 73564 را با تقریب کمتر از 10 حساب کنید.

حل: می نویسیم:

$$(270)^2 (73564((280)^2$$

و لذا داریم:

$$\sqrt{73564} = 270$$

با تقریب کمتر از 10:

تعریف: اگر A عدد مثبت و n عدد طبیعی باشد جذر تقریبی A تا یک واحد تقریب عددی مثل a است به قسمی که در شرط زیر صدق کند:

$$(1) \quad (a^n) \langle A((a+1)^n) \quad \leftarrow \text{به شرطی که } (a = \text{ریشه ی nام تقریبی A با یکواحد تقریب})$$

و می نویسیم:

$$\sqrt[n]{A} = a$$

با تقریب یک واحد:

در (1) اگر به جای یک عدد 10 جایگزین کنیم ریشه ی nام تقریبی A با تقریب کمتر از 10 حاصل می شود:

$$(10)^n \langle A((10+1)^n) \quad \leftarrow \text{به شرطی که } (a = \text{ریشه ی nام تقریبی A با کمتر از } 10)$$

در مورد ریشه ی دوم عدد n را تبدیل به 2 می کنیم:

$$a^2 \langle A((a+1)^2) \quad \leftarrow \text{به شرطی که } (a = \text{ریشه ی دوم تقریبی عدد A با یک واحد تقریب})$$

و می نویسند:

$$\sqrt{A} = a$$

و می خوانند ریشه ی تقریبی A با یکواحد تقریب معادل a است. و برای ریشه دوم تقریبی A با کمتر از 10:

$$\sqrt{A} = a \quad \leftarrow \text{یعنی } a^2 \langle A((a+1)^2)$$

و می خوانند ریشه ی دوم A با تقریب کمتر از 10 معادل a است.

$$\text{مثلاً: } 5^2 \langle 32((5+1)^2 \quad \leftarrow 5 = \text{ریشه دوم تقریبی عدد 32 با یکواحد تقریب}$$

و می نویسیم:

$$\sqrt{32} = 5$$

ریشه دوم 32 با تقریب واحد:

دلیل محاسبه ی تقریبی جذر به شیوه ی کتاب دوم

الف- شیوه کتاب: در کتاب ریاضی دوم با شیوه ی شهود هندسی

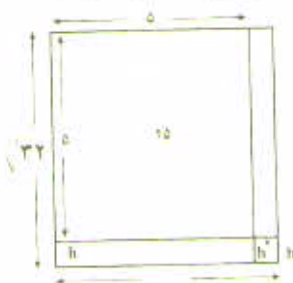
در مورد اینکه چرا جذر عدد ۳۲ را به صورت زیر تعیین می کنیم آمده است

$$\sqrt{32} = \sqrt{5^2 + 7^2} = 5 + \frac{7}{2 \times 5}$$

$$\sqrt{32} = 5.7$$

و توجه آن به این صورت است که:

- ابتدا $\sqrt{32}$ را برابر ضلع یک مربع می گیریم.



- نزدیکترین مربع کامل را به ۳۲ پیدا می کنیم که در اینجا عدد ۲۵ یعنی مساحت مربعی به ضلع ۵ است

- با توجه به شکل، ضلع مربع را به صورت زیر محاسبه می کنیم:

$$\sqrt{32} = 5 + h \quad (1)$$

- این تساوی را به توان دو می رسانیم که طبق تعریف مساحت

مربع، طرفین تساوی حاصل شده مساحت مربع را نشان می دهند.

- از این تساوی با صرف نظر کردن از h^2 به علت کوچکی،

مقدار h را حساب می کنیم.

$$32 = 5^2 + 2 \times 5 \times h + h^2$$

$$32 - 25 = 2 \times 5 \times h$$

$$7 = 2 \times 5 \times h$$

$$h = \frac{7}{2 \times 5}$$

لذا با توجه به (۱) خواهیم داشت:

$$\sqrt{32} = 5 + \frac{7}{2 \times 5}$$

$$\sqrt{32} = 5.7$$

شهود هندسی مطالب فوق در شکل های زیر نشان داده شده

است. (از مساحت h^2 به علت کوچکی صرف نظر شده و سه حای

تساوی - معادل آمده است)



یعنی دو برابر مساحت نوار مستطیلی + مساحت مربعی به ضلع ۵ معادل است با مساحت مربعی به ضلع $\sqrt{32}$

حالت کل که تعمیم آن برای عدد مفروض \sqrt{x} با توجه به شکل، به صورت زیر است



$$\sqrt{x} = x + h \quad (1)$$

$$x = (\sqrt{x} + h)^2 \quad \text{و یا}$$

$$x = x^2 + 2 \times h \times \sqrt{x} + h^2 \quad \text{و یا پس از صرف نظر کردن از } h^2$$

$$h = \frac{x - x^2}{2 \times \sqrt{x}} \quad (2)$$

در نتیجه با توجه به ۱ و ۲ می شود:

$$\sqrt{x} = x + \frac{x - x^2}{2 \times \sqrt{x}}$$

قانون (۱)

ب - استفاده مستقیم از اتحادها

همانطور که در آغاز مقاله گفته شد این مطالب برای استفاده ی

دیران محترم دوره های راهبردی تنظیم شده است قانون (۱) را

می توان به استفاده از اتحادها به طور مجرب و مستقیم به دست آورد

$$(a + b)^2 = a^2 + 2ab + b^2 \quad (1)$$

$$(a - b)^2 = a^2 - 2ab + b^2 \quad (2)$$

در محاسبه \sqrt{x} ابتدا عدد x که مربع کامل آن نزدیک x است

پیدا می کنیم و می نویسیم

$$\sqrt{x} = x + h$$

$$x = (\sqrt{x} + h)^2 \quad \text{طرفین به توان ۲ می رسانیم}$$

$$x = x^2 + 2hx + h^2 \quad \text{و یا}$$

$$x = x^2 + 2hx \quad \text{که از } h^2 \text{ به علت کوچکی صرف نظر می کنیم می شود}$$

$$x = x^2 + 2hx$$

$$h = \frac{x - x^2}{2x} \quad \text{و یا}$$

$$h = \frac{x - x^2}{2x}$$

نکته ۱. اگر مربع کامل یعنی \sqrt{x} کوچکتر از x باشد یعنی

$x > \sqrt{x}$ در آن صورت از اتحاد (۱) و اگر مربع کامل بزرگتر از x

باشد یعنی $x < \sqrt{x}$ در آن صورت از اتحاد (۲) استفاده می کنیم

نکته ۲. اگر عدد پیش از درجه اول باشد مثلاً عدد ۹۸۳ در

این صورت می نویسیم:

$$31^2(983(32^2)$$

و لذا جذر تقریبی ۹۸۳ با کمتر از واحد، طبق تعریف، برابر ۳۱ است که رقم دهگان جذر یعنی ۳ برابر جذر رقم صدگان عدد یعنی ۹ است.

$$\sqrt{983} = 31$$

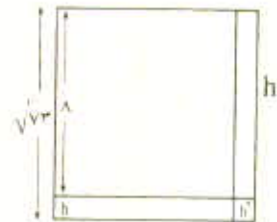
یکار رقم دهگان

$$\sqrt{983} = (3 + 1)$$

چند مثال

مثال ۱. مطلوبست محاسبه $\sqrt{73}$

حل: $\sqrt{73}$ را برابر ضلع یک مربع می گیریم و نزدیک ترین مربع کامل را به ۷۳ پیدا می کنیم با توجه به شکل می نویسیم:



$$\sqrt{73} = (a + h) \quad (1)$$

$$73 = (a + h)^2$$

$$73 = a^2 + 2 \times a \times h + h^2$$

$$h = \frac{73 - a^2}{2 \times a}$$

$$h = \frac{9}{16}$$

$$\sqrt{73} = a + \frac{9}{16} = 8/5$$

مثال ۲: مطلوبست محاسبه جذر عدد ۵۴۶۳ با همین روش

حل: از این قضیه استفاده می کنیم که:

$$\sqrt{a \times b} = \sqrt{a} \times \sqrt{b}$$

$$5463 = 100 \times 54/63$$

$$\sqrt{5463} = \sqrt{100 \times 54/63} = \sqrt{100} \times \sqrt{54/63} = 10 \times \sqrt{54/63}$$

در اینجا $x = 7$ است:

$$\sqrt{54/63} = (7 + h)$$

$$54/63 = 7^2 + 2 \times 7 \times h + h^2$$

$$54/63 - 49 = 2 \times 7 \times h$$

$$5/63 = 2 \times 7 \times h$$

$$h = \frac{5/63}{14} = 0/4$$

$$\sqrt{54/63} = 7/4$$

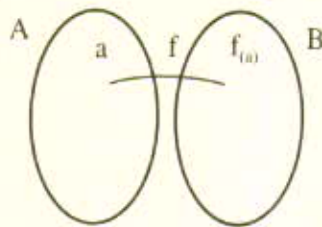
$$\sqrt{5463} = 10 \times \sqrt{54/63}$$

$$= 10 \times 7/4$$

$$= 74$$

ج- شیوه استفاده از مشتق. برای طرح این شیوه ابتدا به تعریف تابع و مشتق می پردازیم:

تعریف تابع. تابع یک سه تایی به صورت (A, f, B) است



که از هر عضو A یکبار خارج شده و به بعضی از عضوهای B رسیده است و هر عضو مثل a فقط یک تصویر دارد.

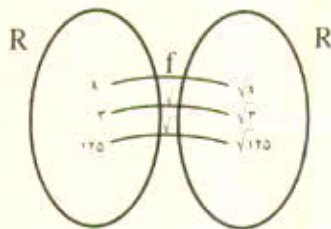
- مجموعه A را دامنه تابع می گویند.

- مجموعه B را هم دامنه تابع می گویند.

- f قانون یا ضابطه ای است که طبق آن هر عضو A را روی B تصویر می کند.

هرگاه $A = B = R$ باشد (مجموعه اعداد حقیقی است) آنگاه تابع f را تابع حقیقی می گویند و وقتی گفته می شود تابع حقیقی f، منظور تابعی از R به R است.

در زیر تابع جذر نشان داده شده است:



مشتق تابع: مشتق حقیقی f را به صورت زیر تعریف می کنیم:

$$\text{حد} = \frac{\text{نمو تابع } f}{\text{نمو متغیر}}$$

→ نمو متغیر

مشتق تابع f در نقطه x برابر است با حد خارج قسمت نمو تابع به نمو متغیر وقتی نمو متغیر به سمت صفر میل کند یعنی:

$$f'(x) = \text{حد} \frac{f(x + \Delta x) - f(x)}{\Delta x}$$

$$\Delta x \rightarrow 0$$

اگر کلمه حد را صرف نظر کنیم خواهیم داشت:

$$f'(x) = \frac{f(x + \Delta x) - f(x)}{\Delta x}$$

که اگر طرفین وسطین نموده و به جای Δx مقدار h قرار دهیم و مشتق را در نقطه x حساب کنیم خواهد شد:

$$f(x+h) = f(x) + f'(x) \cdot h$$

دستور محاسبه تقریباً

مشتق ریشه های x

در جدول زیر مشتق ریشه های مختلف x نوشته شده است:

تابع حقیقی	مشتق تابع
$y = \sqrt{x}$	$y' = \frac{1}{2\sqrt{x}}$
$y = \sqrt[3]{x}$	$y' = \frac{1}{3\sqrt[3]{x^2}}$
$y = \sqrt[5]{x}$	$y' = \frac{1}{5\sqrt[5]{x^4}}$
...	...
$y = \sqrt[n]{x}$	$y' = \frac{1}{n\sqrt[n]{x^{n-1}}}$

استفاده از دستور محاسبه تقریب ها برای محاسبه جذر

هر گاه عدد a را به جای x در کار ببری دستور محاسبه تقریب ها به صورت زیر خواهد بود:

$$\sqrt[n]{a} = \sqrt[n]{x^2 + h} = \sqrt[n]{x^2} + (nx)^{n-1} \cdot h$$

که با توجه به مشتق ریشه دوم می شود:

$$\sqrt{x} = x + \frac{h}{2x}$$

قانون (۱)

و این همان دستور محاسبه \sqrt{x} است که به روش شهودی هندسی قبلاً محاسبه شد.

مثال: مطلوبست محاسبه $\sqrt{534}$.

حل: در اینجا داریم $x = 23$ و $h = 5$

$$\begin{aligned} \sqrt{534} &= \sqrt{23^2 + 5} = 23 + \frac{5}{2 \times 23} \\ &= 23 + \frac{5}{46} \\ &= 23.11 \end{aligned}$$

مثال ۲: مطلوبست محاسبه $\sqrt[3]{43}$

راه حل اول

$$\begin{aligned} \sqrt[3]{43} &= \sqrt[3]{27 + 16} = 3 + \frac{16}{3 \times 9} \\ &= 3 + \frac{16}{27} \\ &= 3.59 \end{aligned}$$

راه حل دوم

$$\begin{aligned} \sqrt[3]{43} &= \sqrt[3]{27 - 6} = 3 - \frac{6}{3 \times 9} \\ &= 3 - \frac{2}{9} \\ &= 3 - 0.22 \\ &= 2.78 \end{aligned}$$

در راه اول جواب 3.59 و در دوم 2.78 است کدام درست است؟ هر دو جواب تقریبی و درست است.

قانون ۲: وقتی عدد داده شده x به مربع کاملی که از خودش بزرگتر است نزدیکتر باشد از قانون زیر استفاده می کنیم:

$$\sqrt[n]{x} = x - \frac{h}{nx}$$

قانون (۲)

قانون محاسبه کعب یا ریشه دوم تقریبی $\sqrt[3]{x}$ با استفاده از فرمول محاسبه تقریب ها، و شیوه ای مشابه با شیوه محاسبه جذر کلاس دوم راهنمایی به صورت زیر خواهد بود:

$$\sqrt[3]{x} = \sqrt[3]{x^3 + h} = x + \frac{h}{3x^2}$$

قانون (۳)

مثال مطلوبست محاسبه $\sqrt[3]{10}$

حل: $\sqrt[3]{10} = \sqrt[3]{8 + 2} = 2 + \frac{2}{3 \times 4}$

$$= 2 + \frac{1}{6}$$

$$\sqrt[3]{10} = 2.17$$

و دستور برای محاسبه ریشه چهارم تقریبی یک عدد به صورت زیر است:

$$\sqrt[4]{x} = \sqrt[4]{x^4 + h} = x + \frac{h}{4x^3}$$

قانون (۴)

مثال مطلوبست محاسبه $\sqrt[4]{9}$

حل:

$$\sqrt[4]{9} = \sqrt[4]{8 + 1} = 2 + \frac{1}{4 \times 8}$$

$$= 3 + \frac{1}{12}$$

$$\sqrt[3]{90} = 3/0.8$$

و به طور کلی دستور برای محاسبه ی ریشه n ام تقریبی یک عدد به شیوه ی محاسبه جذر در کلاس دوم به صورت زیر است:

$$\sqrt[n]{x} = \sqrt[n]{x^0 + h} = x + \frac{h}{nx^{n-1}}$$

دستور کلی محاسبه ریشه n ام تقریبی عدد x

ملاحظه فرمودید که شیوه ی آموزش جذر در کلاس دوم یک شیوه ی عملی و کلی و قابل تعمیم برای محاسبه ی هر ریشه است و حال آن که در کلاس سوم شیوه مخصوص خود جذر است.

جذر در کلاس سوم راهنمایی

نحوه عمل در محاسبه جذر در کلاس سوم راهنمایی طوری است که اغلب سؤال برانگیز است مثلاً گفته می شود:

۱- در عمل جذر گیری، چرا از سمت راست عدد، دو رقم دورقم جدا می کنیم؟

۲- در مرحله بعدی که دو رقم را پائین می آوریم چرا یک رقم آن را جدا می کنیم؟

۳- چرا در عمل بعدی باقیمانده ارقام را بر دو برابر جذر تقسیم می کنیم؟

۴- پس از تعیین خارج قسمت این تقسیم، چرا این خارج قسمت را یک کنار دو برابر ارقام جذر و یک بار زیر آن می نویسیم و در هم ضرب می کنیم؟ و ...

در این جاسعی می شود به سؤالات مطرحه پاسخ داده شود؟ ارقام یک عدد: در خواندن عدد ۹۸۰۳۲۴۰۵۷۶ می خوانیم نود و هشت میلیون و سیصد و بیست و چهار هزار و پانصد و هفتاد و شش اما هیچ وقت توجه نکرده ایم که در این خواندن کلمه یکان را از قلم انداخته ایم این عدد در حقیقت از اینقدر یکان یا یکه تشکیل شده است و سایر ارقام به صورت زیر است:

- این عدد از ۹۸۳۲۴۵۷ دهگان با دهه (ارقام دهگان عدد) بعلاوه ۶ یکه تشکیل شده است.

- این عدد از ۹۸۳۲۴۵ صدگان با صده (ارقام صدگان عدد) بعلاوه ۷۶ یکه تشکیل شده است.

- این عدد ۹۸۳۲ ده هزارگان (ارقام ده هزارگان) بعلاوه ۴۵۷۶ یکه تشکیل شده است.

- این عدد ۹۸ میلیون (ارقام میلیون گان) و ۳۲۴۵۷۶ یکه تشکیل شده است.

باید توجه داشت که در عمل جذر گیری بر خلاف چهار عمل اصلی که ما اول رقم یکان را محاسبه می کنیم، اول جذر رقم بزرگترین مرتبه را حساب می کنیم برای استدلال در شیوه ی جذر گیری در کلاس سوم

از دو قضیه زیر استفاده خواهد شد.

قضیه ۱. رقم دهگان عدد جذر یک عدد برابر است با جذر رقم صدگان آن عدد.

اثبات. شیوه ی اتخاذ شده بدون این که به کلیت قضیه لطمه وارد آورد حکم را ثابت می کند. عدد ۷۳۵۶۴ را در نظر می گیریم، رقم صدگان این عدد از حذف ارقام یکان و دهگان (یعنی ۶۴) به دست می آید و برابر ۷۳۵ است، که بین دو مربع کامل واقع است و جذر آن، ارقام دهگان جذر عدد داده شده خواهد بود:

$$27^2 < 735(28^2$$

چون ۷۳۵ ارقام صدگان است اگر طرفین نامساویها را در ۱۰۰ ضرب کنیم تمام ارقام ظاهر می شود:

$$27^2 \times 10^4 < 73500 < (28^2 \times 10^4$$

$$(270)^2 < 73500 < (280)^2$$

اگر به ۷۳۵۰۰ عدد ۶۴ را اضافه کنیم خواهیم داشت:

$$(270)^2 \leq 73564 < (280)^2$$

و طبق تعریف جذر تقریبی عدد ۲۷۰ جذر تقریبی عدد مزبور را با تقریب کمتر از ده است و ۲۷ ارقام دهگان جذر است که از جذر گرفتن ۷۳۵ یعنی ارقام صدگان عدد حاصل شده است و حکم ثابت است. نتیجه ۱- به همین ترتیب ثابت می شود که رقم صدگان جذر یکعدد برابر است با جذر ارقام ده هزارگان آن عدد و رقم هزارگان جذر یک عدد برابر است با جذر ارقام میلیون عدد و ...

نتیجه ۲- وقتی ما از سمت راست عدد ۲ رقم ۲ جدا می کنیم به ترتیب ارقام، صدگان، ده هزارگان، میلیونها، ... عدد را تعیین می کنیم تا با جذر گیری از آنها، طبق نتیجه ۱ ارقام دهگان، صدگان و هزارگان جذر آن عدد حاصل شود و اولین رقمی که در جایگاه جذر ظاهر می شود نماینده بالاترین مرتبه جذر است و آخرین رقم محاسبه شده رقم یکان جذر می باشد.

قضیه ۲. رقم یکان جذر یک عدد برابر است با خارج قسمت، تفاضل مربع دهگان جذر از خود عدد بر دو برابر رقم دهگان.

اثبات. اثبات به شیوه قضیه ۱ است. عدد ۷۳۵۶ را در نظر بگیرید. رقم دهگان جذر، طبق قضیه ۱ برابر جذر ارقام صدگان است و در این ارقام صدگان بعد از جدا کردن دو رقم از سمت راست عدد حاصل شده که برابر ۷۳ است:

$$8^2 < 73(9^2$$

$$(10 \times 8)^2 < 7300 < (10 \times 9)^2$$

لذا عدد ۸ رقم دهگان جذر است که اگر ارقام یکان آنرا بگیریم می شود:

$$7356 = (10 \times 8 + h)^2$$

$$7356 = 6400 + h^2 + 2 \times 10 \times 8h$$

که اثر x^2 صرف نظر کنید

می کنیم

$$7356 - 64 = 7292 = 2 \times 3646 \quad (1)$$

$$b = \frac{7292 - 64}{2 \times 3646} \quad (1)$$

$$b = \frac{95}{3646}$$

(که این عدد همان a کتاب دوم است)

نتیجه ۱ - توجه به این قضیه روشن می شود که چرا در بعد از تعیین اولین رقم جذر، مربع آن از عدد رقم سمت چپ عدد ضرب شده می کشد.

نتیجه ۲ - دلیل اینکه بعد از تقریب و بدین آوردن دو رقم دیگر یک رقم از سمت راست آن عدد می کشیم ۹۵ و ارقام 2×3646 یعنی ۷۲۹۲ را تقسیم می کنیم این است که در روش محاسبه کلاس سوم $7356 \div 2 = 3678$ ارقام دهگان است و 16 در آن مستتر است (که در تساوی (۱) ظاهر شده است) و چون جزء صحیح تقسیم 16 از رقم یکان آن عدد حاصل می شود که نتیجه خارج قسمت از عدد یک رقمی از سمت راست حاصل می شود، در حقیقت تساوی (۱) را چنین می نویسیم

$$b = \frac{95}{2 \times 3646}$$

$$b = \frac{95}{7292}$$

نتیجه ۳ - این خود نشان می دهد که چرا بعد از جدا کردن یک رقم از سمت راست تقاضی آن را به دو برابر رقم دهگان جذر تقسیم می کنیم.

نتیجه ۴ - چرا بعد از تقسیم ۹۵ بر $2 \times 3646 = 7292$ نتیجه حاصل را یکبار کنار 16 و یکبار زیر 16 می نویسیم و ضرب می کنیم که این نیز توجه به اتحاد زیر حاصل می شود:

در بعد از

$$(x + h)^2 = x^2 + 2xh + h^2$$

$$x = x^2 + h^2$$

$$x = x^2 + 2xh + h^2$$

$$x - x^2 = 2xh + h^2 \quad (2)$$

ولی x از رقم دهگان است یعنی صفر دارد (مثل 3646 ...)

لذا وقتی h را در کنار $2x$ قرار می دهیم در حقیقت $2xh$ جمع می کشیم (مثل $3646 \times 7 = 25512$) و طبق (۱) در آن ضرب می شود.

مثال یادآور روش کتاب دوم و سوم $7356 \div 2$ را حساب کنید.

شیوه کلاس دوم

حالا روش کلاس دوم و ثانوی ۲ عدد را در کنار یکدیگر

$$\sqrt{7356} = \sqrt{7292 + 64} = \sqrt{2 \times 3646 + 64} = \sqrt{2 \times 3646 + 8^2}$$

$$= \sqrt{2 \times 3646 + 8^2}$$

$$= \sqrt{2 \times 3646 + 8^2}$$

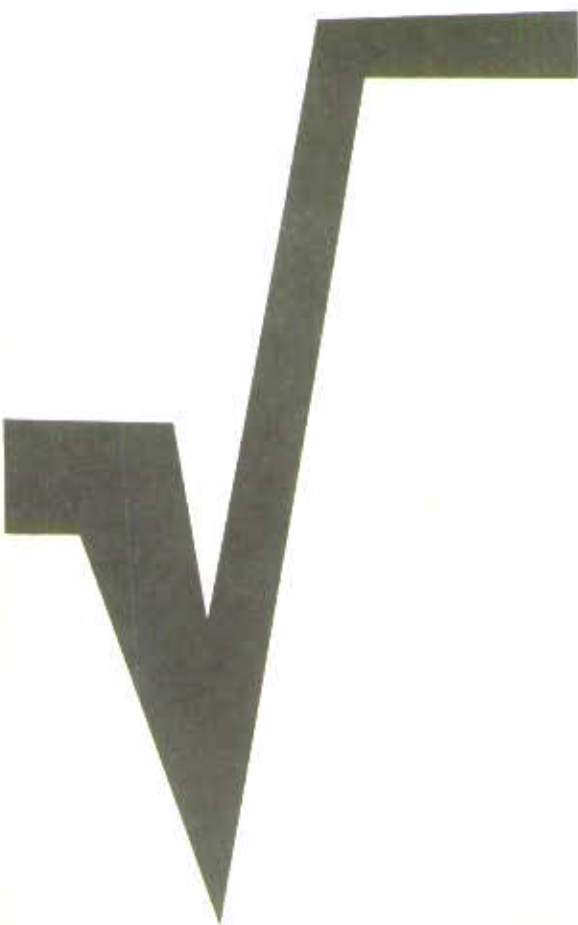
$$= \sqrt{2 \times 3646 + 8^2}$$

$$\sqrt{7356} = \sqrt{7292 + 64}$$

$\sqrt{7356}$	88
7356	7292
64	64
256	2×3646
224	8
7356	7292
64	$2 \times 3646 + 8^2$
256	8
7356	7292
64	$2 \times 3646 + 8^2$

تقریب تصدیی

را در کتاب سوم



افقی

۱. تعداد ماه‌های دو سال
۳. ۷ عمودی منهای چهل و پنج
۵. ۱۴ افقی بعلاوه بود و یک
- ۱۱ افقی بعلاوه ۲۴۵
۸. ۵ افقی منهای هشتاد و هفت
۱۱. ۸ افقی بعلاوه بود و یک
۱۴. ۱ عمودی بعلاوه ۳۳۳
۱۶. ۱ عمودی منهای سی و هشت
۱۸. ۲ عمودی بعلاوه یازده
۱۹. تعداد ثانیه‌ها در یک دقیقه

۱	۲			۳	۴
۵		۶		۷	
		۸	۹		
۱۰		۱۱		۱۲	۱۳
۱۴	۱۵			۱۶	۱۷
۱۸				۱۹	

عمودی

۱. بهم ریخته ارقام ۹۷۲
۲. ۱۹ افقی منهای بیست
۳. پنج برابر ۱۵ عمودی
۴. پنج برابر ۱ افقی
۶. تعداد ماه‌های سه سال
۷. ۱ افقی ضرب در چهار
۹. تعداد دقیقه‌ها در سه ساعت
۱۰. ۹ عمودی منهای یازده
۱۱. تعداد ماه‌های شش سال
۱۲. دو برابر ۶ عمودی
۱۳. ۴ عمودی منهای ده
۱۵. ۱ افقی منهای سیزده
۱۷. ۱۱ عمودی منهای بیست و شش

جدول

اعداد

مقاطع

برگزیده از کتاب: جدول اعداد مقاطع - انتشارات مدرسه

افقی

۱. ۲۹ افقی بعلاوه ۱۲۹۶۳
۵. ۹ افقی بعلاوه ۱۵۲
۶. یازده برابر ۲۸ عمودی
۸. ۱۵ افقی تقسیم بر یازده
۹. ۱۴ عمودی بعلاوه هشتاد و پنج
۱۱. ۴ عمودی بعلاوه دو
۱۳. مربع یک عدد
۱۵. تعداد ثانیه‌ها در شش دقیقه
۱۶. ۱۰ عمودی بعلاوه ۱۹
۱۷. ۱۵ عمودی منهای نود و نه
۱۹. ۲۲ عمودی بعلاوه ۱۱۸
۲۱. ۱۵ افقی تقسیم بر شش
۲۲. سه برابر ۱۸ عمودی
۲۴. ۲۱ افقی منهای سی و پنج
۲۵. ۷ عمودی بعلاوه ۲۴۳
۲۷. تعداد ثانیه‌ها در سه دقیقه
۲۹. ۱۶ افقی بعلاوه ۸۹۸۴

	۱	۲		۳	۴		
	۵			۶		۷	
۸			۹	۱۰		۱۱	۱۲
					۱۵		
			۱۶				
۱۷	۱۸					۱۹	۲۰
۲۱			۲۲		۲۳		۲۴
	۲۵	۲۶			۲۷	۲۸	
		۲۹					

عمودی

۱. یک عدد اول
۲. تعداد ماه‌ها در یازده سال
۳. ۱۷ افقی منهای هفتاد و پنج
۴. ۵ عمودی تقسیم بر چهار
۵. چهار برابر ۱ عمودی
۷. ۶ افقی بعلاوه ۱۰۱
۸. ۱۰ عمودی منهای ۴۰۲۶
۱۰. ۱۳ افقی ضرب در ۲ عمودی
۱۲. ۲۵ افقی بعلاوه ۹۸۰۶
۱۴. ۲ عمودی بعلاوه بیست و چهار
۱۵. ۸ افقی ضرب در هفت
۱۸. تعداد ماه‌ها در نه سال
۲۰. تعداد ماه‌ها در ده سال
۲۲. ۲۶ عمودی ضرب در یازده
۲۳. ۱۱ افقی ضرب در پنج
۲۶. ۲۲ افقی تقسیم بر نه
۲۸. ۲۷ افقی تقسیم بر دوازده

لطایف

ظواهر ایف

شاعری که آشنا و دوست او بود در آن مدت به عبادت تنگ آمد. چون حواجه صحت یافت و با او ملاقات کرد، از روی نکته‌مندی گفت این همه بیماری صعب کشنده و نگرنا را بر عبادت نگردی گفت معذورم دار که به مرتبه گفتن مشغول بوده (لطایف شعرا).

۴۰ بقراط حکیم سخن در حکمت می گفت. جاهلی از وی تعریفی شد و گفت: مرده این سخن از تو قبول نمی‌کند. و مسند نمی‌گذارند. حکیم گفت: سخن من نیکه که در غش الامر صحیح و حساب باشد بر من لازم نیست که مردم را تکلیف کند که از من قبول کنند (لطایف حکما).

۴۱ طلحک را احدای تعالی فرزند داد، سلطان پرسید که فرزند تو پسر است یا دختر؟ گفت از فقیران چه آید غیر پسر؟ یا دختری؟ سلطان گفت ای مرد که از فقیران پسر آید یا دختر؟ از این کتاب چه آید؟ گفت: بد فعلی، نامزنی، فحاشی، حربه و اندازی انقیاب طرفیست به علم کن.

۴۲ طیبی ظریفی دید که دو طعام عظیم هم می خورد، گفت این دو طعام با هم نمی‌سازند. زور دیگر کشید که آن صانع عظیم شده. بر سر بالین او آمد و گفت: به تو آنگاه که این دو طعام با هم نمی‌سازند^{۱۴} گفت: این زمان باری به هم ساخته اند که ما از میان بردارند. (لطایف متفرقه طرقات).

۴۳ نسابی بگری اسباب غور بر می‌دالست و دعوی می‌کرد که نساب هر که پرسند بگوید: روزی فر جمع می‌شد حاضری حاضر بودند کسی بر سبیل فرود آمد. بر او پرسید که تو دعوی می‌کنی که نساب همه کس را می‌دانی. گفت: آری است می‌گویند که پدر و مادر آدم که بودند؟ گفت آدم پس نساب من جمیع بود و مادر او صاعقه است فرود آمد. خواص نخواستند و او را منحصر شدند. بعضی از آن بزرگان از او پرسیدند که این چه نساب بود که از برای آدم توانیش بیان کردی؟ گفت: از منم که می‌گویم که من از آن جهل هستم. (لطایف متفرقه طرقات).

۴۴ جعفر بومکی برای کسی اسب می‌فروخت. کرده بود که هر روز می‌گرفت. آن کس عرضه داشتی اسب را فروختی که این نعام قلیل است و به خرج من وفا نمی‌کند. جعفر در جواب او گفت که: قلیل متقبل خیر من کثیر منقطع. یعنی انعام اندک هر روز بهتر است از انعام بسیار که یک بار آید و به یک بار قطع شود.

زیر نویس

۴۵ لغات الطوائف از جمله ای شدیم که در کتاب طوائف لغات از استاد آید. ویرس نوشته شده است. در سستی که در سستی می‌نویسند از استاد (۱۳۲۸) از استادگان او این عهد می‌نویسند. همان طوری که استادان بر می‌آید این کتاب مشتمل بر لغات می‌باشد. حواشی و حواشی و حواشی بر این طایفه است که - لغات هر روز - و - لغات هر روز - و - لغات هر روز - است.

۴۰ ابلهی را روزی زنبوری بر گردن نشست بود، یاران او را تسخیر دادند تا به آستین دور انداخت. بعد از آن یک یک را در خواست می‌کرد که نگاه کنی مرا اگر دیده باشی (لطایف انجان).

۴۱ طیبی بی به مجلس درآمد، دید که جمعی به غسل خورده مشغول اند. چون چشمش بر غسل افتاد، حال بر او سنگشت. خواست که گوید: السلام علیکم. گفت: غسلتکم (لطایف پر خوران).

۴۲ شخصی بخیلی را گفت: خاتم خود به من ده تا هر گاه نظرم بر آن افتد یاد تو کنم و بدین واسطه دائم در یاد من باشی. گفت: هر گاه خواهی که مرا یاد کنی بدیش که وقتی، از فلان انگشتری خواستی و به من بده (لطایف بخیلان).

۴۳ حسرو پرویز، شیرین را که روجه و محبوبه‌ی او بود گفت: خوش چیزی است پادشاهی اگر دائم بودی شیرین گفت اگر دائم بودی به تو بر میداد. (لطایف زنان).

۴۴ گرانجامی دست در بغل ظریفی کرده بود و به آرام چیزی می‌طنبید و می‌گفت: فلان! چیزی در بغل داری و به ما نمی‌دهی. ظریف در قهر شد و گفت در بغل من دست خری است (لطایف طرقات).

۴۵ روزی شاهزاده‌ی صاحب جمال از اولاد تیمور در مجلس ایشان قطعه‌ای نبات مصری به دندان شکست و بعضی از آن به آب دهان او تر شد. پاره‌های نبات را بر کف دست نهاد و ایشان را گفت خدمت شما کدام قطعه را می‌خواهید. ایشان فرمودند آن را که بیش تر است! (لطایف عارف جام).

۴۶ حواجه‌ای بیمار شد و بر بستر مرض افتاد و آن نعلبانی امتداد یافت.

تشکیل گروه‌های آموزشی اقدامی بود که در سالهای اولیه دهه‌ی ۱۳۶۰ به ابتکار جناب آقای قانی معاون آموزشی وقت وزارت آموزش و پرورش صورت گرفت و دستورالعمل‌های آن ابلاغ گردید. هدف غایی از این اقدام مشارکت دادن معلمان در امور علمی و آموزشی خودشان و ایجاد خلاقیت در نظام متمرکز دستگاه تعلیم و تربیت کشور بود. به عبارت دیگر طرح گروه‌های آموزشی در پی این هدف بود که فضایی سالم و بویا ایجاد کند تا معلمان هر

منطقه یا ناحیه‌ی آموزشی بتوانند به عرضه‌ی ایده‌ها و نظرات خود بپردازند، و به تبع آن، در دانش آموزان نیز این شیوه انعکاس و استمرار یابد. گروه‌های آموزشی هنوز هم فعال اند و در تشکیلات آموزش و پرورش جایگاه خاص خود را دارند. اما درست معلوم نیست که تا چه حد به هدف‌های اولیه‌ی خود دست یافته‌اند و یا در رسیدن به آن طی طریق می‌کنند.

در یکی از جلسات گروه‌های آموزشی استان اصفهان که جمعی از سرگروه‌های آموزشی دروس فارسی و تعلیمات اجتماعی گردآمده بودند - پاییز ۷۷ - این اندیشه به ذهن

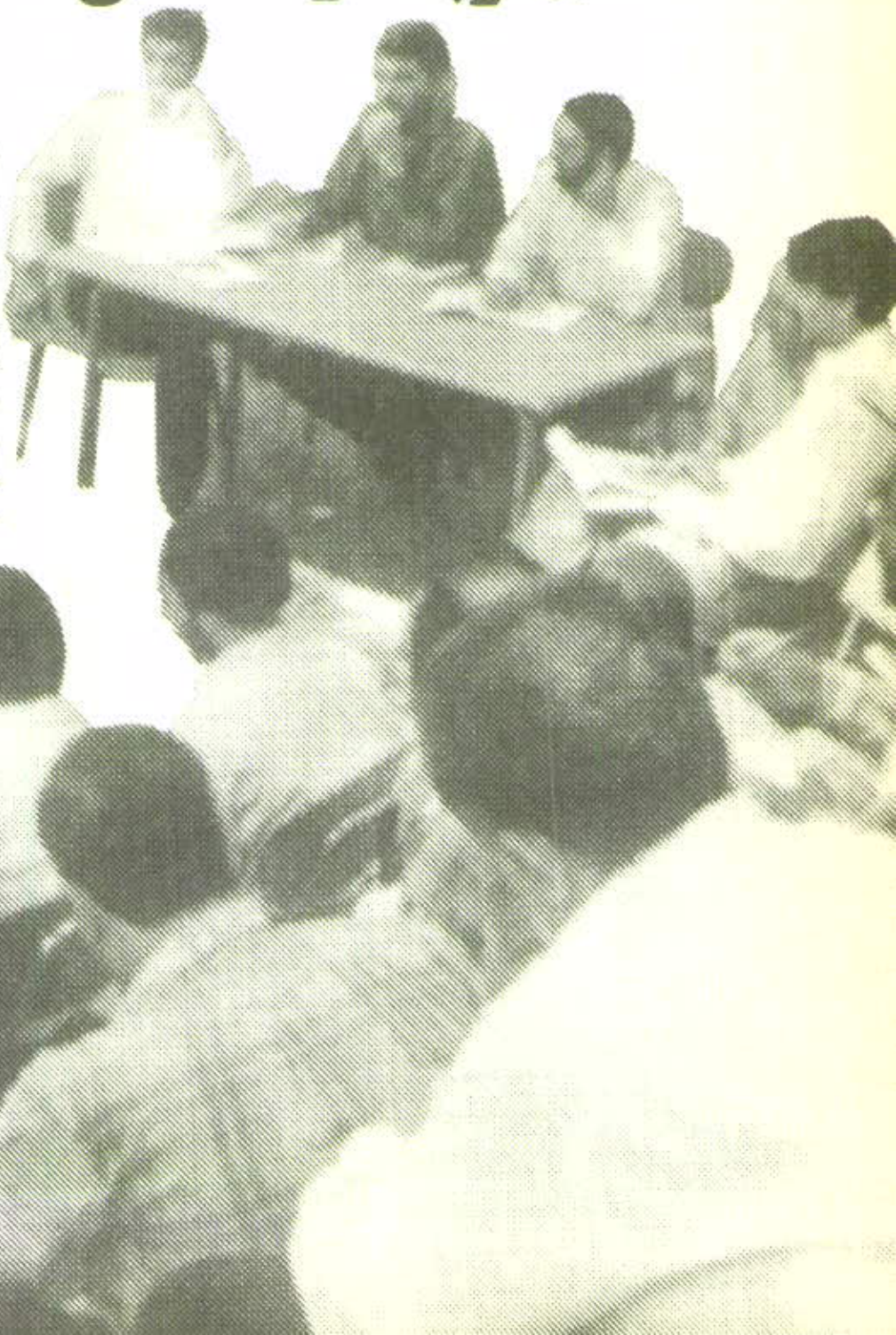
سردبیر مجله‌ی خطور کرد که به نظر می‌رسد لازم است ویژه‌نامه‌ی یکی از شماره‌های مجله را به بررسی «گروه‌های آموزشی» اختصاص دهد، و آنچه اکنون ملاحظه می‌کنید حاصل آن «خطور» است که از قوه به فعل درآمده است و می‌دانیم که کاری جامع و همه‌جانبه نیست. اما به هر حال قدمی است در راه تثبیت و ارج نهادن به مقوله موردنظر. از معاون محترم آموزشی استان اصفهان - آقای ایزدیان - و همکارانشان در واحد گروه‌های آموزشی اداره کل سپاسگزاریم که در تهیه‌ی این ویژه‌نامه ما را یاری دادند.



«گروه‌های آموزشی» در گفت‌وگو با کارشناسان

آنچه می‌خوانید گفت‌وگوی مابین معاون
محترم آموزشی و جسدش از کارشناسان
گروه‌های آموزشی استان اصفهان است.
آقای آبت ایزدیان معاون آموزشی، آقایان
محمد هاشمی کارشناس مسئول و
محمد دستگار کارشناس گروه‌های آموزشی
راهمایی و خانه‌اندزاده کارشناس اجرایی
گروه‌های آموزشی ابتدایی سارا در این
گفت‌وگویی کرده‌اند. باتشکر از ایشان
شماره خواندن متن گفت‌وگو دعوت
می‌کنیم.

● رشد حجاب آقای ایزدیان، باتشکر
از جامعه‌عالی و همکاران که تقاضای مجله‌ی
رشد آموزش راهمایی را برای این گفت‌وگو
پذیرفتند. همان‌طور که می‌دانید کارشناسی
گروه‌های آموزشی، بر حسب تشکیلات
سازمانی وزارت آموزش و پرورش از جایگاه
قابل توجهی برخوردار است و در واقع
می‌توان گفت، برآیند فعالیت‌های علمی
معلمین هر دوره و هر رشته را
در گروه آموزشی آن دوره بارش می‌توان
مشاهده کرد. لذا به عنوان اولین سوال لفظاً



ایزدیان:

○ دیدگاه ما نسبت به کار گروه‌های آموزشی همین است که گفتیم و ما این را به عنوان یک باور پذیرفته ایم که بهترین بستر ارتباط با معلم مخصوصاً برای بالا بردن کیفیت کار او از طریق مشارکت خود او یعنی همین بستر گروه‌های آموزشی می باشد. لذا تلاش داریم گروه‌های منطقه‌ای و استانی را از ترکیبی از افراد توانمند در کار تشکیل دهیم، از کار آنها حمایت کنیم در این صورت گروه‌ها خود به خود حرکت می نمایند، اعضای گروه‌ها معلمینی هستند که هم علاقه‌مند هستند و هم توانمند، لذا وقتی احساس کردند از آن‌ها حمایت می شود خود بخود حرکت می نمایند.

این پرسش ما پاسخ دهید که هدف از تشکیل گروه‌های آموزشی چه بوده و سابقه‌ی سپس آنها به کجا و چه زمانی می رسد.

○ ایزدیان. بسم الله الرحمن الرحیم. هم از شما به خاطر برگزار کردن این وقت و گو بین ما و خوانندگان مجله رشد اهتمامی تشکر می کنم. اما در پاسخ این سؤال باید بگویم که اصلاً در آموزش و ورزش جمع شدن معلمان به دور هم برای بحث پیرامون مسائل خودشان از جمله تدریس و حل مشکلات درسی و آموزشی و امثال اینها یک امر

طبیعی است لذا زمینه‌ی خوبی وجود دارد که دستگاه آموزش و پرورش این کردهمایی‌ها را سامان بدهد. در واقع تشکیل گروه‌های آموزشی هم با توجه به چنین زمینه‌ای طراحی شده است. قبل از تشکیل گروه‌های آموزشی، قبل از



انقلاب، طاهر آشوراها و انجمن های معلمان این کارها را انجام می دادند. اما به دنبال دگرگونی و تحولاتی که بر اثر وقوع انقلاب اسلامی پیش آمد شوراهای تاسمندی متوقف شد تا این که در اوایل سال تحصیلی ۶۰-۱۳۵۹ به صورت گروه های آموزشی درآمد و اولین دستورالعمل آن در تاریخ ۲۰/۶/۵۹ از سوی اداره کل آموزش راهنمایی به استان ها ابلاغ شد، که به دنبال آن به تدریج گروه های آموزشی در شهرستان ها و مناطق به وجود آمدند. این گروه ها به مدت دو سال فعالیت کردند و چون نتیجه ی کار آنها مثبت تلقی شده، معاونت آموزش عمومی تصمیم گرفت در دوره های ابتدایی و دبیرستان نیز گروه های آموزشی راه بسازد. لذا در تاریخ ۶/۹/۶۱ دستورالعمل دوم به این منظور ابلاغ شد. از آن زمان تا امروز این گروه ها در همه دوره ها فعال بوده اند.

● رشد: سابر این اولین تجربه ی گروه های آموزشی در دوره ی راهنمایی شکل گرفته است؟

آینه، همین طور است، ولی از سال تحصیلی ۶۱-۶۲ این کار با قوت بیشتر و در سطح وسیع تری دنبال شد. من خودم در آن سالها در استان کهگیلویه و بویر احمد، در شهرستان گچساران، به خدمت اشتغال داشتم. به یاد دارم که آموزگاران و دبیران با چه شور و شوقی از تشکیل گروه های آموزشی استقبال می کردند و حتی قدم هراتر می گذاشتند و گروه های درون منطقه ای هم تشکیل می دادند. یعنی گروه های مختلف چند منطقه به دور هم جمع می شدند و راجع به مسائل مشترک خود بحث و گفت و گو می کردند. این گردهمایی ها و مجامع در رشد حرفه ای و توان آموزشی معلمان خیلی تأثیر داشت. و البته بک علت آن هم این بود که در آن سالهای اول، یعنی ۶۷-۱۶ سال پیش انگیزه های معلمان قوی تر از امروز بود به ویژه در بعضی از مناطقی که دورتر از مراکز بزرگ شهری، چون تهران و اصفهان،

واقع شده بودند. حالت اینجاست که در آن زمان معلمانی که در گروه های آموزشی شرکت می کردند، به اصطلاح اعضای گروه ها، به دنبال انگیزه های مادی هم نبودند، انگیزه های چون حق مأموریت، اضافه کار، مدرک ضمن خدمت، ... بلکه صرفاً علاقه به رشد و تمایل بیشتر به خدمت مشوق آنها بود. مخصوصاً باید گفت که دستورالعمل دوم، که به آن اشاره شد، در تشویق معلمان به شرکت در گروه های آموزشی بیشتر تأثیر داشت.

● رشد: آقای هاشمی، شما به عنوان کارشناس مسئول گروه های آموزشی استان، هدف اساسی و اصلی تشکیل این گروه ها را در چه می دانید؟

آینه: هاشمی: به نام خدا. باید عرض کنم که هدف کلی از تشکیل گروه های آموزشی ارتقاء سطح کیفی آموزش می باشد که اگر بخواهم آنها را جزأ به جزأ بیان کنم از حوصله ی این جلسه خارج است اما یکی از مهم ترین آنها که ما متوجه شدیم آن را در استان اصفهان دنبال کنیم بررسی روش های مناسب ارزشیابی از فرایند بادهی و یادگیری و استفاده از روش های مناسب جهت تبادل افکار، تجارب و ابتکارات و نوآوری ها است که تا بحججه ی آن بر می گردد به سال ۵۹ که با عنوان هایی چون شورانی معلمان - جامعه ی دبیران و انجمن معلمان و در نهایت گروه های آموزشی و درسی فعالیت خود را شروع کرد و طی ۵ مرحله بازنگری و بازبینی در نهایت دستورالعمل فعلی شکل گرفته است.

● رشد: پس این طور که معلوم می شود تا کنون تغییرات نسبتاً زیادی، بیش از آنچه آقای ابودیان اشاره کردند در نحوه ی تشکیل گروه های آموزشی به وجود آمده است. از آقای درستکار می خواهم در این باره توضیحات بیشتری بدهند.

آینه: درستکار: اولاً گروه های آموزشی به عنوان یک تشکل جمعی و پایگاه تبادل نظر بین معلمان عمل می کند که به جهت گسترش

هاشمی:

آینه: به اعتقاد من اگر نظام آموزشی را یک موجود زنده فرض کنیم آموزش عمومی سر آن است و گروه های آموزشی چشم آن. نا این اعتقاد همان کاری را که چشم در سر انجام می دهد گروه های آموزشی برای نظام آموزش و پرورش انجام می دهند.

آینه: گروه های آموزشی جایگاه ویژه ای دارد به شرط اینکه این جایگاه شناخته شود و مسئولین ما در وزارت خانه بیشتر به آن اهمیت بدهند و آن را تقویت نمایند.

اطلاعات تخصصی معلمان و ایجاد هماهنگی در اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی و ارائه‌ی الگوهای تدریس برتر و روش‌های نوین ارزش‌یابی گروه‌های آموزشی به وجود آمده است. مثلاً با توجه به تغییرات پی‌درپی برنامه‌ی علوم و به تبع آن تغییر کتاب‌های درسی و لزوم نقد و بررسی این کتاب‌ها و افزایش اطلاعات و آگاهی‌های معلم در زمینه فوق‌نیاز به گروه‌های آموزشی بیشتر احساس می‌گردد.

و اما در مورد تاریخچه من هم این توضیح را بدهم که گروه‌های آموزشی، همان‌طور که آقای ایزدیان هم گفتند، به نوعی قبل از انقلاب هم وجود داشته است، منتها در قالب انجمن‌ها، مثلاً انجمن دبیران ریاضی یا جامعه‌ی دبیران فیزیک، اما شکل و نحوه فعالیت گروه‌های آموزشی به شیوه‌ای که اکنون وجود دارد حاصل دوران بعد از انقلاب است که در سال ۱۳۵۹ رسماً از مناطق آموزش و پرورش خواسته شد نسبت به تشکیل گروه‌های آموزشی در پایه‌ها و رشته‌های مختلف درسی اقدام نمایند. در سال ۱۳۶۱ دستورالعمل گروه‌های آموزشی توسط دفتر آموزش عمومی وزارت متبوع به کلبه استان‌ها ابلاغ شد. دستورالعمل‌های بعدی با کمی تغییرات تا سال ۱۳۷۳ اجرا گردید و در سال ۱۳۷۳ دستورالعمل جدیدی ابلاغ گردید که با توجه به نظرات استان‌ها تدوین شده بود و فعلاً هم دستورالعملی که در سال ۱۳۷۵ ابلاغ شده اجرا می‌گردد که در آن گروه آموزشی مدیران نیز اضافه شده و در بعضی از استان‌ها گروه آموزشی پرورشی و تربیت بدنی نیز تشکیل شده است.

● رشد: از شما آقای ایزدیان می‌خواهیم با توجه به تجربه طولانی که در مسئولیت‌های آموزشی داشته‌اید، بگویید نگاه شما به گروه‌های آموزشی چه نگاهی است.

○ ایزدیان: می‌دانم که شرایط محیطی و فرهنگی مناطق مختلف کشور متفاوت است و زمینه‌ها و میزان توانایی معلمان نیز بسیار بسیار متفاوت، لذا معلمینی که

از جهت میزان تحصیلات و زمینه‌ها با هم تفاوت‌های بسیار زیادی دارند در تحقق اهداف تعلیم و تربیت و اعمال روش‌ها و ارائه‌ی مطالب قطعاً متفاوت عمل می‌کنند. و از آنجائی که تقریباً هیچ سیستم نظارت و ارزشیابی برای جهت‌دهی بر کار آنها وجود ندارد گروه‌های آموزشی بسترهای مناسبی هستند که از این طریق معلمین در آنجا هم جهت شوند، مطالب کاری خود را بررسی کنند، به بحث و شور و مشورت بشتینند و به صورت غیرمستقیم در یک فرآیند یادگیری و یاددهی شرکت نمایند. این طریق بسیار خوبی برای یک اجرای هماهنگ است، همین جاست که ارزش و اهمیت کار گروه‌های آموزشی روشن می‌شود و لذا گروه‌های آموزشی با این دید از جایگاه بسیار بالایی می‌توانند برخوردار باشند، چنانچه انجام کار در گروه‌های آموزشی مثل شروع کار این گروه‌ها به درون جامعه و جماعات معلمین کشانده شود، معلم در کار مشارکت دارد و در عین حال که خود به نقد و بررسی می‌پردازد به رفع اشکالات، نواقص و ایرادات کار خود نیز می‌پردازد. این بهترین روش برای اصلاح کار در جامعه فعلی ما می‌باشد که شاید بتوان گفت هیچ نوع آموزش ضمن خدمتی نمی‌تواند چنین نقشی را ایفا نماید و چنین تأثیراتی را بگذارد.

دیدگاه ما نسبت به کار گروه‌های آموزشی همین است که گفتیم و ما این را به عنوان یک باور پذیرفته‌ایم که بهترین بستر ارتباط با معلم مخصوصاً برای بالا بردن کیفیت کار او از طریق مشارکت خود او یعنی همین بستر گروه‌های آموزشی می‌باشد. لذا تلاش داریم گروه‌های منطقه‌ای و استانی را از ترکیبی از افراد توانمند در کار تشکیل دهیم، از کار آنها حمایت کنیم در این صورت گروه‌ها خودبه‌خود حرکت می‌نمایند، اعضای گروه‌ها معلمینی هستند که هم علاقه‌مند هستند و هم توانمند، لذا وقتی احساس کردند از آن‌ها حمایت می‌شود خود بخود حرکت می‌نمایند.

درستکار:

○ گروه‌های آموزشی، همان‌طور که آقای ایزدیان هم گفتند، به نوعی قبل از انقلاب هم وجود داشته است، منتها در قالب انجمن‌ها، مثلاً انجمن دبیران ریاضی یا جامعه‌ی دبیران فیزیک، اما شکل و نحوه فعالیت گروه‌های آموزشی به شیوه‌ای که اکنون وجود دارد حاصل دوران بعد از انقلاب است که در سال ۱۳۵۹ رسماً از مناطق آموزش و پرورش خواسته شد نسبت به تشکیل گروه‌های آموزشی در پایه‌ها و رشته‌های مختلف درسی اقدام نمایند.

درستکار:

- ۱) در استان اصفهان سعی شده است کارآمدترین و با تجربه ترین معلمان در گروه های آموزشی جذب شوند.
- ۲) در طول تابستان و سال تحصیلی سخنرانی های علمی در مرکز تحقیقات معلمان استان داریم که بسیار هم عزیزان معلم استقبال می کنند.

● رشد: آقای هاشمی شما با توجه به ارتباط مداوم و تنگاتنگی که با گروه های آموزشی دارید از چه زاویه ای این گروه ها را می بینید؟

د) هاشمی: به اعتقاد من اگر نظام آموزشی را یک موجود زنده فرض کنیم آموزش عمومی سر آن است و گروه های آموزشی چشم آن. با این اعتقاد همان کاری را که چشم در سر انجام می دهد گروه های آموزشی برای نظام آموزش و پرورش انجام می دهند. البته باید بگویم مشکلاتی بر سر راه وجود دارد از جمله این که: ۱- جایگاه اداری گروه های آموزشی هنوز مشخص نیست و از نظر تشکیلات و بودجه و شرح وظایف مشکلاتی دارد اما به هر حال با وجود این موانع اعضای گروه های آموزشی بهترین افرادی هستند که می توانند مشکلات و معضلات موجود در امر آموزش و کتاب معلم، روش های تدریس، شیوه های ارزشیابی وسایل و امکانات، آموزش و روابط انسانی را ارزیابی و مشخص نمایند. همچنین بهترین افرادی هستند که می توانند راهکار های اجرایی ارائه نمایند.

۲- نگاه من به گروه های آموزشی با توجه به تجربه کاری ۷ ساله ام در کارشناسی گروه های آموزشی استان بسیار مثبت است.

گروه های آموزشی به عنوان دست و بازوی پر توان و بیرونی قوی در اختیار ماست و ما باید از این نیرو که خیره ترین معلمان و در واقع نمایندگان برگزیده چندین هزار معلم می باشد در جهت افزایش کیفیت آموزش استفاده کنیم. گروه های آموزشی جایگاه ویژه ای دارد به شرط اینکه این جایگاه شناخته شود و مسئولین ماذر وزارت خانه بیشتر به آن اهمیت بدهند و آن را تقویت نمایند. خلاصه این که گروه های آموزشی به عنوان چشم و گوش آموزش ما است و به عنوان یک نهاد با ارزش علمی پژوهشی محل تجمع نیرو های خلاق و متفکر و لذا بسیار ارزشمند است.

۳- در استان اصفهان به جهت بافت نسبتاً قوی فرهنگی که موجود است گروه های آموزشی جاذبه دارد و کارآمدترین و محراب ترین معلمان در گروه ها جذب شده و فعالیت می کنند. خوش بختانه مسئولین استان هم توجه خوبی به آن دارند.

● رشد: خاتم اسدزاده، شما به عنوان کارشناس اجرایی گروه های آموزش ابتدایی نظرتان را بفرمایید.

د) اسدزاده: از دیدگاه من اعضای گروه های آموزشی بهترین افرادی هستند که می توانند راهکار های اجرایی ارائه نمایند. به بیان دیگر گروه های آموزشی «سازوی توانمند آموزش» هستند و در نهایت نقش گروه های آموزشی «کیفیت بخشی» به امر آموزش است. این مهم زمانی محقق می شود که مسئولان آموزش توان و قابلیت های گروه ها را باور نمایند و ضمن همفکری و مشورت و جهت دهی به فعالیت های آنان در راستای شناسایی و رفع معضلات و نیازها زمینه ی لازم را برای فعالیت گروه ها فراهم کنند.

با توجه با اینکه روند آموزش در حال تغییر می باشد و تحولات از دوره ی ابتدایی آغاز شده و در دوره ی راهمایی سیر ادامه می یابد. وظیفه ی خطیر گروه های آموزشی این است که به عنوان پیشگامان امر آموزش

خود را پیشاپیش برای این تحول آماده نمایند و با مطالعه و تفکر به ضرورت اهداف سه گانه یعنی دانشی ها، مهارت ها و نگرش ها در کتاب های درسی در جهت پرورش انسان های متفکر و خلاق و شهروند سالم برای جامعه پی ببرند. با توجه به اینکه در صورت تغییر محتوای کتب درسی اگر شیوه تدریس بر اساس دانش آموز محور و گروهی تغییر پیدا نکند تغییر محتوای کتاب ها چندان چاره ساز نیست. بنابراین وظیفه ی گروه های آموزشی است که با طراحی آموزشی و ارائه ی تدریس نمونه در جلسات مجامع عمومی منطقه، زمینه لازم را برای تدریس، آماده سازی و آموزش معلمان فراهم نمایند.

● رشد: به نظر ما استان اصفهان از جمله استان هایی است که همواره بر خورد مثبت و فعالی با گروه های آموزشی داشته است. اگر خودتان هم این موضوع را تصدیق می کنید بفرمایید چه زمینه هایی در استان وجود دارد که سبب این برخورد فعال شده است؟

د) ایزدیان: میدانید که استان اصفهان از نظر فرهنگی و آموزشی به نسبت استان توان مندی است. ظرفیت نیروی انسانی آن خوب است. معلمان علاقه مند و توان مندی در آن وجود دارند در عین حال صاحب سنج و روش هم هستند. موضوع و اهمیت کار در آموزش و پرورش را خوب پذیرفته اند، در عین حال نقادان خوبی هم هستند. این زمینه ها برای حرکت آنها مجال بسیار خوبی فراهم کرده است. البته این حالت ها در بین دیگر فرهنگیان کشور کم و بیش وجود دارد. به هر حال معلمان استان خوشحانه علی رغم مشکلاتی که دارند نحوای کار آموزش و تعلیم و تربیت را دنبال می نمایند، قانع هم هستند لذا با یک توجهات اولیه کار گروه ها حرکت در می آید و البته باید حدیث شود.

در استان اصفهان گروه های آموزشی در مرکزی به نام مرکز تحقیقات معلمان جمع

می شوند، این مرکز که امکانات خوبی هم دارد محل اجتماع و رفت و آمد معلمان برگزیده ای است که به صورت برنامه ریزی شده و منظم نشست های مستمری دارند و روی مسائل و کارهای خود نقد و بررسی و شور و مشورت می نمایند. از طرفی سعی شده است در همه ی مناطق و نواحی آموزش و پرورش نیز مکان های مشخصی جهت کار گروه ها تعیین گردد، لذا گروه ها در مناطق و نواحی نیز به همین شکل ایفای وظیفه می نمایند، یعنی با معلمان درون منطقه ارتباط دارند، به صورت مکاتبه ای و به صورت حضوری در مجامع عمومی معلمان بصورت رشته ای در دوره ی راهنمایی و به صورت پایه ای در دوره ی ابتدایی همواره با معلمان در تعامل هستند که این باعث می شود بتوانند تأثیر بگیرند و تأثیر بگذارند، به نظر من وقتی گروه ها احساس می کنند مکان هایی برای آنها تهیه شده، امکانات اولیه و ابزار کار برایشان فراهم شده و ادارات به عنوان تسهیل کننده کار بین معلم و گروه عمل می نمایند همین ها باعث می شود تحرک پیدا کنند و فعال شوند.

این همان برخورد مثبتی است که شما احساس کرده اید در اصفهان انجام گرفته است. البته ما خودمان احساس نمی کنیم کار زیادی انجام داده ایم اما متوجه هستیم که حرکت های خوبی صورت گرفته است.

○ درستکار: به نظر من اگر، آن طرز که شما برداشت کرده اید، استان اصفهان در این زمینه فعال است، علت آن تفاهمی است که بین جامعه معلمان استان از یک طرف و مجموعه مسئولان آموزش و پرورش استان از طرف دیگر وجود دارد. به عبارت دیگر، مسئولین آموزش و پرورش استان گروه های آموزشی را به عنوان مجموعه ای از انجمن های علمی آموزشی مؤثر و مفید و با یک تشکّل علمی آموزشی فسون دارند و در جهت تقویت آن می کوشند. ضمن این که استقبال خود معلمان از گروه های آموزشی و پذیرش آن ها هم قابل توجه است. اینها

ایزدیان:

دلایل موفقیت ما در استان است. باید عرض کنم که با توجه به این که کار گروه های آموزشی باید پویا باشد ما خودمان را زیاد در محدوده و چارچوب دستورالعمل ها قرار نداده ایم و ضمن اجرای دستورالعمل فراتر از آن عمل کرده ایم و کارهای زیادی هم انجام داده ایم که در پیشرفت آموزش و پرورش استان مؤثر بوده است.

وجود امکانات و محل خاص برای گروه های آموزشی مانند مرکز تحقیقات معلمان - خرید کتاب و کتابخانه، اشتراک مجلات رشد برای تمامی آنها، بازدیدهای مستمر از مدارس و مناطق همجوار و بازخورد دادن نتیجه ی این بازدیدها به مدارس، تشکیل سمینارها و مجامع عمومی در مناطق و مرکز استان و حضور مسئولین و استادان دانشگاه ها در این مجامع و ارتباط با سایر استانها نیز می تواند از دلایل موفقیت ما باشد.

○ هاشمی: در واقع همین است که فرمودند. خلاصه این که دو مطلب وجود دارد. یکی دید روشن، دلسوزانه و پی گیر مسئولین اداره کل و مناطق و شهرستان ها و نواحی در این زمینه، که باعث شده تصور گروه های آموزشی گرم نگه داشته شود و دوم وجود معلمان علاقمندی که عموماً دنبال جایی می گردند که مشکلاتشان را مطرح و پاسخی برای گمشده خود پیدا کنند.

● رشد: به نظر شما گروه های آموزشی تا چه حد می توانند نقش انجمن های علمی و آموزشی معلمان را ایفا کنند و در عمل چه قدر موفق بوده اند؟

○ ایزدیان: انجمن علمی و آموزشی معلمان که ظاهراً در سابق هم وجود داشته و دستورالعمل آن نیز در سال ۷۴ ابلاغ گردیده است انجمنی است خودجوش که معمولاً تعدادی از معلمان علاقمند را گرد هم می آورد و اینها در یک رشته خاص حرکت می کنند، ولی در شرایط فعلی متأسفانه انجمن ها موفق نیستند. برای مثال طرف این چند ساله تنها در دو رشته در استان اصفهان

○ انجمن علمی و آموزشی معلمان که ظاهراً در سابق هم وجود داشته و دستورالعمل آن نیز در سال ۷۴ ابلاغ گردیده است انجمنی است خودجوش که معمولاً تعدادی از معلمان علاقمند را گرد هم می آورد و اینها در یک رشته خاص حرکت می کنند، ولی در شرایط فعلی متأسفانه انجمن ها موفق نیستند.

انجمن هایی تشکیل شده (رشته های ریاضی و فیزیک) که در این رشته ها تعدادی از دبیران متوسطه و عمدتاً از شهر اصفهان این انجمن ها را تشکیل داده اند و پوشش وسیعی هم ندارد، اما گروه های آموزشی می توانند همه ی معلمان را از اقصی نقاط یک منطقه، استان و کشور تحت پوشش قرار دهند و به صورت یک کار نسبتاً سازمان یافته کار کنند. یعنی هم به معلمان در گروه ها مطلب بدهند و هم نظرات آنها را بگیرند، معلمان نیز زمینه و حتی انتظار این را دارند که در گروه ها پوشش داده شوند بنابراین این دو اگر چه در بعضی موارد اهدافی مشترک دارند اما دو حالت مجزا دارند که هر کدام به طریقی می توانند به نظام تعلیم و تربیت خدمت نمایند.

● رشد: خانم اسدزاده شما این موضوع

را در دوره ی ابتدایی چگونه می بینید؟

○ اسدزاده: گروه های آموزشی در نقش انجمن علمی و آموزشی معلمان روش های تدریس و ارزشیابی و ... هستند. جلسات هفتگی گروه های آموزشی به صورت باز بوده و کلیه ی معلمان می توانند در جلسات شرکت نموده و مشکلات آموزشی خود را طرح کنند و پاسخ مناسب دریافت نمایند. البته این ارتباط بعضاً به

صورت تلفظی و مکانی‌ای نیز می‌تواند برقرار شود. از سوی دیگر گروه‌های آموزشی در مناطق مختلف با توجه به امکانات به صورت ماهانه یا با فواصل بیشتر مجتمع عمومی معلمان دارند که اعضای گروه با نیازسنجی قبلی در زمینه‌های آموزشی، برنامه‌های لازم مانند سخنرانی، تدریس نمونه، بیان تجربیات کاری و ... و بعضاً به هماهنگی قبلی توسط معلمان صورت می‌گیرد. اندازه‌ها می‌بندد. قسمتی از زمان این جلسات نیز به پرسش و پاسخ و ... می‌گذرد.

(هاشمی به نظر من اگر زیاد در بند اسم نمانیم، این گروه‌های آموزشی انجمن‌های علمی و آموزشی به معنی واقعی هستند. زیرا نقش مهمی را در بالا بردن سطح کیفی آموزش ایفا می‌کنند. این‌ها به عنوان هسته‌های علمی، آموزشی و پژوهشی توانسته‌اند با استفاده از تجارب و نظریات معلمان کلام‌های مؤثری را در اصلاح نظام آموزشی و بهبود کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری بردارند. معلمان ما نباید یک پایگاه اجتماعی و یک تشکل جمعی داشته باشند. تا بتواند دور هم جمع شوند و نسبت به رفع مشکلات آموزشی خود اقدام نمایند. مثلاً معلم تازه‌کار و جدید آلاستخدام نسبت به شروع کار خود اعتماد به نفس کمی دارد. نباید او را کمک کرد تا کار تدریس را آغاز کند. لذا باید گروه آموزشی مربوطه رای به عنوان راهنمای حلال مشکلات آموزشی خود همیشه در دسترس داشته باشد و به آن مراجعه کند و با با شرکت خود در مجامع عمومی و تبادل نظر و مساعده اطلاعات ضمنی دانش‌افزایی مشکل خود را حل نمایند. از این روست که می‌گوئیم گروه‌های آموزشی در واقع انجمن‌های علمی آموزشی هستند. در این انجمن‌ها معلمان با روش‌های نوین تدریس و ارزشیابی آشنا می‌شوند و ضمن نقد و بررسی کتاب‌های درسی و تحلیل آنها اشکالات را به مؤلفین متوسط منتعکس می‌نمایند. آنچه مهم است این که نباید این

انجمن‌ها را تقویت کنیم. ریسر اعضایی گروه‌های آموزشی غالباً مشغولانی امین و بازوایی بتواند برای آموزش‌های ما و نیز یک شبکه‌ای ارتباطی و مشاورتی برای مؤلفین کتاب‌های درسی می‌باشند تا نقد و بررسی‌ها و اشکالات کتاب‌ها اصلاح گردد.

● رشد. آیا وزارت آموزش و پرورش در مرکز - منظور دفاتر ستادی آموزش و پرورش است - تا چه حد به این موضوع اهمیت می‌دهد؟ به عبارت دیگر آیا مسائل گروه‌های آموزشی را به طوری جدی و اصولی پیگیری می‌کنند؟

(هاشمی - غیر علم نفس و اثر گروه‌های آموزشی در نظام آموزشی، ما متأسفانه شاهد تغییر مرتب دستورالعمل‌های گروه‌های آموزشی بوده‌ایم. وزارت متبوع در مرکز می‌بایست نقش نظارت و هدایت استان‌ها را قوی‌تر نماید و با جوره‌های به دست آمده را در رابطه با گروه‌های آموزشی در اختیار استان‌ها بگذارد تا اعضایی گروه‌های آموزشی با تکرار بیشتری این کار مهم را دنبال کنند.

ما در واقع خودمان این وظیفه را به عهده گرفتیم و در قالب اهداف مشخص شده برنامه‌ریزی کردیم و تغییراتی را در دستورالعمل داده و به اجرا آوردیم که بنظر می‌رسد در این راستا در مجموع موفق بوده‌ایم.

(اسدزاده - وزارت آموزش و پرورش به نقش تعیین‌کننده‌ی گروه‌های آموزشی در کیفیت بخشی به امر آموزش واقف است. حتی باید اذعان داشت که این ضرورت تفکر جدیدتر وزارت خانه مطرح شده که معلمان راحت‌تر در مدارس بهترین افرادی هستند که می‌توانند در مسائل آموزشی نظر دهند و مجری طرح‌های جدید (الگوهای تدریس) باشند. فرم‌های نظرحوایی و ارائه الگوهای تدریس جهت اجرا در کلاس‌های درسی و ارائه‌ی بازخورد آموزشی آن‌ها از سوی معلمان به وزارتخانه‌ی معین این مسأله است. اینها متأسفانه چون وزارت خانه در ارتباط با

اسدزاده:

(چون وزارت خانه در ارتباط با گزارش فعالیت‌های ارسالی از استان‌ها، واکنشی ابراز نمی‌کند، موصحت دل‌سردی و بی‌تفاوتی را فراهم می‌کند و به نظر می‌رسد در عمل و در اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها و اصلاح کتاب‌های درسی از نظرات استفاده نمی‌شود.

(سایرین وظیفه‌ی گروه‌های آموزشی است که زمینه‌ی آرم را برای پذیرش، آماده‌سازی و آموزش معلمان فراهم نمایند.

گزارش فعالیت‌های ارسالی از استان‌ها، واکنشی حتی در حد وصول فعالیت‌ها ابراز نمی‌کند. موصحت دل‌سردی و بی‌تفاوتی را فراهم می‌کند و به نظر می‌رسد در عمل و در اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها و اصلاح کتاب‌های درسی از نظرات استفاده نمی‌شود. سپهر لازم است در نظر داشته باشد که با گروه‌های آموزشی (نمایندگان معلمان) به صورت قوی و مستمر دو طرفه‌ی تبادل نظر داشته باشد.

● رشد شما در استان اصفهان چه تمهیدات و امکاناتی برای جذب معلمان به گروه‌ها و تسهیل رابطه‌ی آنها با هم به کار گرفته‌اید؟ منظور ما تمهیداتی از قبیل کتابخانه، نشریه، گم‌دهمایی و تشویق و ... است. البته آقای درستکار اشاره‌ی کوناه‌ی به این مسئله داشتند.

(هاشمی از زمانی که این جلسه همکاری شد و تبدیل معلمان را داشتند. بدین‌جهت برای شنیدن که نیازهای اولیه‌ی آن‌ها در بعد آموزش به طرف کتاب‌ها و گروه‌های آموزشی هم تا آنکه در قوی بتوانند نقش خود را ایفا کنند. در این زمینه در حین‌های خرید کتاب منظور کردیم و پس از آن در چاپ و نظر سنجی از گروه‌های آموزشی و

ناحیه‌ی آموزشی کتاب‌هایی خریداری کردیم و به مناطق فرستادیم. ضمناً برای هر منطقه‌ی آموزشی قفسه کتابخانه تهیه شد به طوری که در حال حاضر در هر کدام از مناطق و نواحی کتاب‌های علمی تخصصی، مرجع و اکثر کتاب‌هایی که مورد نیاز گروه‌های آموزشی است وجود دارد. این کار توانسته است نیاز علمی معلمان را برطرف کند. کاری دیگری که در استان بر روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌ایم تشکیل مجامع عمومی و گردهمایی‌هایی است که هر ساله در ابتدای سال تحصیلی برای نمایندگان منتخب معلمان جلسه‌ای منظور و در آن جلسه سیاست‌های استان در زمینه گروه‌های آموزشی بیان می‌شود و همچنین کتاب‌های درسی مورد بررسی و رفع اشکال قرار گرفته و یک نمونه تدریس برای الگودهی ارائه می‌شود که عموماً از این گونه کارها معلمان استقبال نموده‌اند.

درستکار: در استان اصفهان سعی شده است کارآمدترین و با تجربه‌ترین معلمان در گروه‌های آموزشی جذب شوند که جذب معلمان از طریق معرفی ادارات نواحی و مناطق و گزینش توسط استان و بنا شناسایی افراد مجرب در بازدیدها و دعوت به کار آنان در گروه‌های آموزشی است، یعنی گزینش تیر و به دو صورت انتصابی و انتخابی است. جهت فعال شدن گروه‌های آموزشی ضمن توجه مسئولین آنها در مجامع عمومی در مناطق و مرکز استان بطور مستمر تشکیل شده و در این مجامع ضمن دعوت از اساتید و مدرسین نمونه‌هایی از تدریس‌های برتر ارائه می‌شود. در طول تابستان و سال تحصیلی سخنرانی‌های علمی در مرکز تحقیقات معلمان استان داریم که بسیار هم عزیزان معلم استقبال می‌کنند. در همین مرکز کتابخانه‌ای بسیار عری، آزمایشگاه فیزیک و شیمی و کارگاه‌های آموزشی دایر است. بازدیدها به طور مستمر صورت می‌گیرد و مشکلات آموزشی معلمان به صورت کتبی و تلفنی

هاشمی:

پاسخ داده می‌شود. در پایان سال هم عملکرد یکساله‌ی کار گروه‌های نواحی و مناطق ۳۹ گانه‌ی استان را ارزیابی و به صورت کیفی و کمی (نمودار) در نشریه‌ی جلوه که مخصوص معاونت آموزش عمومی است چاپ و گروه‌های آموزشی رتبه اول تا سوم هر پایه و رشته توسط مدیرکل استان تشویق می‌شوند.

اسدزاده: من هم می‌توانم عواملی را که باعث جلب معلمان به گروه‌ها و فعال شدن آن‌ها می‌شود، در دوره‌ی ابتدایی در چند جمله خلاصه کنم.

۱- بهادادن به نظرات معلمان در جلسات
 ۲- تلاش در پاسخ‌گویی صحیح و هر چه سریع‌تر به سؤالات همکاران (به صورت حضوری، تلفنی، مکاتبه‌ای)

۳- بهادادن به فعالیت‌های ارسالی از سوی معلمان (طرح درس، کارهای تحقیقاتی، جزوه، پیشنهادها)، بررسی موارد، اعلام وصول و نقد و بررسی طرح و ارائه‌ی راهنمایی‌های لازم و در صورت مناسب بودن ارائه به کارشناسی‌های مربوطه و وزارت‌خانه جهت استفاده در برنامه‌ریزی‌ها

۴- توسعه‌ی مجامع عمومی در مناطق
 ۵- شناسایی معلمان مبتکر و صاحب نظر در مسائل آموزشی، تدریس و استفاده از آنان برای ارائه‌ی تدریس نمونه، بیان تجربیات کاری در زمینه‌های خاص در مجامع عمومی

● رشد: به عنوان آخرین سؤال، به نظر شما مجله رشد راهنمایی چگونه می‌تواند در خدمت گروه‌های آموزشی باشد؟

ایزدیان: ما به اهمیت همه مجلات رشد و از جمله مجله رشد آموزش راهنمایی واقف هستیم و به همین جهت گروه‌های آموزشی راهنمایی را مشترکاً این مجله قرار داده‌ایم.

هاشمی: برای موفقیت نظام آموزشی باید بر روی معلم سرمایه‌گذاری

○ از زمانی که این احساس همکاری مثبت و تمایل معلمان را در استان دیدیم بر آن شدیم که نیازهای اولیه‌ی آن‌ها را در بعد آموزش برطرف کنیم تا گروه‌های آموزشی هم با انگیزه‌ی قوی بتوانند نقش خود را ایفا کنند. در این زمینه بودجه‌ای برای خرید کتاب منظور کردیم و پس از نظرخواهی و نظرسنجی از گروه‌ها برای هر منطقه و ناحیه‌ی آموزشی کتاب‌هایی خریداری کردیم و به مناطق فرستادیم.

کرد و انتشار مجله طبعاً نوعی سرمایه‌گذاری است. به نظر می‌رسد پیوند بین مجلات رشد و گروه‌های آموزشی می‌تواند در این راستا نقش اساسی را بازی کند. به گونه‌ای که هر یک از گروه‌های آموزشی نظرهای معلمان را جمع‌آوری کند و در اختیار سردبیر مجله‌ی رشد قرار دهد تا در نهایت به چاپ مطالب در مجلات متجر شود و مورد استفاده معلمان قرار گیرد.

درستکار: مجله‌ی رشد راهنمایی مجله‌ای است که باید به تمامی مدارس راهنمایی کشور برسد و معلمان آن را مطالعه کنند.

باید در این مجله به اهمیت و نقش و جایگاه گروه‌های آموزشی پرداخت تا معلمان نسبت به آن بیشتر آگاه شوند و شناخت پیدا کنند. هدف از تشکیل گروه‌های آموزشی بیان شود مثلاً از طریق همین گفت‌وگوها و مصاحبه‌ها. نقاط قوت و ضعف دستورالعمل‌ها بیان بشود، تجزیه و تحلیل بشود تا دست‌اندرکاران نسبت به اصلاح آن اقدام نمایند.

● رشد: در پایان بار دیگر از همکاری شما سپاسگزاری می‌کنیم.

از کارهای ارزشمند و قابل توجه اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان در زمینه ی عملکرد گروه های آموزشی، عرصه ی فعالیت های گروه ها به صورت نمودار به منظور امکان مقایسه ی فعالیت های آن ها با یکدیگر است. در نهمین شماره ی نشریه جلوه (نشریه ی معاونت آموزشی استان) که تماماً به بررسی عملکرد گروه های آموزشی اختصاص دارد، فعالیت یک ساله ی (۷۶-۷۷) گروه ها در سطح استان و شهرستان و به تفکیک دروس مختلف

دوره ی راهنمایی - در قالب ۴۶ نمودار نشان داده شده است. این نمودارها در چهار دسته به شرح زیر تقسیم شده اند:

- ۱- نمودارهای عملکرد گروه های آموزشی در ۱۰ رشته درسی
- ۲- نمودار میانگین عملکرد گروه های آموزشی
- ۳- نمودارهای عملکرد گروه های آموزشی ادارات آموزش و پرورش استان (۳۸ ناحیه و منطقه و شهرستان)
- ۴- نمودار میانگین عملکرد گروه های

آموزشی ادارات آموزش و پرورش استان.

آن چه در اینجا ملاحظه می کنید ۳ نمونه از این نمودارها است و جهت اطلاع مدیران مدارس، کارشناسان گروه های آموزشی و دیگر علاقه مندان به این موضوع تهیه شده است. ضمناً شماره و اسامی ادارات آموزش و پرورش استان به این شرح است: ۱- ناحیه یک اصفهان، ۲- ناحیه دو اصفهان، ۳- ناحیه سه اصفهان، ۴- ناحیه چهار اصفهان، ۵- ناحیه پنج اصفهان، ۶- اراک و بندگی، ۷- اردستان

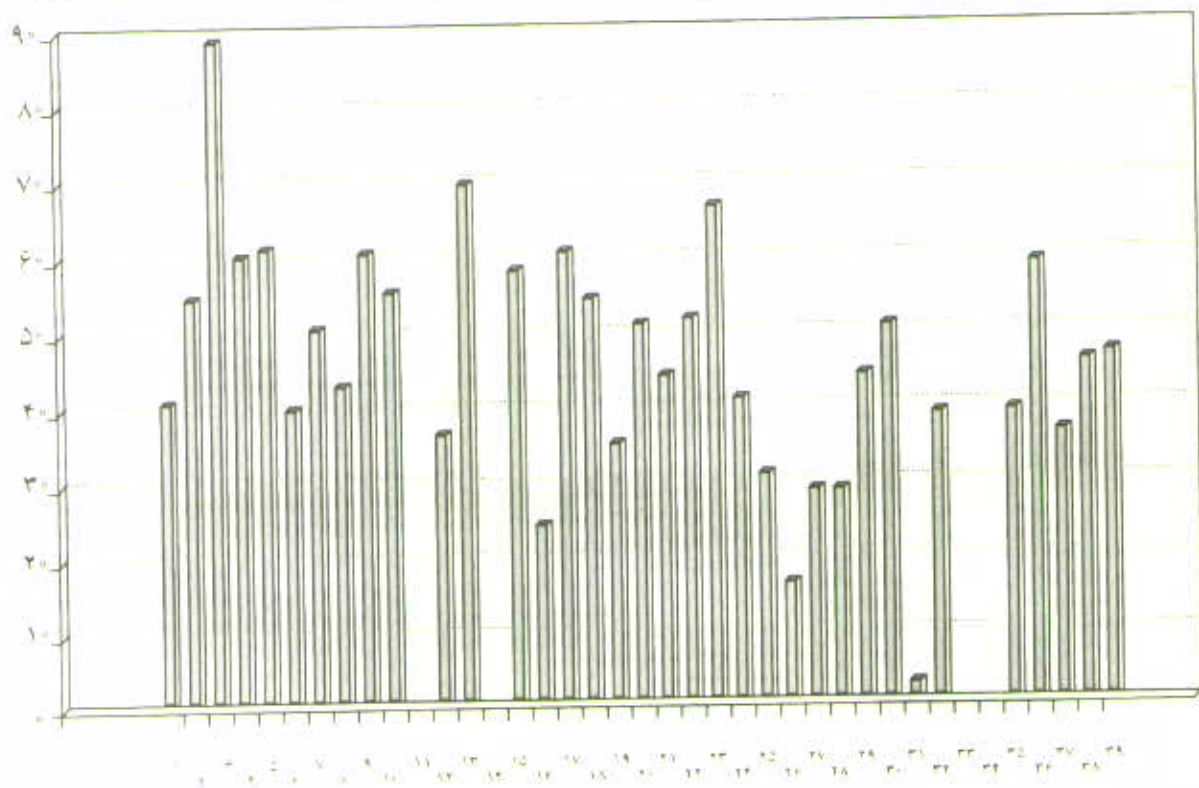
- ۸- برخوار، ۹- بوئین و میاندشت، ۱۰- ناعنادران
- ۱۱- ابن رود، ۱۲- تیران و کرون، ۱۳- جلی، ۱۴- جرقویه غربی، ۱۵- جرقویه سفلی، ۱۶- جنگه
- ۱۷- جاذگان، ۱۸- حور و بیاناتک، ۱۹- حواتسار
- ۲۰- خمی شهر، ۲۱- فریدون، ۲۲- بهاباد، ۲۳- وزین شهر، ۲۴- سمیرم، ۲۵- شاهین شهر، ۲۶- شهرضا، ۲۷- فلاورجان، ۲۸- فریدون شهر
- ۲۹- کاشان، ۳۰- کوهرپایه، ۳۱- گرجان شمالی، ۳۲- گلپایگان، ۳۳- میمه، ۳۴- مبارکه
- ۳۵- مهربادشت، ۳۶- نظرب، ۳۷- لالیان، ۳۸- نجف آباد، ۳۹- استان

ویژه نامه ی گروه های آموزشی

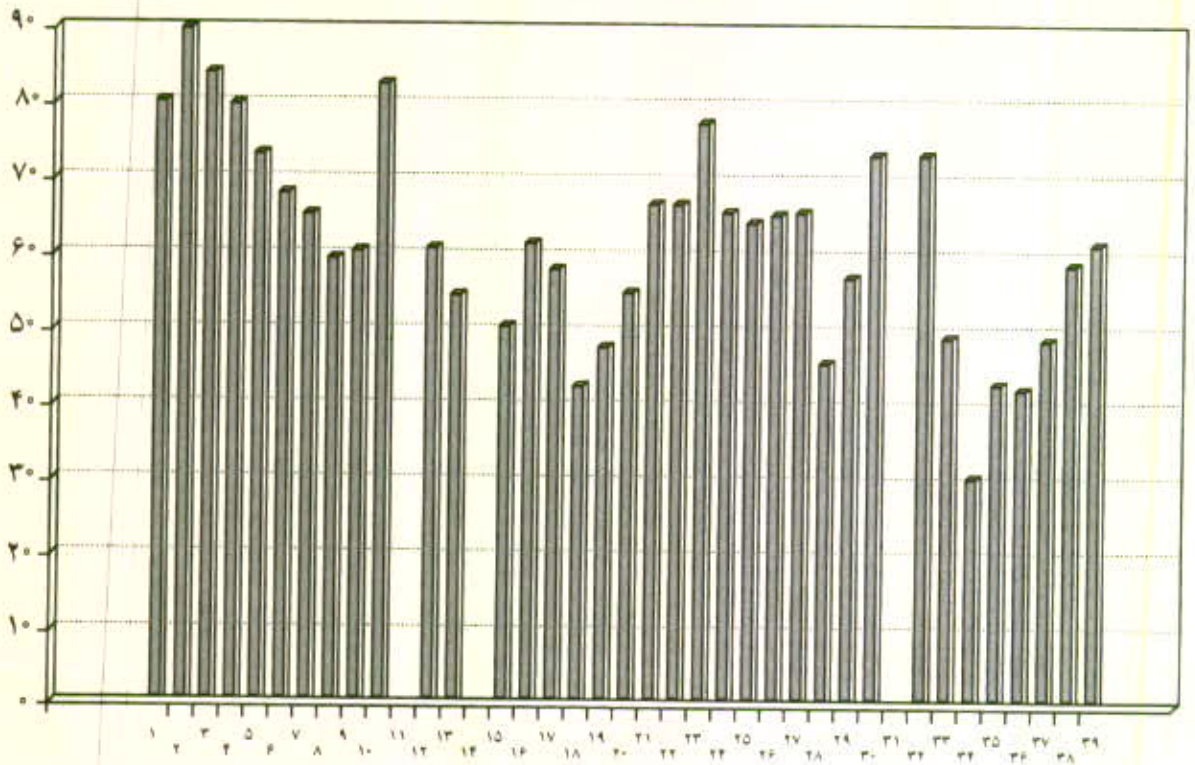
نمودارها

عملکرد گروه آموزشی علوم تجربی دوره راهنمایی تحصیلی

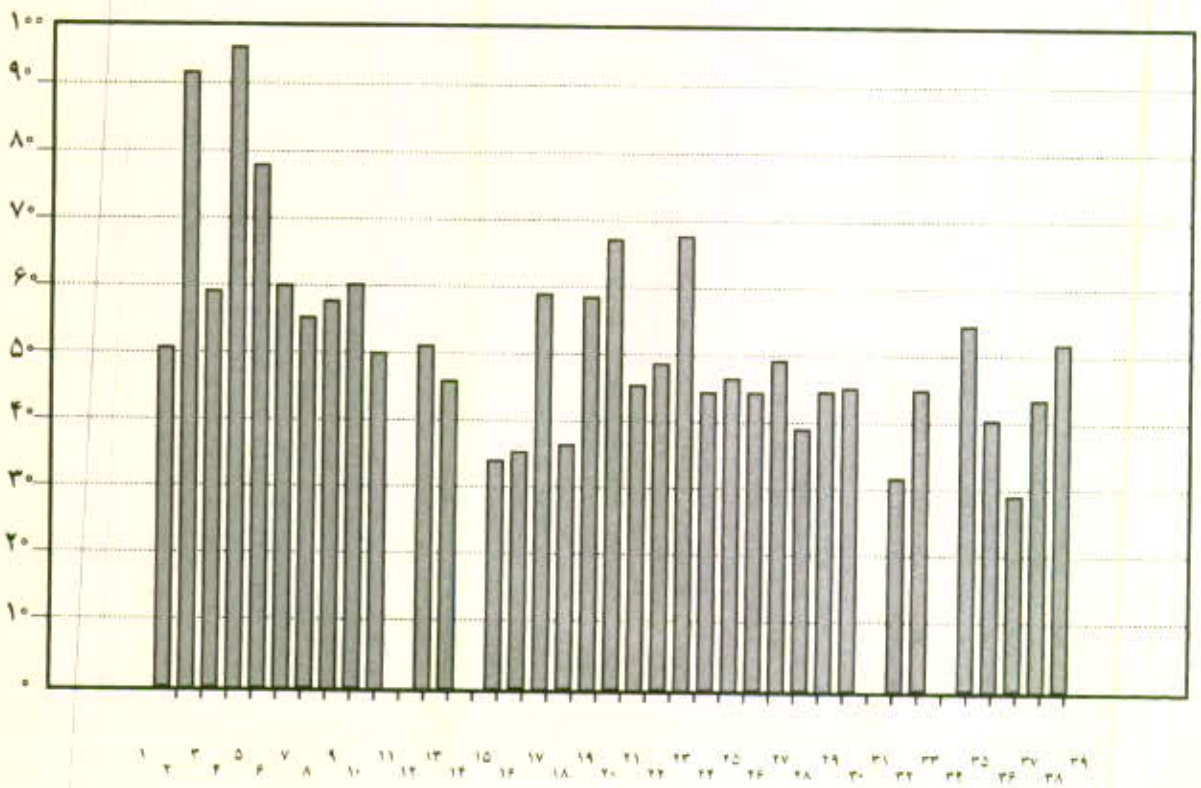
استان اصفهان سال تحصیلی ۷۶-۷۷



عملکرد گروه آموزشی ریاضی دوره راهنمایی تحصیلی
استان اصفهان سال تحصیلی ۷۶-۷۷



عملکرد گروه آموزشی مدیران دوره راهنمایی تحصیلی
استان اصفهان سال تحصیلی ۷۶-۷۷



مرکز تحقیقات معلمان اصفهان

واحد پاسخ به سؤالات تلفنی، تأسیس و راه‌اندازی شد که متشکل از فراوان گردید. با گذشت زمان بعضی از فعالیت‌های مذکور از مرکز تفکیک و به کارشناسی‌های دیگر محو گردید. لذا در حال حاضر مرکز تحقیقات معلمان با امکاناتی که در اختیار دارد به انجام وظایف زیر مشغول است:

۱- برابری همایش‌های علمی

مرکز تحقیقات معلمان با در اختیار داشتن دو سالن، یکی به گنجایش ۷۰ نفر و دیگری به گنجایش ۲۰۰ نفر، با همکاری انجمن‌های علمی معلمان و کارشناسی‌های اداره کل استان برای سحراسی‌ها و گردهمایی‌های علمی برنامه‌ریزی و طبق جدول زمان‌بندی آنها راه‌اندازی می‌آورد.

۲- عرضه خدمات آموزشی و کمک آموزشی

بحث امور کمک‌آموزشی و آزمایشگاه‌های مرکز تحقیقات معلمان با زیرمجموعه‌های زیر صبح و عصر آماده‌ی عرضه خدمات آموزشی می‌باشد.

الف- آزمایشگاه فیزیک، شیمی، ریست‌شناسی و زمین‌شناسی: در این راستا بر اساس محتوای کتاب‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی، برنامه‌ای تنظیم می‌شود که به صورت ادواری به واحدهای آموزشی ارسال می‌گردد تا همکاران بتوانند قبل از تدریس دروس عملی برای دانش‌آموزان، با استفاده از امکانات مرکز، آمادگی و تجربه‌ی لازم برای تدریس را به دست آورند.

ب- آزمایشگاه زبان، کارگاه کامپیوتر و اتاق جغرافیا که با یاری گروه‌های آموزشی ذیربط مورد استفاده‌ی همکاران می‌باشد. در جهت ارتقاء علمی و ایجاد مهارت برای تدریس، خدمات آموزشی ارائه می‌کند.

ج- ضمن به کارگیری و استفاده از امکانات سمعی و بصری مرکز در همایش‌های علمی و جلسات گروه‌های آموزشی، سعی می‌شود معلمان به استفاده

مرکز تحقیقات معلمان وابسته به اداره کل آموزش و پرورش استان، مؤسسه‌ای فرهنگی آموزشی است که خارج از چارچوب سازمانی، از سال ۱۳۶۰ تأسیس شده و با مدیریت مستدام و موفق که داشته تاکنون خدمات زیادی به جامعه فرهنگی استان، از نظر آموزش و پژوهش و خدمات کتابداری انجام داده است و لذا از اعتبار کافی در نزد فرهنگیان اصفهان برخوردار است. محله رشد راهنمایی ضمن تقدیر از مسئولان امر در آموزش و پرورش اصفهان که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در تأسیس و حفظ این مرکز کوشیده‌اند، خوانندگان خود را به طور اختصار، با فعالیت‌های آن آشنایی سازد. از آقای سید مهدی آل صاحب فصول، مسئول محترم مرکز، که این اطلاعات را در اختیار ما گذاشتند سپاسگزاریم.

رشد

در سال ۱۳۶۰ به همت جمعی از همکاران علاقه‌مند و سخت‌کوش آموزش و پرورش استان اصفهان در خشی که سالیان متمادی در باروری آن کوشش فراوان شده بود به تدریج نشست و مرکز تحقیقات معلمان با اهداف و فعالیت‌های زیر افتتاح گردید:

اهداف:

- ۱- ایجاد و تقویت روحیه‌ی تحقیق و پژوهش در بین همکاران فرهنگی.
- ۲- تقویت بنیه‌ی علمی معلمان و تعمیق امرحته‌های آنان و ایجاد زمینه‌ای برای ژرف‌نگری در امر تعلیم و تربیت.
- ۳- تقویت روحیه‌ی همکاری در کارهای پژوهشی بین فرهنگیان.
- ۴- ارج‌گزاری به آموزش همراه با پژوهش و بهره‌گیری از یافته‌های جدید و آشنا کردن معلمان با روش‌های نوین آموزش.

فعالیت‌ها:

- ۱- فراهم نمودن امکانات لازم برای تحقیق (کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه و...)
- ۲- نشر کتب و جزوات علمی.

آموزشی.

۳- رفع مشکلات درسی و آزمایشگاهی از طریق ارتباط مستمر معلمان با محققان و صاحب‌نظران و مؤلفان کتاب‌های درسی.

۴- جلب همکاری مراکز آموزشی استان (دبستان‌ها، مدارس راهنمایی، دبیرستان‌ها، مراکز تربیت معلم...) برای بهبود روند فعالیت‌های آزمایشگاهی.

۵- برگزاری همایش‌های علمی.

۶- تشکیل جلسات بحث و بررسی، در زمینه‌ی کتاب‌های درسی و بالآخره نحوه‌ی تدریس رشته‌های گوناگون درسی.

۷- بازدید از واحدهای آموزشی به منظور استفاده‌ی بهینه از تجهیزات آموزشی آنها و بررسی نیازهای آنان در این زمینه.

۸- تعمیر و رفع نقص وسایل و تجهیزات آزمایشگاهی مدارس و آشنا نمودن همکاران با کاربرد این وسایل.

در تلاش برای انجام این فعالیت‌ها،

آزمایشگاه‌های فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی، و نیز واحدهایی چون واحد جغرافیا، نشریات، کتابخانه، تعمیرگاه وسایل کمک آموزشی و

از این نوع امکانات و تجهیزات از جمله فیلم های آموزشی، در کلاس های خود ترغیب شوند.

۳- برنامه ریزی و برگزاری دوره های ضمن خدمت

با یاری انجمن های علمی معلمان و کارشناسی های گروه های آموزشی و با هماهنگی کارشناسی آموزش ضمن خدمت، به طور مرتب در دروس و پایه های مختلف

تحصیلی دوره های کوتاه مدت ضمن خدمت برگزار می شود.

۴- حمایت از انجمن های علمی معلمان

هم اکنون انجمن های علمی معلمان در رشته های ریاضی، فیزیک، شیمی و زیست شناسی طبق برنامه ی تنظیمی و در راستای اهداف خود جلسات خود را در این مرکز برگزار می کنند.

۵- عرضه خدمات کتابخانه ای و آرشیوی

الف- کتابخانه ی مرکز تحقیقات معلمان با حدود ۷۰۰۰۰ نسخه کتاب و اشتراک بیش از دوست و هشتاد نشریه و مجله ی غالباً تخصصی؛ از غنی ترین کتابخانه های آموزش و پرورش کشور می باشد.

این کتابخانه با روزانه ۱۲ ساعت کار، نقش قابل توجهی در رفع نیاز معلمان و دانش آموزان به کتاب ها و نشریات دارد.

ب- ارائه ی بانک اطلاعات کتابخانه ی ملی جمهوری اسلامی ایران.

با خرید اطلاعات کتابخانه ی ملی و قرار دادن آن در دسترس همکاران گام بلند دیگری در راستای اطلاع رسانی برداشته شده است.

ج- اطلاع رسانی.

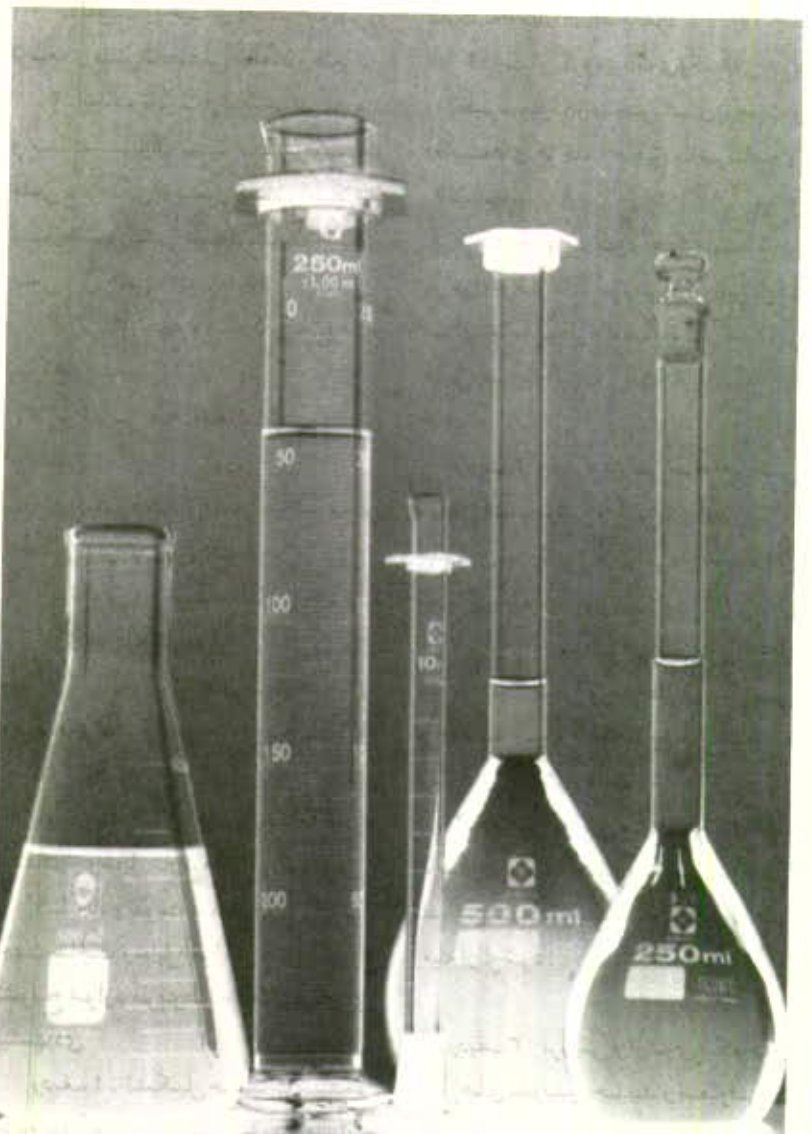
کتابخانه ی مرکز تحقیقات با نصب دستگاه های لازم، امکان عضویت در شبکه ی بانک های اطلاعاتی کشور را، از طریق تلفن، یافته و مقدمات پذیرش عضو برای استفاده از این شبکه فراهم شده است.

۶- گروه های آموزشی

با جدا شدن بعضی از فعالیت های مرکز و سپرده شدن آن به گروه های آموزشی، هم اکنون گروه های آموزشی دوره های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه به عنوان عضو مستقل خانوادگی مرکز تحقیقات معلمان فعالیت می کنند و سرگروه ها و اعضای گروه های آموزشی با برنامه ی روزانه ای که اول سال تحصیلی هر سال به واحدهای آموزشی استان ابلاغ می گردد، تلاش وسیعی را در جهت بهبود کیفیت آموزشی به کار می گیرند.

۷- انتشارات

مرکز تحقیقات معلمان مطالب مطروحه در همایش های علمی برگزار شده و نتایج به دست آمده از نشست های گروه های آموزشی را در قالب گزارش، نشریه و کتاب در اختیار همکاران قرار می دهد.



فعالیت‌ها و برنامه‌کارپیشنهادی گروه‌های آموزشی

مقدمه و ضرورت

گروه‌های آموزشی به‌عنوان یک نهاد علمی - آموزشی و پژوهشی برای فراهم آوردن زمینه‌ی مشارکت معلمان در اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها و تحقق اهداف غایی تعلیم و تربیت به وجود آمد. تا از یک سو برقراری رابطه‌ی ارتباط سازنده بین معلمان و مدیران باشد و زمینه‌ی استفاده از تجارب و اطلاعات علمی و آموزشی، الگوها و روش‌های تدریس و کاربرد مواد و وسایل آموزشی را فراهم کنند و از سوی دیگر به‌عنوان حلقه‌ی اتصال بین برنامه‌ریزان، معلمان و مدیران پیشنهادها و دیدگاه‌های اصلاحی آنان را در بهبود کیفیت آموزشی اعمال نماید.

اهداف

- هدف کلی: ارتقاء سطح کیفی آموزش
- اهداف جزئی:

- ۱- ارتقاء سطح علمی - عملی معلمان و مدیران در زمینه‌ی کاربرد تکنولوژی آموزشی و موضوعات تخصصی.
- ۲- ارزشیابی مستمر از طرح‌ها، برنامه‌ها، محتوای کتب درسی، دستورالعمل‌ها و نشریه‌های آموزشی.
- ۳- بررسی روش‌های مناسب ارزشیابی از فرآیند یاددهی - یادگیری.
- ۴- ارائه روش‌های مناسب جهت تبادل افکار، تجارب، ابتکارات و نوآوری‌های معلمان و مدیران.
- ۵- ارتقاء شأن، مقام و منزلت اجتماعی معلمان و مدیران.
- ۶- تقویت ارتباط مستمر و سازنده بین معلمان، مدیران و ادارات آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان درسی و آموزشی.

۷- تقویت روحیه‌ی مطالعه و تحقیق و پژوهش در معلمان و مدیران.

خط‌مشی‌ها

- ۱- تقویت روحیه‌ی دانش‌افزایی و توسعه‌ی دانش تخصصی معلمان و مدیران.
- ۲- ایجاد و تقویت ارتباط مستمر معلمان و مدیران با همسراکزان علمی - فرهنگی به منظور کسب اطلاع از تازه‌ترین یافته‌های علمی - پژوهشی.
- ۳- افزایش تسلط معلمان بر الگوها و شیوه‌های تدریس.
- ۴- آشنایی معلمان با شیوه‌های ارزشیابی.

۵- آشنایی معلمان با اصول تحلیل محتوا به منظور نقد و بررسی کتب درسی.

۶- تشویق و ترغیب معلمان به خلاقیت و نوآوری در فرآیند یاددهی - یادگیری.

۷- تقویت تشکلی علمی - تخصصی معلمان و مدیران در چارچوب نظام تعلیم و تربیت.

۸- تقویت توانایی‌های لازم به منظور استفاده از وسایل کارگاهی و آزمایشگاهی.

۹- ایجاد و تقویت مهارت‌های مورد نیاز جهت ساحت و مابیل آموزشی.

تشریح موارد مربوط به فعالیت‌های پیشنهادی

ردیف ۱: تشکیل جلسات مستمر گروه‌های آموزشی و ارسال صورت جلسات

۱- هر ماه یک صورت جلسه که حاوی فعالیت‌های انجام شده در طول جلسه می‌باشد جهت بررسی به گروه‌های آموزشی استان ارسال گردد.

۲- بهر است اگر سؤال یا پیشنهاد

خاصی وجود دارد در قسمتی محترم اذکار شود.

۳- اگر سؤال خاصی مطرح است و پاسخ به آن ضروری باشد می‌توان حداکثر نسبت به ارسال آن اقدام نمود.

۴- اعضای گروه برنامه‌ی یکسانه‌ی خود را تنظیم نموده و محورهای بحث و فعالیت‌های هر جلسه منطبق با برنامه‌ی سالانه باشد.

۵- در جلسات گروه‌های آموزشی پیرامون موضوعات آموزشی که به‌عنوان یک مسأله یا مشکل مطرح است بحث و تبادل نظر علمی صورت گیرد و راهکار ارائه شود.

ردیف ۲: نقد و بررسی مواد آموزشی شامل کتب درسی، نشریات آموزشی، فیلم‌های آموزشی و پرورشی، جشنواره‌ی تدریس برتر و...

۱- در نقد و بررسی هر یک از موارد ذیل باید به اصول علمی و ضوابط نقد و بررسی توجه شده باشد و انتخاب این مواد مناسب با نیازهای آموزشی باشد.

۲- در نقد و بررسی‌های انجام شده باید نقاط قوت و ضعف مواد آموزشی مشخص شده و پیشنهادهای مستدل و معقول در هر زمینه ارائه شود.

ردیف ۳: بررسی و ارائه‌ی الگوها و روش‌های تدریس جدید و معرفی آن به معلمان

گروه آموزشی می‌تواند نقش ارزنده‌ای در آشنا نمودن همکاران با الگوها و روش‌های جدید تدریس داشته باشد و در این زمینه ۲ نوع فعالیت پیشنهاد می‌شود:

۱- از کتبه‌ی مدیران درخواست شود که

اهنمایی تحصیلی سال ۷۸-۷۷ اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان

طرح درس های ابتکاری خود را برای گروه ارسال نمایند و سپس نسبت به بررسی آن ها اقدام گردد و بازخوردهای لازم به طراحان داده شود و نمونه ای از بهترین طرح های انجام شده در اختیار کتبی دبیران قرار گیرد و در مجمع عمومی طرح شود. (بسیار مناسب است که نمونه ای آن ها در محامع عمومی اجرا گردد.)

۲- گروه آموزشی اقدام به معرفی و ارائه ی یک الگوی جدید تدریس بنماید و در محامع عمومی به بحث و تبادل نظر گذاشته شود.

در هر دو مورد فوق لازم است که نمونه ای از فعالیت های انجام شده به گروه های آموزشی استان ارسال گردد.

ردیف ۴: بررسی و تجزیه و تحلیل روش های موجود ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان و ارائه ی روش های نوین
با توجه به نقش ارزشمند ارزشیابی در فرآیند آموزش و به منظور توجه به آن به عنوان یک مسأله ی آموزشی، گروه می تواند اقدامات زیر را انجام دهد:

۱- اختصاص دادن یک یا چند جلسه از کل جلسات گروه به مسأله ی ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان و بحث و تبادل نظر پیرامون اصول صحیح ارزشیابی.

۲- چنانچه احساس نیاز شود، می توان با هماهنگی اداره ی آموزش و پرورش ناحیه / منطقه نسبت به تشکیل جلسات دانش افزایی اعضای گروه های آموزشی و معلمان (به صورت کلاس های ضمن خدمت یا کارگاه های آموزشی) اقدام نمود.

۳- بررسی نمونه سؤال دبیران و انتخاب مناسب ترین نمونه سؤال براساس ملاک ها

و ضوابط طراحی سؤالات امتحانی.

۴- هر گروه آموزشی می تواند محتوای ارزشیابی های ثلث اول و دوم تعدادی از مدارس (بنابه تشخیص اعضاء گروه) را براساس کتبی اصول طراحی سؤالات امتحانی مورد بررسی قرار داده، نقاط قوت و ضعف آن را به صورت محرمانه به طرح مربوط ارائه نماید.

(یک نمونه از بررسی های انجام شده در هر ثلث (با حذف نام طراح سؤال) در دی ماه و فروردین ماه به گروه های آموزشی استان ارسال گردد.)

۵- پیشنهاد می شود چنانچه گروه لازم می داند که در مواردی برای آشنایی دبیران، نمونه سؤالاتی به مدارس ارسال گردد به این نکات توجه شود:

الف- به اصول و ضوابط طراحی سؤالات امتحانی (تهیه ی جدول دو بعدی، سطوح مختلف حیطه ی شناختی و ...) توجه کافی مبذول گردد.

ب- حتی الامکان سعی شود ارسال سؤالات از طرف گروه آموزشی، مانع رشد خلاقیت و فعالیت دبیران نشود.

ج- حتی الامکان از این سؤالات برای اجرای امتحانات هماهنگ در سطح ناحیه / منطقه استفاده نشود و تنها جنبه ی آموزشی و اطلاع رسانی داشته باشد.

د- هدف از ارزشیابی ها باید شناخت نقاط ضعف و قوت و اصلاح نقایص و نهایتاً هدایت یادگیری فراگیران باشد.

ردیف ۵: تشکیل مجامع عمومی و گردهمایی های علمی و بررسی نتایج این گردهمایی ها
یکی از اهداف گروه باید ایجاد ارتباط

بیشتر با کتبی دبیران باشد و در این راستا تشکیل مجامع عمومی بسیار مفید است. در زمینه ی تشکیل مجامع به نکات زیر توجه شود:

۱- حداقل هر سه ماه یک بار جلسه ی مجمع عمومی برگزار شود.

۲- محورهای بحث در مجامع عمومی براساس نیازهای آموزشی هر رشته تعیین شود.

۳- محتوای مجامع با دعوت از اساتید، ارائه ی الگوهای جدید تدریس، نقد و بررسی تدریس های انجام شده در جشنواره، استفاده از تکنولوژی آموزشی و ... غنی گردد.

۴- سعی شود که در مجامع عمومی کتبی دبیران شرکت نمایند.

کارایی یک مجمع عمومی هنگامی بیشتر خواهد شد که بتواند کتبی دبیران را پوشش دهد و ارتباط نزدیکی با آن ها برقرار نموده و در جهت رفع مشکلات آموزشی آن مؤثر واقع شود.

(لازم است گزارشی از نحوه ی تشکیل مجامع و برنامه های انجام شده و ... به گروه استان ارسال گردد)

ردیف ۶: همکاری مؤثر با گروه های آموزشی استان
شامل:

۱- پاسخ به موقع به نامه های ارسالی.
۲- بررسی جزوات و مواد آموزشی رسیده از استان و ارسال نظرات.

۳- ارائه عمل کرد سه ماهه و سالانه به گروه استان.

۴- شرکت فعال در مجمع عمومی استان.

ردیف ۷. بازدهی‌های آموزشی

۱- بازدید گروه آموزشی منطقه از

مدارس

۲- برنامه ریزی جهت بازدید دبیران هم رشته از کلاس های یکدیگر.

در موارد فوق، هدف از بازدید باید شناخت مشکلات آموزشی (بدون توجه به فرد) به صورت عام باشد و ارائه راه کارهایی در سطح منطقه یا ناحیه در جهت حل مشکلات صورت گیرد.

۳- بازدید از مراکز علمی، صنعتی، هنری و ... با توجه به شرایط محیطی و جغرافیایی منطقه مرتبط با رشته ی مربوطه.

(این بازدیدها بهتر است فقط به اعضای گروه آموزشی منطقه/ناحیه منحصر نگردد و سعی شود کلیه ی دبیران را در برگیرد.)

ردیف ۸- مشارکت و پی گیری

در برگزاری کلاس های آموزش ضمن خدمت و بازآموزی

گروه آموزشی بر مبنای نیازهای آموزشی، تغییر کت، تحول در روش های تدریس و ... باید پیشنهادهایی برای برگزاری کلاس های آموزش ضمن خدمت به مسئول آموزش ضمن خدمت ارائه نموده و پی گیری های لازم را جهت تشکیل این دوره ها انجام دهد (اهمیت این بند در ارتباط با کنسی که تغییر محتوا و روش داشته است دو چندان خواهد بود)

ردیف ۹: تهیه ی جزوه، مقاله،

تشریح های علمی، کاربردی در ارتباط با مسایل آموزشی و پرورشی

۱- در تهیه ی این جزوات سعی شود مطالب جدید و نو مطرح شود.

۲- مطالب بر اساسی نیازهای آموزشی و مسایل هر رشته باشد.

۳- هدف از تهیه ی این گونه مواد اطلاع رسانی به کلیه ی دبیران و افزایش سطح

دانش آنان باشد و زمینه های رسیدن به این اهداف فراهم شود.

۴- در تهیه ی مواد آموزشی اصول علمی نگارش، نحوه ی صحیح پوشش منابع و پانویس ها، نظم منطقی و ... مد نظر قرار گیرد.

ردیف ۱۰: تشکیل نمایشگاه:

در زمینه های زیر

۱- مسایل آموزشی دست ساز دبیران و دانش آموزان.

۲- دستاورد های پژوهشی دبیران و دانش آموزان.

۳- ارائه ی آثار هنری دبیران و دانش آموزان.

۱- قبل از تشکیل نمایشگاه، زمان و مکان آن به اطلاع گروه های آموزشی استان برسد.

۲- گزارش مکتوب و در صورت امکان مصور بر پایه ی نمایشگاه به گروه استان ارسال گردد.

ردیف ۱۱- نقد و بررسی بیک های

نوروزی. (با ارائه ی دلایل مستند و معتبر)

ردیف ۱۲- انجام تحقیق علمی (بر اساس

اصول و روش های صحیح پژوهش) در زمینه ی مسایل آموزشی و پرورشی و ارائه ی راه کارهای مناسب.

۱- اصول و معیارهای پژوهش مطرح و پیرامون آن بحث و تبادل نظر صورت گیرد.

۲- مسایل هر رشته، ناحیه و منطقه شناسایی و به عنوان موضوع تحقیق انتخاب شود.

۳- طرح تحقیق با نظرات یکی از افراد متخصص و آشنا به اصول علمی پژوهش نوشته شود.

۴- پس از انجام پژوهش، نتایج در قالب بیک مقاله ای علمی به اطلاع کلیه ی دست اندرکاران و افراد مرتبط رسانده شود و نسخه ای نیز به گروه استان ارسال گردد.

ردیف ۱۳: برنامه ریزی جهت اشاعه ی

استفاده از مجلات رشد در سطح مدارس

نظر به اهمیت نقش مجلات رشد (معلم، تکنولوژی آموزشی و آموزش راهنمایی تحصیلی) در بالا بردن سطح دانش دبیران و آشنا ساختن آنان به دست آوردهای جدید علمی، لازم است یکی از محورهای کار گروه های آموزشی، برنامه ریزی در جهت استفاده ی بهتر از این مجلات باشد.

۱- ابتدا این مجلات توسط اعضای گروه های آموزشی مورد مطالعه، بحث و بررسی قرار گیرد.

۲- زمینه ی استفاده ی دبیر همکاران از این مجلات با هماهنگی مسوولین مربوطه فراهم شود.

ردیف ۱۴: نوآوری ها، خلاقیت ها و

فعالیت های فوق العاده

هر گونه طرح و برنامه ی جدید در نظر گرفتن شرایط و امکانات محیطی و در جهت تیل به اهداف آموزشی، نظری و عملی، دست اعضای گروه های آموزشی ضراحتی و اجتناباً گردد.

۱- به طرز مثال ارائه ی طرح هایی ابتکاری جهت ایجاد همگامی موثر و نزدیک بین گروه آموزشی ناحیه/منطقه با کلیه ی دبیران.

۲- ارائه ی طرح های ابتکاری جهت استفاده ی مطلوب تر از بیک های نوروزی در سطح مدارس.

ردیف ۱۵- ارتباط با مراکز علمی-

پژوهشی

۱- استفاده از تازه ترین یافته های علمی پژوهشی از طریق ارتباط با مراکز علمی.

۲- استفاده از مراکز یادگیری مناسب کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه،

ردیف	شرح فعالیت‌ها
۱	تشکیل جلسات مستمر گروه‌های آموزشی و ارسال صورت جلسات. ۱-۱- تناسب صورت جلسات با برنامه‌ی سالانه. ۱-۲- ارتباط محتوای صورت جلسات با نیازهای آموزشی.
۲	نقد و بررسی مواد آموزشی (کتاب درسی، نشریات آموزشی، فیلم‌های آموزشی و پرورشی، جشنواره‌ی تدریس برتر، ...) ۲-۱- رعایت اصول علمی نقد و بررسی. ۲-۲- مشخص نمودن نقاط قوت و ضعف و ارائه راه حل و پیشنهاد.
۳	بررسی و ارائه‌ی الگوها و روش‌های تدریس جدید و معرفی آن به معلمان. ۳-۱- درخواست ارائه‌ی طرح درس از کلیه‌ی معلمان، بررسی طرح درس‌ها و ارائه‌ی بازخوردهای لازم. ۳-۲- معرفی و اجرای طرح درس‌های نمونه در مجمع عمومی. ۳-۳- معرفی الگوهای جدید تدریس به معلمان (توسط اعضای گروه‌های آموزشی).
۴	بررسی و تجزیه و تحلیل روش‌های ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان و ارائه‌ی روش‌های نوین. ۴-۱- افزایش دانش تخصصی اعضای گروه آموزشی و معلمان در زمینه‌ی اصول صحیح ارزشیابی. ۴-۲- بررسی نمونه‌ی سؤالات معلمان و ارائه‌ی بازخوردهای لازم.
۵	تشکیل مجمع عمومی و گردهمایی‌های علمی و بررسی نتایج آن‌ها. ۵-۱- تشکیل حداقل ۳ مجمع عمومی در سال. ۵-۲- غنی نمودن جلسات مجمع عمومی با دعوت از متخصصین تکنولوژی آموزشی و ارائه‌ی الگوهای جدید تدریس و ... ۵-۳- دعوت از کلیه‌ی دبیران جهت شرکت در مجمع عمومی.
۶	همکاری مؤثر با گروه‌های آموزشی استان. ۶-۱- پاسخ به موقع به نامه‌های ارسالی. ۶-۲- بررسی جزوات و مواد آموزشی رسیده از استان و ارسال نظرات. ۶-۳- ارائه‌ی عملکرد سه ماهه و سالانه به گروه استان. ۶-۴- شرکت فعال در مجمع عمومی استان.
۷	بازدیدهای آموزشی ۷-۱- بازدید گروه آموزشی از مدارس. ۷-۲- برنامه‌ریزی جهت بازدید دبیران هم‌رشته از کلاس‌های یکدیگر. ۷-۳- بازدید از مراکز علمی، صنعتی، هنری و ...
۸	مشارکت و پی‌گیری در برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت و بازآموزی ۸-۱- پیشنهاد برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت بر مبنای نیازهای آموزشی.
۹	تهیه‌ی جزوه، مقاله، نشریه‌های علمی، کاربردی در ارتباط با مسایل آموزشی و پرورشی. ۹-۱- طرح مطالب نو و بدیع. ۹-۲- تناسب مطالب با نیازهای آموزشی. ۹-۳- رعایت نکات و ضوابط فنی، نظم منطقی، رعایت اصول نوشتن منابع و بانویس‌ها.
۱۰	تشکیل نمایشگاه ۱۰-۱- نمایشگاه مسایل آموزشی دست‌ساز معلمان و دانش‌آموزان. ۱۰-۲- نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی معلمان و دانش‌آموزان. ۱۰-۳- نمایشگاه آثار هنری معلمان و دانش‌آموزان. نقد و بررسی یک‌های تئورزی - (با ارائه‌ی دلایل مستند و معتبر)
۱۱	انجام تحقیق علمی (بر اساس اصول و روش‌های صحیح پژوهش) در زمینه‌ی مسایل مبتلا به آموزشی و پرورشی. ۱۱-۱- افزایش دانش تخصصی اعضای گروه آموزشی در زمینه‌ی روش تحقیق. ۱۱-۲- انتخاب موضوع و انجام پژوهش علمی. ۱۱-۳- ارسال گزارش تحقیق به استان.
۱۳	برنامه‌ریزی جهت اشاعه‌ی استفاده از مجلات رشد (جهت معلمان و دانش‌آموزان)
۱۴	نوآوری‌ها، خلاقیت‌ها و فعالیت‌های فوق‌العاده به صلاح‌دید اعضای گروه.
۱۵	ارتباط با مراکز علمی - پژوهشی ۱۵-۱- استفاده از تازه‌ترین یافته‌های علمی - پژوهشی از طریق ارتباط با مراکز علمی. ۱۵-۲- استفاده از مراکز یادگیری (کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه و ...)

از شعرم خلقتی به هم انگيخته ام
خوب و بدشان به هم در آميخته ام
خود گوشه گرفته‌ام تماشا را کاب
در خوابگه مورچگان ريخته ام

در باره‌ی نیما یوشیج (علی اسفندیاری) شاعر نام‌بردار معاصر تاکنون بسیار سخن گفته‌اند. تحولی که او در شعر ایجاد کرده، تحولی بنیادین بود؛ و روایت که نقدان کاز او را تحقیر و برزی نمایند و مضمون شعر او را به سلی که وی برایشان شعر گفته بود، بشناسانند، اما شعر نیما که بنیان‌گذار آن بود، همانند هر بدعت دیگر یا مخالفت‌های فراوانی روبرو شد. این مخالفت‌ها تنها از جانب نویسندگان معاصر نبودند بلکه شعرائی مشهوری هم که در آن زمان شهرتی به هم رسیده بودند، چون به عمق شعر نیما پی نبردند، از در مخالفت درآمده و شعر او را محروم شعری خوانده و خود را پاسدار و محافظ آن قلمداد می‌کردند. یکی از مشهورترین این مخالفان، دکتر حمیدی حمیدی شریزی بود که شعر بلندی در مورد نیما سرود و فرار بود آنرا در نخستین شماره‌ی نویسندگان ایران که در سال ۱۳۲۵ تشکیل گردید، خواند. پس از فراتر آید از آن مرز حومه‌مسک الشعرائی نیما از ادامه‌ی فراتر آن جلوگیری کرد. دکتر حمیدی در قسمتی از این شعر در مورد نیما چنین می‌گوید:

سه چیز هست در او: وحشت و عجاب و حقیق
سه چیز نیست در او: وزن و لفظ و معنا نیست
اگر زمانی خود این سه بود و آن سه نبود
بعید نیست که شعری شود که شیوا نیست
بدیهی است که اینگونه قصاوت نمودن
اگر از کینه و عداوت شخصی سرچشمه
نگرفته بوده باشد، ناشی از کج فهمی وی از
شعر نیما است. این کج فهمی در افراد
دیگری نظیر «رعیندی آذر حشی» - «علی

نیمای افسانه؛

افسانه‌ی نیما

صفرعلی کرمی*

دشتی^۱ - عبدالرحمن فرامرزی^۲ و «دکستر خانلری» نیز وجود داشت. بعدها که شعر نیما بیشتر خوانده شد و طرفدارانی پیدا کرد و نام «نیما» به عنوان بیانگذار شعر نو مسجّل شد، دکتر حمیدی شیرازی نیز در عقیده‌ی خود پیرامون نیما تجدیدنظر نمود و در برگزیده‌ای از شعر، ترجمه و قصه، که از شعرا، مترجمان و نویسندگان معاصر گردآوری کرده و تحت عنوان «دریای گوهر» در سه جلد منتشر نمود، نمونه‌هایی از شعر نیما را نیز آورد. بعضی از این مخالفان تصور می‌کردند که سنت شکنی نیما فقط در این است که او با کوتاه و بلند کردن ابیات، افاعیل عروضی را در هم ریخته و بنیادهای شعر سنتی را خراب کرده است! در صورتی که کار اصلی او، در عین کوتاه و بلند کردن ابیات نه تنها در هم ریختن وزن نبود و شعر وی دارای وزنی خاص می‌باشد، بلکه وی قافیه‌اندیشی و منظوم‌سازی صرف را مردود و بی‌ارزش می‌دانست و معتقد بود که: «قافیه غلام شاعر است، نه شاعر غلام قافیه و من قافیه را برده‌ی خویش ساخته‌ام و وزن‌هایی آفریده‌ام تا وزن‌ها مرا تلافی‌فرینند زیرا که من در تنگنای وزن‌های موجود نمی‌گنجیدم»^۳ نیما در سرودن شعر سنتی نیز استاد بوده و نمونه‌های فراوانی که در قالب‌های سنتی سروده گواهی بر این گفته است. او خود پس از سرودن «افسانه» در مثنوی بلندی که در جواب «ملک الشعرا ی‌بهار» سروده است به این نکته اشاره کرده و گفته است:

چو رنج کهن گفتم اندکی است

کهن گفتن و آب خوردن یکی است^۴

کار بزرگ نیما، در شناخت او از جهان و دیدگاه او از انسان خلاصه می‌شود. این شناخت و دیدگاه او از جهان و انسان، علاوه بر اشعار، در مقالات، نقدها و نامه‌های او نیز به چشم می‌خورد. در کتاب‌های «ارزش احساسات» «ستاره‌ای در زمین» و «حرف‌های همسایه» سخنانی در مورد نقد ادبی و معیارها و موازن نقد وجود دارد که با توجه به زمان نگارش و انتشار آنها (که هنوز

آثار چندان مفیدی در مورد نقد ادبی تألیف و ترجمه نشده بود) همچنان خواندنی و قابل توجه می‌باشند. این مقالات و نوشته‌های بیانگر وسعت دید نیما و نظرات او پیرامون شعر و اشعار شعری است که به اقتضای او به سرودن شعر اقدام نمودند؛ و با بیان چگونگی گذران زندگی او به قلم خودش. از مشهورترین دوستان ادیب و شعر دوست نیما که هر یک در معرفی او سهمی داشتند می‌توان: محمد حسین شهریار، میرزاده عشقی، شین پرتو و محمد ضیاء هشرودی را نام برد. محمد ضیاء هشرودی نخستین کسی بود که اشعار نیما را در «منتخبات آثار» که از شعرای معاصر گردآوری کرده بود چاپ نمود از آن پس دیگران نیز اشعار نیما را در جنگ‌های ادبی و گلچین‌هایی که ترتیب می‌دادند می‌آوردند. اما در بین دوستان او شاید مرحوم «حلال آل احمد» با نوشتن سه مقاله تحت عنوان: «مشکل نیما پوشیج»، «پیرمرد چشم ما بود» و «نیما دیگر شعر نخواهد گفت» بزرگ‌ترین جایگاه را در معرفی نیما و سبک شعری او دارد.

اوکین شعر جدی نیما به قول خودش منظومه‌ی «قصه‌ی رنگ پریده» است که گرچه افتخاری را برای شاعر به همراه نداشت اما زمینه‌ساز سرایش «افسانه» شد. قدرت ابتکار، خلاقیت و نوآوری نیما از همین منظومه «قصه رنگ پریده» که آن را در قالب مثنوی سروده است آشکار است. در این منظومه نیما موفق شده است بدون هیچ گونه تکلفی حالات درونی و دیدگاه خود را پیرامون طبیعت، با ترکیب جادویی از کلمات بیان کند. او در اینجا خود را از «دوران شهرستان» جدا میداند و خواستار بازگشت به طبیعت با صفای رومناست:

من از این دونان شهرستان نیم

خاطر پردرد کوهستانیم

کز بدی بخت در شهر شما

روزگاری رفت و هستم مبتلا!

هر سری یا عالم خاصی خوش است

هر که را یک چیز خوب و دلکش است

من خوشم با زندگی کوهیان
چونکه عادت دارم از خریدی بدان!
بعد از این شعر، نیما شعر «منت دونان» را در قالب کهن «قطعه» می‌سراید و سپس دست به آفرینش شعر «ای شب» می‌زند که بسیار مورد توجه واقع می‌شود و تحسین همگان را برمی‌انگیزد.

هان ای شب شوم وحشت انگیز

تا چند زنی به جانم آتش؟

یا چشم مرا ز جای برکن

یا پرده ز روی خود فروکش

یا باز گذار تا بمیرم

کز دیدن روزگار سیرم

نیما در این زمان با توجه به آگاه بودن از وجود مخالفان سرسخت زمیینه را برای سرودن «افسانه» مساعد می‌بیند پس اقدام به سرودن آن کرده و قسمت‌هایی از آن را برای اوکین بار در چند شماره‌ی نشریه‌ی «قرن بیستم» میرزاده عشقی به چاپ می‌رساند که گرچه مخالفت‌هایی را در پی دارد. اما: «همان قسمت از افسانه که منتشر شد با اقبال صاحبان قلب‌های گرم و جوان رویرو شده»^۵ «افسانه» محاوره و به عبارتی مجادله‌ای است بین خود شاعر - که در منظومه از او به عنوان «عاشق» نام برده شده است - و «افسانه» که معشوق خیالی شاعر است. در ابتدای منظومه شاعر، از خود که «دیوانه‌ای دل به رنگی گریزان سپرده» است سخن می‌گوید و دل خود را که عاشق افسانه شده است مورد سرزنش قرار می‌دهد.

سپس مکالمه‌ی «عاشق» با «افسانه» شروع شده و در واقع ادامه‌ی منظومه تا پایان ادامه‌ی این مکالمه است:

ای فسانه، فسانه، فسانه

ای خدنگ تو را من نشانه

ای علاج دل، ای داروی درد

همره گریه‌های شبانه

با من سوخته در چه کاری؟

چستی ای نهان از نظرها

ای نشسته سر رهگذرها

از پسرها همه ناله بر لب

ناله‌ی تو همه از پدرها
تو که ای؟ مادرت که؟ پدر که؟

بیما از این معشوق خیالی (افسانه) با
عناوین گوناگون یاد می‌کند «این ناشناس
سرگذشت شاعر، دل به تشویق بسته و
دیده‌ی اشکار او، شیطان‌رانده از هر جای،
قلب پرگیر و دار، سرشت و بخت، قصه‌ی
بی سروسن، زاده‌ی اضطراب، صورت
مردگان جهان، عشق فانی‌کننده، حاصل
زندگی، زاده‌ی اشک، دروغ دلاویز و غم
زیامت»^۱

نگاه بیما در «افسانه» نگاهی کاملاً تازه
است. او قبل از «میهری» به اندرز او عمل
کرده «چشم‌ها را شسته» و «جور دیگر»
می‌بیند، به همین خاطر است که نگاه او تا
عمق طبیعت اشیا جاری است. اما این «جور
دیگر دیدن» در واقع خوش‌بینی محض و فقط
زیبایی‌ها را دیدن، نیست. بدین خاطر است
که بیما حتی عشق را نیز نوعی سودجویی
دانسته و با مخاطب ساختن حافظ، عشق
عرفانی را نیز کیند و دروغ می‌خواند:
حافظا! این چه کید و دروغی ست
کز زبان می و جام و ساقی است
نالی از تا ابد، باورم نیست
که بر آن عشق بازی که باقی است
من بر آن عاشقم که رونده است
واقعت اجتماعی جامعه‌ی آن روز و
صواب‌حاکم بر آن، اسباب بدبینی شاعر را
فراهم ساخته و این بدبینی در جای جای
«افسانه» نمودی بارز دارد:

یک حقیقت فقط هست بر جا
آن چنانی که بایست بودن!
یک فریب است ره جسته هر جا
چشم‌ها بسته، بایست بودن!
ما چنانیم، لیکن که هستیم؟

جای تعجب نیست که از ابتدا تا انتهای
«افسانه» سرشار از رنج و اندوه و بدبینی
است. اصولاً درون‌مایه‌ی اشعار بیما
رنج است. این اندوه و رنج و بدبینی کار
او را به جایی می‌رساند که سال‌ها بعد
می‌گوید:

ای کجای این شب تیره بیاویزم قیای
زنده‌ی خود را
تا کشم از سینه‌ی پر درد خود بیرون
تیرهای زهر رادل خون؟
وای بر من!

بدینی بیما بی دلیل نبود. امید او برای
تحولی انسانی در جامعه‌ی آن روز، به
تحقیق نبیوت و «غم این هفته‌ی چند» بارها
خواب در چشم‌سار او شکست! در
فلسف‌های پایانی منظومه: «افسانه» ضمن
شنیدن همه‌ی سخن‌های عاشق سعی می‌کند
که او را متوجه احساس تازه‌ای کند که در او
به وجود آمده، تا از اندوهش بکاهد، اما
عاشق که حوادث تلخ زندگی، او را نسبت
به همه چیز بدبین و نومید ساخته است، بدین
سخنان توجه‌ی ندارد. با این وجود «افسانه»
را با همه‌ی دروغ و نیک و بدش می‌پذیرد و
او را شایسته‌ی دل دادن می‌داند:

ای دروغ! ای غم! ای نیک و بد، تو!
چه کست گفت از جای بر خیز؟
چه کست گفت زین ره به یک سو
همجو گل بر سر شاخه‌ی آویز
همجو مهابت در صحنه‌ی باغ
ای دل عاشقان! ای نسانه!
ای زده نقش‌ها بر زمانه!
ای که از جنگ خود باز کردی
نعمه‌های همه جاودانه

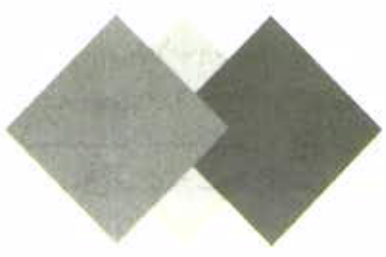
بوسه، بوسه، لب عاشقان را!
قبل از منظومه‌ی «افسانه» بیما منظومه‌ی
زیبایی «قصه‌ی رنگ پریده» را دارد و بعد از
آن نیز منظومه‌های دیگری نظیر «مالسلی» و
«خانه سربویلی» را. اما «افسانه» در بیس
منظومه‌ها و دیگر اشعار و نوشته‌های او،
جایگاه ویژه‌ای دارد.

«قصه‌ی رنگ پریده» با وجود ارزش‌های
خاصی که دارد در قالب کهن سروده شده،
و در منظومه‌ی «مالسلی» نیز بیما به افسانه‌زایی
«اوراشیمای ماهی‌گیر» نظر داشته و از آن
الهام گرفته است.
اما «افسانه» سرگذشت خود اوست.
قصه‌ی رنگ‌ها، آملان و آرزوهای تحقق

نیافته و ناپیداری عمر که با توصیف بدیع و
زیبایی از طبیعت همراه گشته است.

اکنون از زمان این نقد نصیر و بی‌رحم
پس از گذشت سالیانی نسبتاً طولانی از
سرودن این سنگ ریزین بتای شعر سو،
ارزش‌های آنرا آشکارتر ساخته است و نام
«بیما» بر تارک شعر نو، نامی ماندگار است.
ای بی‌شاعر که بعد از مرگ زان
چشم خود بر بست و چشم و ما گشاد!

- زیرنویس
- ۱- یادمان بیا به شیخ، موسسه‌ی فرهنگی گلشن
هر، صفحه ۱۳۶
 - ۲- کتاب هفته، شماره ۱۱، بهمن ماه ۱۳۴۰، صفحه
۱۳۶
 - ۳- هفت مقاله، خلال ال احمد، انتشارات امیرکبیر،
چاپ سوم، صفحه ۲۷
 - ۴- مجموعه‌ی آثار شاعران ایران، نشر چشم، چاپ
اول، صفحه ۲۶
 - ۵- یادمان بیا به شیخ، موسسه‌ی فرهنگی گلشن
هر، صفحه ۳
 - ۶- از صدای سو، بخش آرمین، چاپ چهارم، واحد
دوم، صفحه ۲۷۲
 - ۷- مجموعه‌ی آثار بیما، دفتر اول، نشر چشم، چاپ
اول، صفحه ۳۳۵
 - ۸- اشعاری که در این مقاله از منظومه‌ی «افسانه» سخن
شده است، مقس‌السنار منظومه‌ی فوق، به نقل از
مقتضات ۶۳-۶۴، مجموعه‌ی آثار بیما، دفتر اول
 - ۹- از علامه اقبال لاهوری، مثنوی «سرا خودی»
• ذیل ادوات، مقله زین شهر، صنعت‌ها، آملی
صفحه ۱۰۰ که در نامه خود اظهار داشته اند این مقاله
را به دسترس زودشعریه به کتاب‌های فارسی دور
راه‌های نوشته و آنرا در یکی از جلسات گروه‌های
آموزشی مقله زین شهر خوانده اند



ماهنامه‌ی ادبی

تهیه و تنظیم: تیمور رضایی*

بسم الله الرحمن الرحيم
 وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها
 بی‌خویشتنم کردی بوی گل و ریحان‌ها
 گه نعره زدی بلبل، گه جامه دریدی گل
 با یاد تو افتادم، از یاد برفت آن‌ها
 ای مهر تو در دل‌ها، وی مهر تو بر لب‌ها
 وی شور تو در سرها، وی سیر تو در جان‌ها
 تا عهد تو در بستم، عهد همه بشکستم
 بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها
 تا خار غم عشقت آویخته در دامن
 کوتاه نظری باشد رفتن به گلستان‌ها
 آن‌را که چنین دردی از پای دراندازد
 باید که فرو شوید دست از همه درمان‌ها
 گر در طلبت رنجی ما را برسد، شاید
 چون عشق حرم باشد، سهلست بیابان‌ها
 هر تیر که در کیش است، گر بر دل ریش آید
 ما نیز یکی باشیم از جمله‌ی قربان‌ها
 هر کو نظری دارد با یار کمان ابرو
 باید که سیر باشد پیش همه پیکان‌ها
 گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش
 میگویم و بعد از من گویند به دوران‌ها

•
 درخت غنچه بر آورد و بلبلان مستند
 جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند
 حریف مجلس ما خود همیشه دل می‌برد
 علی‌الخصوص که پیرایه‌ای برو بستند
 کسان که در رمضان چنگ می‌شکستندی
 نسیم گل بشنیدند و توبه بشکستند
 بساط سبزه لگدکوب شد به پای نشاط
 ز بس که عارف و عامی به رقص برجستند
 دو دست قدر شناسند عهد صحبت را
 که مدتی ببریدند و باز پیوستند

(سعدی)

اردیبهشت

اردیبهشت: مرکب از دو جزء است: اول آرتَه به معنی درستی و راستی و پاکی و تقدس، دوم و هیشته صفت عالی از وده به معنی به و خوب؛ پس اردیبهشت کلمه‌ی مرکب به معنی (بهترین راستی) است. مؤلف برهان ارد: معنی ترکیبی این لغت به معنی مانند بهشت باشد چه از باب معنی شبیه و مانند آمده است و چون این ماده وسط فصل بهار است و نباتات در غایت نشوونما و گل‌ها و ریاحین تمام شکفته و هوا در نهایت اعتدال، بنا بر این اردیبهشت خوانند. (نقل از لغت نامه دهخدا)

اردی بهشت روز است ای ماه دلستان

امروز چون بهشت ترین است بومستان

منعقد سعد سلطان

دی و بهمن و اردی و فروردین

همیشه پر از لاله بسی زمین

فردوسی

با گیاهان و درختان بیشتر آشنا شویم

زالزالک: گیاهی است از تیره‌ی گل سرخیان جرو دسته‌ی گل سرخ‌های اصلی، که بیشتر به صورت درختچه است و دارای شاخه‌های خاردار و گل‌های سفید معطر و میوه‌های زرد یا نارنجی است. میوه‌ی آن خوراکی است و در اغلب نواحی معتدل می‌روید. به آن کوبیج هم می‌گویند (فارسی دوم ص ۹۸)

کافور [سانسکریت Kuppura فرانسوی Camphire] ۱- درختی از تیره‌ی برگ‌بویان، دارای شاخه‌های متعدد در بخش انتهایی ساقه، برگ‌های سبز شفاف و متناوب، بیضی شکل و نوک تیز با کناره‌ی موج‌دار، در همه‌ی اندام‌های این درخت بافتنه‌های ترش‌مندی ویژه‌ای محتوی نوعی اساس وجود دارد که از آن کافور به دست می‌آید. ۲- ماده‌ی سفید رنگ یا بوی ویژه، دارای بلورهای درشت و نخت که به آسانی متصاعد می‌شود و در اثر مرطوب شدن یا اثر می‌شکند. نوع طبیعی آن از نقطه‌ی جنوب درخت کافور به دست می‌آید. ۳- کنایه از سفیدی مو و پیری است:

همی گورد کافور گیرد سرم

چنین داد خورشید و ماه اسرم (فردوسی)

۴- همچنین نام چشمه‌ای است در بهشت

ما مست شراب ناب عشقم

به شته‌ی مسلیل و کافور (سعدی)

(فارسی دوم ص ۵۱) فرهنگ معین، فرهنگ فارسی امروزی و

لغت نامه دهخدا)

آیامی دانید که - ترخ بخش آگهی تلویزیونی در هر شبکه و در هر ساعتی فرق می‌کند و حداقل مدت آگهی ۲۰ ثانیه است که کمتر از آن

نیز ۲۰ ثانیه محسوب می‌شود.

به عنوان مثال ترخ هر ثانیه بخش آگهی قبل از فیلم سینمایی عصر جمعه و اعیاد و برنامه‌های استثنایی ۲۱ ثانیه است و اگر در زمان بخش سریال‌ها، جنگ‌ها، فیلم هفته، برنامه کودک جمعه و اعیاد و قبل از خبر ۲۱ باشد ترخ هر ثانیه آگهی ۱۴ ثانیه است. کمترین ترخ هم مربوط به برنامه‌های صبح و شادگهی است که ثانیه‌ای ۲۵۰۰ می‌باشد.

دستور زبان معانی آراء

حرف نشانه‌ی مفعول، آراء می‌باشد که رایج ترین و نشانه‌ی کاربرد آن در همین مورد است. اما این کلمه معانی متعددی بگریخته دارد که معمولاً حرف اضافه محسوب می‌شود و عدم دقت در معنی آن باعث می‌شود که در درک معنی شعر و یا جمله دچار اشتباه شویم و هم در نحویه و ترکیب جمله، نقش و سنج کلمات را دست نویسیم. آنچه لازم به یادآوری است این است که در مورد معانی تعدادی از انواع آراء اختلاف نظر وجود ندارد.

مفصل ترین دستور زبان در این رابطه دستور زبان دکتر خطیب رهبر است که در آن برای آراء غیر از نشانه‌ی مفعول شش ماده معنی دیگر آورده است. اینک معانی معروف آراء همراه با مثال‌هایی از کتب فارسی سه پایه از نظر تان می‌گذرد.

۱- آراء به معنی برای؛ الف - نورایوز پس زود است و دشوار = برای تو پرواز زود و دشوار است (فارسی اول) ب - غم‌بان است مرغ جانت را (فارسی اول)

ج - نورایوش هر می باید آموخت = آموختن توش هر برای تو لازم است (فارسی اول)

د - شب اسپران را خوش بام‌ها / مزده‌ی نگستن زنجیر بود برای اسپران شب ... (فارسی اول)

ه - احوال همه تو راست معلوم = احوال همه برای تو معلوم است (فارسی اول)

و - الهی شناخت تو ما را امان و لطف تو ما را اقبال (فارسی سوم)

ز - تو را آسودگی باید مرا رنج = برای من رنج و زحمت و پیرانی تو آسایش ضروری است (فارسی اول)

ح - اینک تو را چه شد / کای مرغ خانگی = برای تو چه اتفاق افتاد (فارسی سوم)

۲- آراء به معنی به؛ الف - لیاکالت را ورزش آن مبدیه داد = لیاکالت ... (فارسی اول)

ب - یکی او را گفت ج - شتربان را گفتم (فارسی سوم)

د - تو را فرموده است تا در آن نظر کنی (فارسی سوم) ه - آن سوم گفت آن دوم را ای غم / چه زنی طعنه بر آن خود را

این ضرب‌المثل از آنجا سرچشمه گرفته است که نقل شده فردوسی پس از سرودن هجانامه‌ی محمود غزنوی، موفق گردید یک نسخه از آن را به وسیله‌ی دوستان و طرفدارانی که در دستگاه سلطنت محمود غزنوی داشت مخفیانه به آخر شاهنامه‌ی موجود در کتابخانه‌ی سلطنتی الحاق و اضافه نماید. این عمل موجب شده است که بعدها که از شاهنامه‌ی کتابخانه‌ی سلطنتی، نساخان و خطاطان نسخه‌ها برمی‌داشته‌اند قهر آن هجانامه‌ی آخر شاهنامه را هم بنویسند. سابقاً هر کس شاهنامه مطالعه می‌کرد چون مکرر و بیشتر در اوایل شاهنامه به مدح و ستایش از سلطان محمود غزنوی برخورد می‌کرد همت و جوانمردی سلطان را که مشوق فردوسی در تنظیم شاهنامه گردیده است از جان و دل می‌ستود و بر آن همه عشق و علاقه به تاریخ و ادب ایران آفرین می‌گفت! بی‌خبر از آن که شاهنامه آخری هم دارد، زیرا وقتی که به آخر شاهنامه می‌رسید و منظومه‌ی هجاییه را در آخر آن قرائت می‌کرد تازه متوجه می‌شد که محمود غزنوی نسبت به سلطان ادب و ملیت ایران تا چه اندازه ناجوانمردی و ناسپاسی کرده است. به همین جهت هر کس در گذشته به قرائت شاهنامه می‌پرداخت به او متذکر می‌شدند تا زمانی که کتاب را به پایان نرسانده در قضاوت نسبت به سلطان محمود غزنوی عجله نکند زیرا شاهنامه آخرش خوش است. بی‌فایده نیست دانسته شود که فردوسی برای سرودن شصت هزار بیت شاهنامه نه هزار واژه به کار برده است که فقط چهارصد و نودتای آن عربی است. (با تلخیص از کتاب ریشه‌های تاریخی امثال و حکم از مهدی پرتوی آملی)

* آقای تیمور رضایی، سرگروه آموزشی فارسی منطقه باغبادران اصفهان، به ابتکار خود هر ماه یک «ماهنامه ادبی» تهیه و تکثیر می‌کند و برای مدارس منطقه می‌فرستد. تاکنون شماره‌های متعددی از این ماهنامه توسط خود ایشان، به دفتر مجله رسیده است و ما به پاس تقدیر از علاقمندی این همکار محترم به زبان و ادب فارسی متن کامل ماهنامه‌ی اردیبهشت ۷۸ را در اینجا به چاپ می‌رسانیم. رشد

می‌دانیم که بعضی از فعل‌ها به جای مفعول می‌توانند مستمّم بگیرند، مانند «ماه را بنگر» که می‌توان گفت «به ماه بنگر»

و - موش آهو را گفت (فارسی دوم)

ز - رنجوری را سرکه‌ی هفت ساله فرمودند (فارسی دوم)

ح - روزی داروغه‌ی شهر بهلول را گفت (فارسی سوم)

۳ - راه معنی از الف - پرسید کرم را مرغ از فروتنی = مرغ از روی فروتنی از کرم پرسید (فارسی سوم)

ب - آن یکی کش صد هزار آثار خاست = (کش = که او) که او را = از او (فارسی سوم)

۴ - گاهی را با فعل ربطی «استن» به جای فعل داشتن بکار می‌رود.

الف - شخصی را اسی لاغر بود = شخصی اسی لاغر داشت (فارسی دوم)

ب - از جود تو هر مفلسی را نصیبی است = از جود تو هر مفلسی نصیبی دارد. (فارسی سوم)

ج - از کرم تو هر دردمندی را طیبی است (فارسی سوم)

د - همچنین هر علمی را اناقی جداگانه بود (فارسی اول)

ه - ملک زوزن را خواجه‌ای بود (گلستان سعدی)

این نوع «را» معنی برای نیز می‌دهد اما تاویل آن به مصدر داشتن مناسب‌تر است.

۵ - را در معنای فک اضافه؛ الف - و آن روز حفظ من علوم را بیشتر بود = و آن روز بیشتر علوم حفظ من بود (فارسی اول) ب - ای عقل مرا کفایت از تو = ای خدایی که کفایت عقل من از توست

ج - فرشی کش از بلفشه و سبزه است نارو بود (کش = که + اش = که او را) (فارسی اول)

یعنی فرشی که نارو بود آن از بلفشه و سبزه است.

د - ای مرغ سحر عشق زیر وانه پیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد = جان آن سوخته شد.

۶ - راه معنی در؛ الف - شب راه بوستان با یکی از دوستان اتفاق مینفتاد (گلستان)

ب - تمام شب را بیدار بود

۷ - راه معنی بر؛ جای زخم را باید مرهم گذاشت

۸ - راه معنی برابر؛ پیراهن صبر پوشیده‌ام که محنت را هیچ چیزی چون صبر نیست = یعنی در برابر محنت

۹ - را برای اختصاص؛ منت خدای را عزّوجلّ که طاعتش موجب قربتست

۱۰ - مترادف با نهران داشتن راز، اهل بیت را مشارکت است در زنت (کلیله و دمنه)

(دستور زبان فارسی حرف اضافه و ربط از خطیب رهبر، دستور زبان معیبان، دستور (۲) از دکتر انوری از انتشارات پیام نور)



ستارخان برای شعری

ای خواننده، از دیدن و جدم مرا دیوانه میندار،
و نعره ی شوریده ام را و هم مینگار،
شاعری هستم که طبعم چون دریا و شعرم تَرَمِ دُرَدانه است
و عیش و خوشیم آزادی و آزادگی،
شیدایی من برای دلاوران است
و آفرینم بر همت والای ستارخان.
چون مجلس ملی را در تهران ویران ساختند
مردم آذربایجان با ستارخان پیمان بستند
تا از استبداد و بیداد نفرت کنند
و در راه ملت و میهن جان سپارند.
آیه «ذبح عظیم»^۱ برای چنین قربانیان است
و آفرین من بر همت والای ستارخان!
خدا مردم آذربایجان را یاری کرد
تا بر ضحاک آل فاجار بشورند.
درود بر روان پاک شهیدانی
که خوششان خاک تبریز و تهران را گلگون کرد!
جایگاه آنان بهشت برین است
و آفرین من بر همت والای ستارخان.
بنگرید که ستارخان به چه کاری دست زده،
که نه «شاه» و «وزیر» بل همه ی دنیا را «مات» کرده است.
بر شرف اسلام و ناموس وطن افزوده
و شأن و اعتبار و ملیت خود را به اثبات رسانده است.
اکنون چشم جهانیان به سوی ایران است
و آفرین بر همت والای ستارخان!
ستارخان کشور ایران را زنده ساخت
و دین ملی خویش را پرداخت،
در جنگ دلیری و مردانگی نمود
و عین الدوله را رسوای جهان کرد.
او پروانه ای نبود که از شعله بگریزد...
پس آفرین بر همت والای ستارخان!
آفرین، ای تبریزیان، چه خوب به عهد خود وفا کردید!
دوست و دشمن ستایشگر و ثناگوی شماست.
زنده و پاینده باش ای سردار بزرگ!
پیامبر اسلام در بهشت به تو می بالد
زیرا خدمت تو به اسلام و انسانیت بود...
ای آفرین بر همت والای ستارخان!

شعر به ترکی از علی اکبر صابر
ترجمه یحیی آرین پور مؤلف «از صبا تا نیما»

دیوانه یس

۱- قرآن کریم، سوره صافات آیه ۱۰۷.

اصفهان

جغرافیای تاریخی اصفهان*

راه آهن

مجتمع فولاد مبارکه

پلی‌اکریل

موقعیت جغرافیایی اصفهان: اصفهان به عنوان مرکز استان در منطقه‌ی معتدل شمالی کره‌ی زمین با عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۷ دقیقه‌ی شمالی و طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۴۰ دقیقه‌ی شرقی با ارتفاع ۱۵۹۰ متر از سطح دریا در چاله اصفهان - سیرجان و میان پیشکوه‌های داخلی زاگرس و رشته‌کوه مرکزی ایران واقع شده است. از عوامل توسعه‌ی شهر اصفهان می‌توان به ویژگی‌های مناسب آب و هوایی، جریان حیاتی رودخانه زاینده‌رود، خاک حاصل خیر، قرار گرفتن بر سر چهارراه تجاری و... اشاره کرد و این‌که به همین دلیل اصفهان در طول تاریخ مورد توجه حکمرانان و مهاجمان بوده است.

* نام‌های اصفهان: اصفهان را با نام‌های مختلف اسپدان، اسپدانان، گسی، حسی، اسپهان، اصبهان و اصفهان در طی دوره‌های مختلف ذکر نموده‌اند. در تاریخ اصفهان آمده است که این شهر را نخست به نام «جی» می‌خواندند و گویا این نسبت به پادشاهان «جیان» که فرها قبل از «کیان» بر ایران سلطنت داشتند، اطلاق می‌شده است. مفصل این سعد بن حسین مافروخی صاحب رساله‌ی محاسن اصفهان می‌نویسد: این مدینه در زمان اسکندر بنا شده و معمار آن شخصی بوده به نام «جی بن زراده اصفهانی» و این شهر به نام او شهرت یافته است.

نظرمیوس جغرافیایونیس یونانی به نقل از ارنستن نام این شهر را اسپادانا ذکر کرده است در مآخذ اسلامی اصبهان و در بعضی از منابع سپاهان آمده است.

اصفهان در تاریخ: در داستان‌ها بسای

شهر را به ظهسورث دیوسید و کیکاوس نسبت داده‌اند... به احتمال قریب به بقیس در دوران گذشته اصفهان جزو مملکت اشکانی بوده است. قبل از آنکه مادهه به حکومت برسد... در مقابل دولت آشور اتحادیه‌ای از قبایل مختلف تشکیل دادند از شش طایفه که یکی از آنها پارتاکن یا پری‌تکان بود که در ناحیه‌ی اصفهان کنونی زندگی می‌کردند. در زمان هخامنشیان به نام «گانا» یا «گسی» اقامت گاه سلطنتی شهر بازار هخامنشی بوده و این نام در زمان ساسانیان تبدیل به حسی شد... و قلمرو نفوذ و امپروهران یا اعضای هفت خانواده بزرگ ایرانی... بوده است.

هنگام حمله‌ی مسلمانان به ایران

اصفهان مشتمل بر دو شهر یا محله بود، یکی جی که بنای آن را به اسکندر مقدونی نسبت می‌دهند و به شهر ستانه هم معروف بود دارای باروی با یکصد برج. اسم این شهر در سکه‌های دوره اسلامی غالباً ذکر شده است. بنا به گفته‌ی ابن رسته نویسنده‌ی قرن سوم هجری قمری، جی نیم فرسخ طول و دو هزار حریب مساحت داشته است و چهار دروازه به نام دروازه‌ی حوز یا دروازه‌ی زرین رود، دروازه‌ی استنح، دروازه‌ی طیره و دروازه‌ی یهودیه بوده است. و دیوگری یهودیه در دو میلی عریس جی که وسعت آن دو برابر جی بود. به این مناسبت آن را یهودیه می‌گفتند که

در زمان نحت انصاری، وی یهودیان را از ناحیه کوچ داده و آنها را در بین مکان سنگین داده بود.

در فتح ایران ابوموسی اشعری چند نفر از بران سپاه خود را مأمور فتح قوه کشکان و اصفهان کرد و آنان در سال‌های ۲۳ و ۲۴ هجری قمری یعنی در آخرین سال‌های خلافت عمر و اوایل خلافت عثمان این بلاد را فتح کردند. اهمیت اصفهان در صدر اسلام به اندازه‌ای بود که حجاج بن یوسف ثقفی به یکی از حکمرانان آن چنین گفت: تو فرمان‌روای شهری دده ده سنگش نرعه و مگش روز عسل و علقش از عسکان

باشد.^۶ اصفهان اولین بار در نیمه‌ی اول قرن چهارم هجری توسط مرداوینج زیاری به پایتختی انتخاب

گردید. ولی این دوره بسیار کوتاه بود.^۷ در زمان حسن رکن‌الدوله‌ی ذیلمی که اصفهان پایتخت شد شهر توسعه بیشتری یافت. به دستور وی (حسن رکن‌الدوله) دیوار میان دو محله‌ی جی و یهودیه را برداشتند و آن‌ها را یکی کردند و بارویی به دور شهر کشیدند که محیط آن قریب ۲۱ هزار گام بود، حتی تا این اواخر آثاری از این بارو در بیرون دروازه‌ی طوقچی تا دروازه‌ی جویاره باقی مانده بود.^۸ شهر اصفهان در دوره‌ی دیلمیان از حدود میدان قیام (سبز میدان - میدان قدیم) به طرف شکر شکن و خیابان نشاط و احمدآباد و اطراف قلعه طبرک و کورچه‌های پاقلعه متمرکز بوده است.^۹

در زمان غزنویان ... شورش مردم اصفهان و قتل نماینده‌ی غزنویان در این شهر منب قتل عام مردم به دست سلطان مسعود غزنوی شد. طغرل، مؤسس سلسله‌ی سلجوقی، در سال ۴۴۳ هجری قمری اصفهان را به تصرف خود درآورد ... در سال ۴۴۴ هجری قمری ناصر خسرو قبادبانی از اصفهان دیدن و تعریف جامعی از اوضاع طبیعی و اقتصادی آن کرده است. ملکشاه سلجوقی (۴۸۵-۴۶۵ هجری قمری) اصفهان را پایتخت خود قرار داد. این شهر در عهد وزیرش خواجه نظام‌الملک یکی از

مهم‌ترین بلاد دنیا و از آبادترین شهرها به شمار می‌رفت.^{۱۰} اصفهان در سال ۶۳۳ هجری قمری پس از چند سال مقاومت در برابر مغولان همچون سایر شهرهای ایران خراب و ویران گردید.^{۱۱} تیمور ... در ذی‌قعدة سال ۷۹۰ به اصفهان حمله برد و فرمان قتل عام اهالی را صادر کرد و بیش از هفتاد هزار نفر را کشت.^{۱۲} در این کشتار از سرهای مقتولین مناره‌ها برپا شد. در آغاز قرن دهم هجری قمری اصفهان تحت فرمان شاه اسماعیل صفوی درآمد پس از او شاه عباس اول در حدود سال یکهزار هجری قمری پایتخت دولت صفوی را از شهر قزوین به اصفهان منتقل کرد و طولی نکشید که به فرمان وی آرامنه‌ی جلفای آذربایجان واقع در ساحل رودخانه ارس، به محل جدیدی که در ساحل جنوبی زاینده‌رود ساخته شده بود کوچ کردند.^{۱۳} در دوره‌ی صفویه شهر باز هم به سمت مغرب و جنوب گسترش یافت و تا حدود دروازه دولت (امروزی) و جنوب زاینده‌رود کشیده شد ... قسمت‌هایی که در دوره‌ی آل‌بویه و سلجوقیان جزء نواحی مرکزی شهر به حساب می‌آمد در دوره‌ی صفویه جزء محلات قدیمی درآمد.^{۱۴}

... در زمان سلطنت شاه سلطان حسین (۱۱۰۶-۱۱۲۵ هجری قمری) پس از جنگ گلون آباد محمود افغان شهر را محاصره کرد و سرانجام آن را به

تصرف خود درآورد ... و شهری که در عصر صفویه یکی از شهرهای پرجمعیت دنیای آن روز بود رو به ویرانی نهاد.^{۱۵} در زمان قاجار که شهر تهران به عنوان پایتخت کشور ایران برگزیده شد ... بسیاری از آثار دوران صفویه (در شهر اصفهان) به دستور ظل‌السلطان پسر ناصرالدین شاه خراب شد و از مصالح آن‌ها کاخ معروف به پارک ظل‌السلطان (ساختمان وزارت آموزش و پرورش در خیابان اکیاتان) در تهران بنا شد.^{۱۶}

❖ باغ‌های اصفهان: چهارباغ، باغ هزار جریب، باغ خرگاه (در گوشه غربی چهلستون) باغ خیمه‌گاه و باغ ناظر که ورودی آن در بازار مسگران بوده است، باغ کجاوه خانه جنب بازار رنگرزان، باغ توحیدخانه، باغ نظر که «مادی نیاصرم» از میان آن می‌گذشت، باغ تخت در مغرب چهارباغ، باغ عباس‌آباد در محل فعلی خیابان عباس‌آباد، باغ زرشک در چهارباغ بالا، باغ قوشخانه در شمال شرق اصفهان، باغ بلبل یا هشت بهشت، باغ چرخاب و چندین باغ دیگر ... در ضمن نهرهایی از رودخانه جدا می‌شد و در این باغها جریان می‌یافت. این نهرها را «مادی» نامیده بودند مانند مادی مادی قدین، مادی تیران، مادی نیاصرم، مادی قمیش و غیره که مادی نیاصرم از همه بزرگتر بود. قبل از صفویه در مجاورت میدان نقش جهان باغی به نام «نقش جهان» وجود



داشت ... یکی از دروازه‌های این باغ به «کوشک» متصل بود که آن را «درب کوشک» می‌خواندند. در دوره‌ی سلجوقیان، میدان نقش جهان «کوشک میدان» نام داشت. باغ هزار جریب ... بزرگترین باغ دوره صفویه بود. محل این باغ از طرف دروازه شیراز به طرف کوه صفه بود. این باغ شب داشت و طبقه طبقه به نظر می‌آمد و به همین علت از آن به عنوان باغ دروازه طبقه پیز یاد شده است. چهار باغ در آن زمان واقعاً باغ بود و نه حیابان، حد شمالی آن عمارت جهان نما (واقع در دروازه دولت) و حد جنوبی آن باغ هزار جریب بود. در ضمن یکی از باغ‌های دوره‌ی سلجوقی «باغ کاران» است که در محل فعلی خواجو قرار داشت که حافظ شیرازی درباره آن می‌گوید:

گرچه صدر رود است در چشم مدام
زنده رود و باغ کاران یاد باد^{۱۱}

● تقسیم بندی آب زاینده رود در دوره‌ی صفویه: «دانشمند معروف دوره‌ی صفویه شیخ بهایی آب زاینده رود را به ۳۳ سهم تقسیم نموده که طرح وی به نام «طومار شیخ بهایی» معروف است. آب رود به وسیله نهرهایی (مادی) از رودخانه منشعب شده و آب مورد نیاز را به روستاها می‌رساند. این تقسیم بندی از این قرار است:

لنجان ده سهم، مازین چهار سهم، حی شش سهم، کراخ سه سهم، رودشتین (رودشت) شش سهم و بر آن چهار سهم^{۱۲}

● جبال یا عراق عجم کجاست؟

ایالت جبال شامل استان‌های امروزی اصفهان، همدان، کرمانشاه، ایلام،

چهارمحال بختیاری، کردستان، زنجان، لرستان، تهران و استان مرکزی بوده است. بنابراین ایالت جبال از طرف مغرب به کشور عراق و از طرف مشرق به کویر و خراسان و کرمان و از طرف شمال به رشته کوه‌های البرز و از طرف جنوب به حوزستان و فارس محدود بود. این حوقل بزرگ‌ترین شهرهای جبال را اصفهان، ری، همدان، قم و دینور دانسته و شهرهای دیگر را کاشان، نهاوند، کرج اسودلف، روداور، حلوان صیمره (صیمره)، سیروان، شهر زور، شهرورد، قزوین، سوربالر، برج و پروجرد سوشسته است. چرا این ایالت را جبال یا عراق عجم گفته‌اند؟

زمانی که اعراب به ایران آمدند در مقابل جلگه‌ی بین‌النهرین که به آن «سواد» می‌گفتند به کوهستان‌های مغرب ایران نام «جبال» دادند. در زمان سلجوقیان و نقوذ آنها سر خلفای عباسی، از طرف خلفای عباسی به شاهان سلجوقی لقب «سلطان العراقین» داده شد که منظور عراق فعلی و جبال بود و برای اینکه دو عراق با هم اشتباه نشود، ایالت جبال را «عراق عجم» نامیدند این اصطلاح تا دوره‌ی مشروطیت باقی بود. عراق به معنی اخص در مورد شهر فعلی اراک به کار برده شده است.^{۱۳}

زیرنوس

۱- عبدالحسن هجیری / جغرافیای تاریخی شهرها / صفحه ۲۳

۲- همان منبع / صفحه ۲۲

۳- همان منبع / صفحه ۲۴

۴- همان منبع / صفحه ۲۲

۵- عزیرالله بیات / کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی

ایران / صفحه ۱۶۶

۶- همان منبع / صفحه ۱۶۶

۷- همان منبع / صفحه ۱۶۷

۸- عبدالحسن هجیری / جغرافیای تاریخی شهرها /

صفحه ۴۸

۹- عزیرالله بیات / کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی

ایران / صفحه ۱۶۷

۱۰- عبدالحسن هجیری / جغرافیای تاریخی شهرها /

صفحه ۴۸

۱۱- عزیرالله بیات / کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی

شهرها / صفحه ۱۴۸

۱۲- عبدالحسن هجیری / جغرافیای تاریخی شهرها /

صفحه ۴۹

۱۳- عزیرالله بیات / کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی

شهرها / صفحه ۱۴۹

۱۴- همان منبع / صفحه ۱۷۰

۱۵- عبدالحسن هجیری / جغرافیای تاریخی شهرها /

صفحه ۵۰

۱۶- عزیرالله بیات / کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی

شهرها / صفحه ۱۷۰

۱۷- همان منبع / صفحه ۱۷۱

۱۸- عبدالحسن هجیری / جغرافیای تاریخی شهرها /

صفحه ۵۱

۱۹- همان منبع / صفحه ۳۰۴

۲۰- همان منبع / صفحه ۲۸۲

منابع

۱- بیات عزیرالله / کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی

ایران / انتشارات امیرکبیر / تهران / چاپ دوم / ۱۳۷۳

۲- هجیری عبدالحسن / جغرافیای تاریخی شهرها /

انتشارات مفره / چاپ دوم / ۱۳۷۶

* تهیه کننده گروه علوم اجتماعی راهمدیس -

استاد اصفهان - زمستان ۱۳۷۷

گزارش

یک تحقیق*

غلامرضا احمدی - مجید درستکار

بالا تفاوتی وجود دارد؟

تحقیق به صورت توصیفی انجام پذیرفته و نمونه‌ها به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه بوده است.

نتایج تحقیق به شرح زیر است:

الف: گروه‌های آموزشی در زمینه‌ی اصلاح و تغییر کتب درسی، ارتقاء دانش معلمین در مورد روش‌های ارزشیابی و امتحان مطلوب، تحول و ایجاد شیوه‌های تدریس خلاق و برقراری ارتباط سازنده بین معلمین در حد زیاد موفق بوده است.

ب: گروه‌های آموزشی در زمینه ارتقاء دانش معلمان در کاربرد وسایل و تکنولوژی آموزشی، استفاده از تخصص علمی استادان دانشگاه‌ها، برقراری ارتباط بین معلمان و کارشناسان آموزشی و مؤلفان کتب‌های درسی و تشویق معلمان به کار تحقیق به طور نسبی موفق بوده است.

مقدمه:

گروه‌های آموزشی به عنوان هسته‌های علمی، آموزشی و پرورشی توانسته‌اند نقش به‌سزایی را در ارتقاء سطح کیفی آموزش و پرورش ایفا نمایند، این نهاد آموزشی با ارائه خدمات علمی و کسارهای کیفی با استفاده از تجارب معلمان، در زمینه اصلاح مداوم نظام آموزشی، بهبود روش‌های تدریس، نقد و بررسی کتب درسی و بهبود کیفیت فرآیند یاددهی و یادگیری گام‌های ارزنده و مؤثری برداشته است. از جمله تمهیداتی که برای رشد حرفه‌ای معلمان و بالا بردن تخصص علمی و توان کاری آنان صورت گرفته تشکیل گروه‌های آموزشی در پایه‌ها و رشته‌های مختلف درسی است که به مسائل گوناگون آموزشی و پرورشی رسیدگی می‌نمایند. تصمیم‌گیری گروهی و برنامه‌های مشارکت جویانه سرلوحه کار گروه‌هاست و

چکیده:

این تحقیق به ارزشیابی عملکرد گروه‌های آموزشی دوره‌ی آموزش عمومی از دیدگاه اعضا، معلمین، مدیران و مسئولان آموزش و پرورش استان اصفهان می‌پردازد و مسائل زیر را مورد پرسش قرار می‌دهد:

۱- آیا گروه‌های آموزشی توانسته‌اند زمینه‌ی برقراری ارتباط سازنده بین معلمین را فراهم نمایند؟

۲- آیا گروه‌های آموزشی توانسته‌اند زمینه ارتقاء دانش معلمان را در مورد کاربرد وسایل و تکنولوژی آموزشی فراهم نمایند؟

۳- آیا گروه‌های آموزشی توانسته‌اند از تخصص علمی استادان دانشگاه‌ها در زمینه‌های مختلف آموزشی استفاده کنند؟

۴- آیا گروه‌های آموزشی توانسته‌اند در زمینه‌ی ایجاد شیوه‌های تدریس خلاق

تحولی ایجاد کند؟

۵- آیا گروه‌های آموزشی دانش معلمین را در مورد روش‌های ارزشیابی و امتحانات مطلوب ارتقاء داده یا متحول کرده است؟

۶- آیا گروه‌های آموزشی زمینه‌ی ایجاد ارتباط مستمر بین معلمان، کارشناسان آموزشی و مؤلفان کتب‌های درسی را فراهم کرده است؟

۷- آیا گروه‌های آموزشی توانسته‌اند زمینه‌ی ترغیب و تشویق معلمان را به امر تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلف تعلیم و تربیت فراهم نمایند؟

۸- آیا نظرات و پیشنهاد‌های اعضای گروه‌های آموزشی در مورد تغییر یا اصلاح محتوای کتب‌های درسی اعمال شده است.

۹- آیا بین نظرات معلمان، اعضای گروه‌های آموزشی، مدیران و مسئولان آموزش و پرورش استان در ابدا هشتگانه‌ی

زمینه‌ی استفاده از نیروهای متفکر و حلاق را در جهت کسب کیفیت بالاتر و بازدهی و ثمربخشی بیشتر به نارسایی آوردن چنانچه گروه‌های و تجمع نیروهای حلاق در گروه‌های آموزشی امکان‌پذیر است. اهمیت و نقش گروه‌های آموزشی و نقش سرپرستی و نظارتی آن در ارتقاء کیفیت آموزشی، مطالعه و ارزشیابی عملکرد آن را ایجاب می‌کند. لذا ارزشیابی عملکرد این گروه‌های آموزشی جهت شناسایی نقاط قوت و ضعف آن و بررسی مشکلات و نارسائی‌ها ضروری است این تحقیق بدین آن است تا ارزیابی جامع‌ی از عملکرد گروه‌های آموزشی دوره‌های ابتدایی و راهنمای تحصیلی استان اصفهان با توجه به دستورالعمل سال ۷۳ به عمل آورده و میزان تحقق اهداف اشاره شده در دستورالعمل را مشخص سازد و ضمن ارائه پیشنهادهای کاربردی، مسئولان را جهت تدوین دستورالعمل جامع و پویا یاری نماید.

ساخته‌ی تحقیق:

تحقیقاتی که در زمینه‌ی گروه‌های آموزشی صورت گرفته بسیار محدود است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱- تحقیق دفتر آموزش متوسطه و راهنمای تحصیلی و ابتدایی وزارت آموزش و پرورش تحت عنوان «پژوهشی در زمینه‌ی کارایی و عملکرد گروه‌های آموزشی» که هدف کلی آن ارزشیابی از میزان ثمربخشی طرح قدیم (۱۳۶۳) بوده است.
- ۲- تحقیق انجام شده توسط شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان تهران در آبان ۱۳۷۱ با نظارت دکتر یحیی عسکری تحت عنوان «ارزشیابی طرح جدید گروه‌های آموزشی از نظر میزان موفقیت در بیل به اهداف مورد نظر» هدف کلی این تحقیق میزان موفقیت طرح جدید (این نامه سال ۶۹) گروه‌های آموزشی در بیل به اهداف آن بوده است.

- ۳- تحقیق تحت عنوان «بررسی روش‌های مؤثر جهت فعال نمودن گروه‌های آموزشی و نقش این گروه‌ها در رضایت شغلی معلمان استان هرمزگان که توسط شورای تحقیقات این استان صورت گرفته است.
- ۴- تحقیق با عنوان «ارزیابی کارایی گروه‌های آموزشی و یافتن شیوه فعال‌تر کردن آن با بررسی نتیجه عملکرد دو گروه شیمی و علوم تجربی» که توسط شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی صورت پذیرفته است.
- ۵- تحقیق انجام یافته توسط شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان تحت عنوان انگیزش معلمان دوره‌های ابتدایی و راهنمایی است به عملکرد گروه‌های آموزشی استان کردستان»

اهداف این تحقیق:

هدف کلی:

ارزشیابی عملکرد گروه‌های آموزشی دوره‌ی آموزش عمومی از دیدگاه اعضاء، معلمان، مدیران و مسئولان اصفهان و پرورش استان اصفهان

اهداف خاص:

- ۱- بررسی میزان موفقیت گروه‌های آموزشی در تحقق اهداف تعیین شده در دستورالعمل
- ۲- بررسی موانع و مشکلات موجود در روند فعالیت گروه‌های آموزشی استان
- ۳- بررسی راه‌های مؤثر در افزایش بازدهی گروه‌های آموزشی استان
- ۴- ارائه‌ی راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی کاربردی در جهت اصلاح و تقویت فعالیت گروه‌های آموزشی و حتی امکان‌رفع موانع و معضلات موجود

سؤال‌های تحقیق:

۱- آیا گروه‌های آموزشی توانسته است

زمینه‌ی برقراری ارتباط سازنده بین معلمان را فراهم نماید

۲- آیا گروه‌های آموزشی توانسته است زمینه‌ی ارتقاء دانش معلمان را در مورد کاربرد وسایل و تکنولوژی آموزشی فراهم نماید.

۳- آیا گروه‌های آموزشی توانسته است از تخصص علمی استادان دانشگاه‌ها در زمینه‌های مختلف آموزشی استفاده کند.

۴- آیا گروه‌های آموزشی توانسته است در زمینه‌ی ایجاد شیوه‌های نوین حلاق تحولی ایجاد کند

۵- آیا گروه‌های آموزشی دانش معلمان را در مورد روش‌های ارزشیابی و انتخاب مطالب ارتقاء داده یا متحول کرده است.

۶- آیا گروه‌های آموزشی زمینه‌ی ایجاد ارتباط مستمر بین معلمان، کارشناسان آموزش و مؤلفان کتاب‌های درسی را فراهم کرده است

۷- آیا گروه‌های آموزشی توانسته است زمینه‌ی ترقیب و تشویق معلمان را به امر تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلف تعلیم و تربیت فراهم نماید

۸- آیا نظرات و پیشنهادها‌ی اعضای گروه‌های آموزشی در مورد تغییر و اصلاح محتوای کتاب‌های درسی اعمال شده است.

۹- آیا این نظرات معلمان، اعضای گروه‌های آموزشی، مدیران و مسئولان آموزش و پرورش استان در ایجاد هشت گانه‌ی «آلات نوین» وجود دارد

روش تحقیق:

این تحقیق به صورت توصیفی انجام گرفته است. نمونه‌ها بصورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند به این صورت که از بین واحدهای مناطق سی و چهارگانه‌ی آموزش و پرورش استان اصفهان ۵ ناحیه و منطقه (ب) حسته ۲- نیمه-زیرین شهر - نجف‌آباد- نائین) طبق تصادفی و ناباحثه درجه‌بندی مناطق از لحاظ جمع‌انسانی

انتخاب گردیدند و از هر منطقه ۱۰۰ نفر معلم و ۲۰ نفر مدیر و $\frac{1}{3}$ اعضای گروه‌های آموزشی انتخاب شدند. همچنین ۱۶۰ نفر از رؤسا و معاونین آموزشی، هماهنگ کنندگان و مدیران اجرایی گروه‌های درسی، تمامی آنان جزء نمونه‌ی آماری محسوب شده‌اند. نمونه‌ی آماری این تحقیق ۹۲۵ نفر می‌باشد.

ابزار تحقیق پرسش‌نامه بود حاوی ۶۰ سؤال بسته پاسخ و دو سؤال باز پاسخ که عوامل ارزشیابی و عملکرد ارزشیابی گروه‌های آموزشی را در قالب ۹ سؤال تحقیق و در طیف ۵ قسمتی لیکرت بررسی می‌نمود.

یافته‌های تحقیق:

۱- ۵۲/۵ درصد از پاسخ‌گویان توانایی گروه‌های آموزشی را در فراهم ساختن زمینه‌ی برقراری ارتباط سازنده بین معلمین در حد زیاد تأیید نموده‌اند.

۲- فقط ۲۵/۹ درصد از پاسخ‌گویان موفقیت گروه‌های آموزشی را در زمینه‌ی ارتقاء دانش معلمان در کاربرد وسایل و تکنولوژی آموزشی در حد زیاد دانسته‌اند که نشان می‌دهد در این مورد گروه‌های آموزشی چندان موفق نبوده‌اند.

۳- در زمینه‌ی استفاده از تخصص علمی استادان دانشگاه‌ها در مسائل آموزشی از نظر پاسخ‌گویان گروه‌های آموزشی موفق نبوده‌اند. ۹/۴ درصد از پاسخ‌گویان در حد زیاد آن را تأیید کرده‌اند.

۴- موفقیت گروه‌های آموزشی در زمینه‌ی تحول و ایجاد شیوه‌های تدریس خلاق و همراه با نوآوری چشمگیر بوده‌است. ۵۳/۵ درصد از پاسخ‌گویان در حد زیاد مسئله‌ی فوق را تأیید کرده‌اند.

۵- ۶۹/۳ درصد از پاسخ‌گویان ابراز نموده‌اند که گروه‌های آموزشی توانسته‌اند دانش معلمین را در مورد روش‌های ارزش‌یابی و امتحان مطلوب ارتقاء دهد.

۶- ۲۳/۴ درصد از پاسخ‌گویان در حد زیاد بیان نموده‌اند که گروه‌های آموزشی توانسته‌اند ارتباطی بین معلمان و کارشناسان آموزشی و مؤلفان کتاب‌های درسی برقرار سازد. این نتیجه که حاکی از آن است که موفقیت گروه‌های آموزشی در این زمینه رضایت‌بخش نیست.

۷- موفقیت گروه‌های آموزشی در زمینه‌ی تشویق معلمان به کار تحقیق توسط پاسخ‌گویان ۲۲/۶ درصد در حد زیاد بیان شده‌است. نتیجه‌ی بدست آمده موفقیت گروه‌های آموزشی را در حد $\frac{1}{3}$ بیان می‌کند.

۸- موفقیت گروه‌های آموزشی در زمینه‌ی اصلاح و تغییر کتب درسی از طرف حدود ۷۵ درصد از پاسخ‌گویان در حد زیاد تأیید گردیده‌است.

۹- بررسی میانگین نظرات هر چهار گروه مورد بررسی در خصوص سؤالات هشت‌گانه‌ی تحقیق نشان می‌دهد که نظر گروه‌های مورد بررسی در مورد ۸ سؤال تحقیق یک‌سان می‌باشد. به جز سؤالات ۲ و ۳ و ۶ و ۷ بقیه‌ی سؤالات تحقیق مورد تأیید قرار گرفته‌است.

پیشنهادها:

۱- افزایش جلسات مجمع عمومی از هر سه ماه یک بار به ماهی یک بار و حضور استادان و کارشناسان مربوطه در آن جهت رفع مشکلات آموزشی معلمان، ارتباط بیشتر و استفاده از تجربه و نظر همکاران.

۲- تشکیل کارگاه‌های آموزشی جهت استفاده از وسایل کمک آموزشی، تولید انبوه و ارزان وسایل کمک آموزشی و افزایش توان تخصصی معلمان جهت استفاده از تکنولوژی آموزشی پیشنهاد می‌شود.

۳- ارتباط بیشتر با گروه‌های آموزشی مراکز تربیت معلم، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

۴- تشکیل جشنواره‌های ارائه تدریس برتر در تمامی مناطق آموزش و پرورش و

گسترش تخصص علمی معلمان در زمینه بهبود روش‌های تدریس.

۵- سؤالات امتحانی و چگونگی طرح سؤال با توجه به حیطه‌های یادگیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. تشکیل کارگاه‌های آموزشی در این زمینه و آموزش طرح سؤال به معلمان بسیار لازم است.

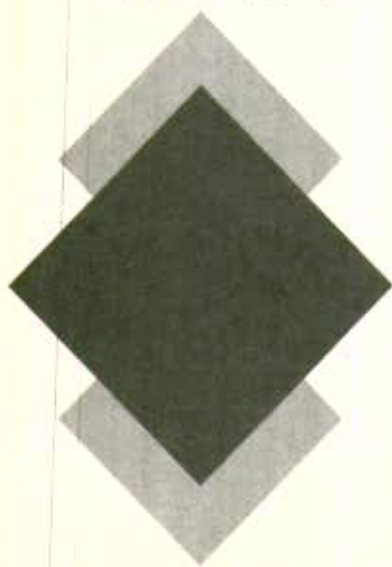
۶- ارتباط بیشتر با دانشگاه‌ها و آموزش معلمان جهت روش تحقیق و آشناسدن آنان به تحقیق و پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت.

۷- در زمینه‌ی نقد و بررسی کتب درسی، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی نیز انجام گیرد.

۸- تجدیدنظر و بازنگری دستورالعمل تشکیل گروه‌های درسی سال (۱۳۷۳) بسیار لازم و ضروری است. گروه‌های آموزشی باید با توجه به شرایط و امکانات و تعداد معلمین هر منطقه تشکیل شود.

گزیده‌ی منابع:

- ۱- محمدتقی محمودی، گروه‌های آموزشی پویا، آموزش و پرورش تهران، ۱۳۷۴
- ۲- کیمیل ابلز، مدیریت و رهبری آموزشی ترجمه دکتر محمدعلی طوسی، تهران ۱۳۷۰
- ۳- دستورالعمل گروه‌های آموزشی ۱۳۷۳



بخش تاریخ

تاریخ دوم راهنمائی

مسعود جوادیان

عمل آید و در جریان یادگیری یاددهی مورد توجه قرار گیرد.

۳- پرسش‌های آخر درس: علاوه بر پرسش‌هایی که در متن درس‌ها و ذیل برخی تصاویر و نقشه‌ها گنجانده شده است، در پایان هر درس چند پرسش نمونه در نظر گرفته ایم. محسوسه‌ای این پرسش‌ها علاوه بر این که از نوع برچوردار است نه گونه‌ای است که موجب تفکر و تعمق بیشتر و خلاقیت‌دهشی دانش‌آموزان می‌گردد. برای مثال در پرسشی از دانش‌آموزان خود استه‌استه سه نمودارهای چند درس توجه کند و حوادث مربوط به آن را از میان آن‌ها استخراج نماید. سپس آنها را در یک نمودار تنظیم کند. (درس ششم) و یا پرسیده ایم: «به نظر شما چرا عباس‌پسار با امامان شیعه دشمنی داشتند؟» (درس هفتم) و یا از دانش‌آموزان خواسته شده نقشه‌هایی در درس مورد نظر را با هم مقایسه کند...

در مجموع باید گفت طرح پرسش‌ها تنها بر اساس محفوظات دانش‌آموزان صورت نگرفته است. یادآوری نکته‌ای ضروری به نظر می‌رسد؛ پرسش‌های نمونه‌ای پایان درس‌ها برای خودآزمایی و به عنوان بخشی از آموزش هر درس در نظر گرفته شده که بسیار گرامی در طول سال تحصیلی به وسیله‌ی آن آموزش این درس را پی بگیرند. بنابراین اکیداً توصیه می‌کنیم در طرح سوالات امتحانی بهانه‌ای این پرسش‌ها اکتفا نگردد و نیز قبل از نگارش آنها توسط دانش‌آموزان، از بیان پاسخ هر یک چه به صورت شفاهی چه به صورت کتبی خودداری ورزند.

۴- فعالیت‌های یاددهی-یادگیری: در سال‌های اخیر بحث درباره‌ی نحوه سازمان‌دهی کتاب‌های درسی از نظر فعال‌کننده فراگیران، از حدی تریس مباحث محفل مربوط به برنامه‌ریزی درسی و مباحث مربوط به آموزش بوده است. به همین دلیل از مهم‌ترین دلایل تغییرات تاریخ‌های دوره راهنمائی، انطباق آن با نظریات جدید برنامه‌ریزان درسی و نه بیان دیگر رفیع‌نقشه‌های این گذشته‌ها در این

سال گذشته وعده داده بودیم که چاپ ۷۸ تاریخ دوم را همراه با تغییرات و اصلاحاتی از نوع تاریخی اول راهنمائی عرضه کنیم؛ یعنی کتاب مذکور حاوی پرسش‌های آخر درس‌ها، فعالیت‌های ضمن یادگیری و یاددهی و موارد دیگری گردد که در نوشته‌ی حاضر به آن‌ها اشاره خواهد شد. این کار خوش بختانه انجام شد و امید است همکاران گرامی در سال تحصیلی ۷۹-۷۸ تاریخ دوم راهنمائی را کتابی مناسب‌تر بیابند.

تغییرات ایجاد شده در کتاب تاریخ دوم را عمدتاً می‌توان چنین دسته‌بندی کرد: ۱- حذف و تلخیص برخی مطالب ۲- بازنگری نقشه‌ها ۳- پرسش‌های آخر درس ۴- فعالیت‌های یادگیری-یاددهی ۵- اصلاحات ویرایشی ۶- تصاویر و عکس‌ها ۷- زیر می‌کشیم توضیح مختصری برای هر یک از این موارد ارائه کنیم.

۱- حذف و تلخیص برخی مطالب: با این که سه کتاب تاریخ

دوره‌ی راهنمائی در سال‌های اخیر مکرر مورد بازنگری محتوایی قرار گرفته‌اند، با توجه به پیش‌نهادهای دبیران و دست و سوسن کارشناسان گروه تاریخ لازم شد یک بار دیگر تمامی مطالب سه کتاب این دوره مورد بازنگری قرار گیرد که نتیجه‌ی آن حذف، تلخیص یا سازمان‌دهی مجدد برخی قسمت‌ها بود. برای مثال در کتاب مورد نظر این مقاله، شرح «ماجرای حکمت» (درس پنجم) و نیز شرح جنگ اُحُد (درس سوم) حذف شد زیرا دانش‌آموزان غالباً با آن آشنا بوده و از شیوه‌های دیگر اطلاعات لازم را کسب می‌کنند. در مقابل این حذف‌ها پرسش‌هایی جایگزین شد تا هم به موجب یادآوری اطلاعات قبلی دانش‌آموزان در این باره شود و هم در تدبیر بهتر و فعال‌تر، دبیران محترم را یاری برساند. خارج کردن برخی قسمت‌ها از متن دروس و لحاظ کردن آن‌ها در کادر رنگی، حذف مطالبی نظیر قیام‌های عصر عباسی یا تبدیل شرح جغرافیایی سرزمین عربستان به چند پرسش، در همین راستا صورت گرفت.

۲- بازنگری نقشه‌ها: نقشه‌های چاپ شده در کتاب ۷۷ هر چند

خالی از اغلاط چاپی یا علمی است با این حال تعدادی از آنها می‌بایست مورد تجدید نظر قرار می‌گرفت. در نتیجه‌ی این تجدید نظر برخی نقشه‌ها ساده‌تر (نقشه درس‌های پنجم و دوازدهم) و بسیاری از آنها از نظر تعیین رنگ یا راهنمای نقشه کامل‌تر شدند. به علاوه در سازمان‌دهی تازه‌ی کتاب گوشتی‌ها ارتباط بیشتری بین مطالب کتاب و نقشه‌ها ایجاد کنیم تا از نقشه‌ها استفاده بیشتری به



حیث بوده است. در تاریخ دوم راهنمایی حتی الامکان کوشیده ایم با طرح پرسش هایی در باب مباحث هر یک از درس ها، یا نقشه ها و یا نمودارها به گونه ای دانش آموزان را از حالت انفعالی خارج ساخته و به تفکر و تعمق و فعالیت ذهنی تشویق کنیم.

«حوادث زندگی... را در نمودار زیر مرور کنید. به نظر شما کدام یک از این حوادث از بقیه مهمتر بود؟...» «از غزوه ی خندق در قرآن با نام «احزاب» یاد شده است آیا علت آن را می دانید؟» «آیا می دانید در این نقشه چرا... به رنگ زرد است؟»

نمونه های بالا پرسش هایی از این دست هستند. همچنین همان گونه که در بند یکم گفته شد، در مواردی با حذف یک مطلب و تبدیل آن به یک پرسش، هم از حجم درس کاسته ایم، هم از تکرار مطلب خودداری کرده ایم و در عین حال هم توانسته ایم یک فعالیت جدید در نظر بگیریم. به این نمونه ها توجه کنید. نمونه نخست در

کتاب چاپ ۷۷ و قبل از آن آمده است: «حضرت محمد دوران جوانی خود را در مکه گذرانید. تمامی مردم او را به نیک نامی می شناختند. زیرا آن حضرت در کودکی و جوانی خصلت هائی داشت که او را از دیگران ممتاز می ساخت. ایشان با راست گویی و درست کرداری سرمشق دیگران بود و رفتار پسندیده اش تحسین همگان را برمی انگیخت. به همین دلیل مردم لقب امین به او داده بودند...». همین مطلب در چاپ اخیر به این صورت ارائه شده است: «حضرت محمد(ص)، دوران جوانی خود را در مکه گذرانید. تمامی مردم، او را به نیک نامی می شناختند و به او محمد امین لقب داده بودند. آیا می دانید چرا؟». تغییرات از این دست در چاپ اخیر تاریخ دوم راهنمایی کم نیست.

امیدواریم همکاران گرامی این گونه فعالیت ها را جدی بگیرند و در جریان تدریس با لحاظ کردن آن ها موجب جلب توجه بیشتر دانش آموزان به درس، تقویت علاقه آن ها و نیز بیداری و پویایی کلاس گردند.

۵- اصلاحات ویرایشی: این کتاب پس از اعمال تغییرات لازم از سوی مؤلفان ویرایش شد. در ویرایش علاوه بر آن که رسم الخط کتاب بر اساس دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی مورد اصلاحات لازم قرار گرفت، از نظر شیوه نگارشی و ساده کردن جملات نیز به نحو مطلوب تر از گذشته مورد بازبینی قرار گرفت. ویراستار کتاب، خانم افسانه طباطبایی است.

۶- تصاویر کتاب: هنگامی که قرار است کتابی به اصطلاح از بای بسم ا... تا تائى تمت از نو حروفچینی شود می بایست تصاویر آن نیز دوباره در اختیار عوامل فنی قرار گیرد تا در مراحل گوناگون مربوط به چاپ آن مورد استفاده قرار گیرد. از آنجا که تعدادی از تصاویر این کتاب به سبب گذشت چندین سال از عمر این کتاب قابل دسترسی دوباره نبود، لازم شد تصاویر دیگری در چاپ اخیر مورد استفاده قرار گیرد بنابراین شما در این کتاب با عکس ها و تصاویر تازه ای نیز روبرو خواهید شد. وضعیت جدید شاید از نظر روانی و ذهنی برای دبیرانی که چندین سال به تدریس این کتاب اشتغال داشته اند خالی از لطف نباشد. به طور کلی امیدواریم کتاب تاریخ دوم راهنمایی با حال و هوای تازه ای که یافته است مورد پسند همکاران قرار گیرد و موجب تسهیل یادگیری دانش آموزان و علاقمندی بیشتر آنان به این درس گردد.

many countries far away. They were seen in Tangier, Britain and Holland, in Martinique and Barbados. These shocks even shook the lakes in Italy and Switzerland, and in Scotland, Norway and Sweden. Some of these lakes are about 1750 miles from Lisbon.

Another terrible earthquake happened in Assam, India, in 1896. The ground near Shillong suddenly moved $1\frac{1}{2}$ feet to one side. Then it moved back again. It continued to act like this 200 times a minute; more than three times a second! Few buildings can stand up when that is happening. Trees were broken off near the bottom, and the great stones of Khasi flew four feet up into the air.

What kind of building stands up best in an earthquake? A building with concrete walls is perhaps the best. A steel frame will make it even stronger. The frame holds the different parts together, and the walls do not easily fall. There is less chance of fire because concrete and steel do not burn. The Americans carefully studied the results of the earthquake at San Francisco, and they believe that this kind of building is the safest.

EXERCISES

- Put one of the given words in each space:
volcano; shook; shock; concrete; frame.
 - He touched the wire and the electric — killed him.
 - The steel tube was held in a metal —.
 - Melted rock was running like a river from the —.
 - Roads made of — led to other great cities.
 - When the scientist — the vessel, the mercury came out.
- Put the right word in each space:
 - There are many fine cities — Britain.
 - Please cook this meat — your fire.

- Peter finished his work — the middle of the day.
- He arrived in London — April 7th, 1897.
- He arrived in London — 1897.

3. Notice: *They are strong enough to break down houses.*
Complete these sentences:

- The steel rod is strong enough to...
- The scientist pumped enough air into the sphere to...
- This brake is powerful enough to...
- Peter turned the nut enough to...
- That volcano threw out enough hot material to...

4. Put the right form of the words given:

- When the steel wire (vibrate), it made a strange sound.
- If he (raise) the bob on the pendulum, the clock will go faster.
- If the earth's orbit suddenly (change), we should be killed.
- He asked me how the universe (begin).
- If he (lower) the price, we should have bought it.

5. Make these sentences into questions:

- Example:** This kind of building is the safest.
Answer: Is this kind of building the safest?

- Some countries have many earthquakes.
- He made the pendulum of invar.
- The nut will easily turn on the thread.
- A jet of gas rushed out of the copper cylinder.
- They have got permission to raise the temperature.
- Helium costs more than hydrogen.
- The wire melted.
- That switch controls the electromagnet.
- There will be a partial eclipse of the sun.
- The concrete wall broke during the earthquake.

Earthquakes

enough to break down houses and other buildings; sometimes they break more buildings than the earthquake itself.

Fires followed the great earthquakes in San Francisco (1906) and Tokyo (1923). At San Francisco the earthquake broke the gas-pipes. The gas escaped, and soon large numbers of fires were burning in the city. The water-pipes were also shaken and broken; so it was not possible to put the fires out. There was no water.

The Tokyo earthquake of 1923 happened just before the middle of the day. People were cooking

Some countries have large numbers of earthquakes. Japan is one of them. Others do not have many; for example, there are few earthquakes in Britain. There is often a great noise during an earthquake. The ground vibrates. Houses fall down. Railway lines are broken. Trains run off the lines. Sometimes thousands of people are killed in different ways. About 60, 000 were killed in 1783 in South Italy. The volcano Krakatoa caused a terrible earthquake in 1883 and 35,000 people were killed. Krakatoa is an island in Indonesia.

Earthquakes often happen near volcanoes, but this is not always true. The centres of some are under the sea. The bottom of the sea suddenly moves. The powerful forces inside the earth break the rocks. The coast is shaken and great waves appear. These waves travel long distances and rush over the land when they reach it. They are strong

meals on their fires at that time. When the ground shook, the fires shook too. Hot materials were thrown on different parts of the houses, some of which were made of wood. Soon 134 fires were burning in the city.

On November 1st, 1755, a great earthquake was felt in Lisbon, Portugal. Its centre was under the sea to the west of Lisbon. Its results were felt far away in other places: in Spain, France and North Africa. Three of the worst shocks brought down all the houses in the lower part of Lisbon. Great waves were formed in the sea, and some of them were 40 feet high. Unusual waves were noticed in

... نسل جوان، نوجو و آرمان گراست و در زندگی، خود به اسب و اسبها و الگوهای نواز دارد تا با استفاده از راه و رسم آنان، در قرازی و شیب های زندگی استوارتر گام بردارد. یکی از راه های آشنایی با زندگی این اسب و الگوها، مطالعه در احوال آنان و اندیشیدن در زندگی آنهاست. بنا بر این ضرورت مهم، دفتر انتشارات کمک آموزشی وزارت آموزش و پرورش با یاری جمعی از نویسندگان و هنرمندان کشور به تهیه و انتشار مجموعه ای از زندگی نامه های شخصیت ها و مفاخر تاریخ صد سال اخیر ایران در عرصه های گوناگون ادبی، علمی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی و ... اقدام نموده است. هدف دفتر انتشارات کمک آموزشی از تهیه و اجرای این طرح با توجه به جوان بودن میانگین سنی جمعیت کشور و لزوم تغذیه فکری و معنوی نسل نوجوان و جوان دست پایی به دو مطلب بوده است:

الف) آشنا کردن عمیق تر و بیشتر نسل جوان و نوجوان کشور با چهره های شاخص تاریخ معاصر.

ب) ارائه الگوهای عملی به این قشر به منظور ایجاد حس اعتماد به نفس و خودباوری و هم اهم آوردن فضای مناسب برای بروز خلاقیت و نوآوری در آنها.

این مجموعه که عنوان کلی آن کتاب رشد و خود شامل دو مجموعه ای «چهره های درخشان» و «چلچراغ» است، با قلمی روان و صفحاتی محدود و در حد حوصله مخاطبان خود - از ۶۴ تا ۹۰ صفحه در قطع پالتویی - پاسخ گوی سؤالی های نوجوانان کنجگاو و جستجوگری است که ذهن آنها با سؤالی های از این دست مشغول است:

چگونه می شود فراز و نشیب های زندگی را به بهترین شکل و با موفقیت پشت سر گذاشت؟ راز موفقیت شخصیت های بزرگ و مشهور چیست؟ آیا راهی وجود دارد تا ما نیز با طی آن در زندگی، روزی پایمان را جای پای کسانی بگذاریم که امروز آنها را احترام و افتخار یاد می کنیم؟

کتاب رشد برای دست یابی به اهداف خود به سراغ همه بررگانی رفته است که در عرصه های متفاوت زندگی اجتماعی، سیاسی، ادبی، هنری و علمی و حتی نظامی می توانستند سرمشق های اصیل و آموزنده ای برای نوجوانان باشند، و حتی در زمینه مثنوی، از سینما، تئاتر، نقاشی، خط، یکره سازی، قالیبافی

گامی در رشد کتاب خوانی

محمد ناصری



و موسیقی شخصیت‌هایی انتخاب شده و زندگی‌نامه‌های آنها توسط نویسندگانی که توانایی خلق اثری مطابق علائق مخاطبان را داشته‌اند، نوشته شده است.

نوع کتاب‌های تاکنون انتشار یافته - که اسامی آنها را در زیر می‌خوانید - گویای مطلب فوق است.

۱. امام خمینی

۲. حسین فهمیده (شهید)

۳. علامه محمدتقی جعفری (متفکر و عالم اسلامی)

۴. شهید صدوقی (شهید محراب)

۵. دکتر علی شریعتی (متفکر معاصر)

۶. محمدرضا کلههر (خطاط)

۷. سیدجمال‌الدین اسدآبادی (بیدارگر شرق)

۸. امیرکبیر (بنیانگذار دارالفنون)

۹. کمال‌المک (هنرمند)

۱۰. پروین اعتصامی (شاعر معاصر)

۱۱. علی‌اکبر صنعتی (هنرمند مجسمه‌ساز و نقاش)

۱۲. سهراب سپهری (شاعر معاصر)

۱۳. پرفسور حسامی (پدر فیزیک‌نویان در ایران)

۱۴. احمد آرام (مترجم معاصر)

۱۵. نختی (جهان‌پهلوان)

۱۶. ستارخان (سردار ملی)

۱۷. احمد بیرشک (معلم، مترجم، ریاضی‌دان ...)

۳. مقاومت و ایستادگی در مقابل سختی‌ها و ناپایداری‌ها.

۴. عشق به آموختن و دانش‌اندوزی.

۵. تلاش برای نوآوری و خلاقیت.

۶. نشان دادن حسن‌عدالت خواهی.

۷. هر جنبه‌ی دیگری از زندگی شخصیت مورد نظر که می‌توانسته به صورت مثبت برای جوانان و نوجوانان سرمشق واقع شود.

قیمت مناسب و ارزان از ویژگی‌های دیگر کتاب‌های رشد است، به نحوی که دانش‌آموز دوره‌ی راهنمایی در قیاس با دیگر خریدهای خود، به راحتی می‌تواند با خریدن تدریجی این کتاب‌ها، مجموعه‌ای ارزشمند را برای همیشه پیش روی خود داشته باشد. برای آشنایی بیشتر نوجوانان با مجموعه‌ی «کتاب رشد» قرار است از مهرماه ۷۸ در هر شماره از مجله‌ی رشد نوجوان، یکی از کتابهای این مجموعه به نحو میسوطی معرفی شود. این نکته را هم اضافه می‌کنیم که در پاره‌ای از کتاب‌های این مجموعه اندک غلط‌های چاپی راه یافته است که امید است در چاپ‌های بعدی رفع شود.

زیرنویس:

• سردبیر مجله رشد جوان



آنچه می‌تواند کتاب‌های رشد را برای درس‌هایی مثل دینی - تاریخ - اجتماعی - هنر و ادبیات بعنوان نوعی مرجع قرار دهد این است که اولاً بر سندیت مطالب تأکید شده و لذا در آن از خیالپردازی‌ها و اغراق‌های تأیید خودداری شده است و از عناصر داستانی فقط در حد کشش و ایجاد انگیزه در خواننده استفاده شده است. ثانیاً زبان و شکل اثر متناسب با دانش، میزان تجربه و درک دانش‌آموزان است. علاوه بر این که در طرح کلی مجموعه بر روی این جنبه‌ها از زندگی شخصیت‌ها و مفاخر تأکید بیشتری شده است.

۱. نقش دوره‌ی کودکی و نوجوانی آنان در ساختن شخصیت آنها.

۲. نشان دادن نقش تلاش و کوشش در رسیدن به هدف.

اسرافیل نصیری

هندسه‌ی نقوش و اهمیت آن در آموزش هنر تذهیب

تعریف تذهیب

در لغت نامه‌ها تذهیب را زر گرفتن و طلا کاری دانسته‌اند. تذهیب را می‌توان مجموعه‌ای از نقش‌های بدیع و زیبا دانست که نقاشان و مذهبیان برای هر چه زیباتر کردن کتاب‌های مذهبی، علمی، فرهنگی، تاریخی، دیوان اشعار، و قطعه‌های زیبای خط به کار می‌بردند.

پیشینه تذهیب

پیشینه آیین و تذهیب در هنر کتاب‌آرایی ایران، به دوره‌ی ساسانی می‌رسد. بعد از نفوذ اسلام در ایران هنر تذهیب مورد توجه مسلمانان قرار گرفته و جزء هنر اسلامی شد.

اساس کار تذهیب

اساس کار تذهیب بر قوس حلزونی (spiral) است.

قوس حلزونی

حرکتی دورانی از دزون به بیرون است که از آن به عنوان نشانه و نماد استفاده می‌شود.



شکل ۱

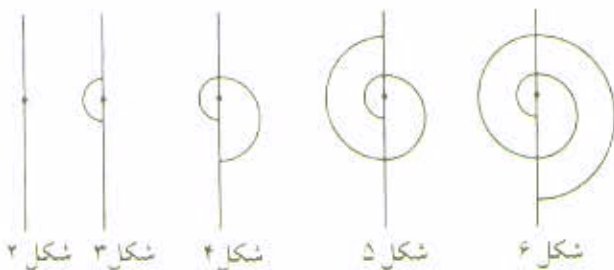
لوازم مورد نیاز

پرگار، مداد، پاک، کاغذ پوستی، مقوا، قلم مو، ابرنگ،

پالت ابرنگ، مهر، پارچه برای تمیز کردن قلم

روش رسم قوس حلزونی^۱ دو نقطه‌ای

باتوجه به شکل‌های (۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶) مراحل رسم قوس حلزونی نشان داده شده است.



مراحل رسم قوس حلزونی دو نقطه‌ای

انواع قوس حلزونی

- ۱. قوس حلزونی دو نقطه‌ای، قوس حلزونی سه نقطه‌ای، قوس حلزونی چهار نقطه‌ای، قوس حلزونی ۵ نقطه‌ای
- برای نمونه روش رسم قوس حلزونی دو نقطه‌ای را با توجه به شکل‌های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ شرح خواهیم داد
- الف: پاره خطی به طول ده سانتی متر به صورت ایستاده (عمود) مانند شکل ۲ رسم می‌نمایند و مرکز آنرا ۰ می‌نمایند
- ب: پرگار را به طول یک سانتی متر باز نموده و سه مرکز ۰ مانند شکل ۳ یک نیم دایره رسم می‌نمایند
- ج: پرگار را به طول دو سانتی متر باز نموده و سه مرکز ۰ مانند شکل ۴ یک نیم دایره رسم می‌نمایند
- د: پرگار را به طول سه سانتی متر باز نموده و سه مرکز ۰ مانند شکل ۵ یک نیم دایره رسم می‌نمایند
- ه: پرگار را به طول چهار سانتی متر باز نموده و سه مرکز ۰ مانند شکل ۶ یک نیم دایره رسم می‌نمایند
- هدف از رسم علمی قوس حلزونی ایجاد انگیزه در دانش آموزان

و اهمیت دادن آنان به نقوش در هنر تذهیب است.

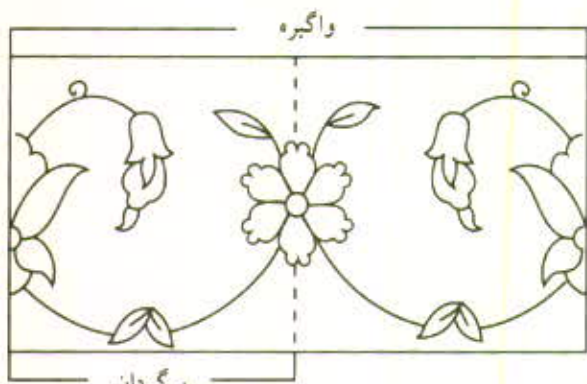
رنگ آمیزی فضای درون نقش ها است.

تمرین ۱

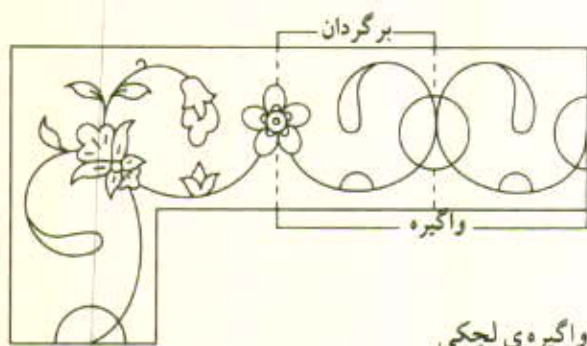
شکل های ۲ تا ۶ را از دانش آموزان بخواهید تمرین کنند.

روش منتقل نمودن واگیره

شکل شماره ۷ یک واگیره^۲ را نشان می دهد. که از دو برگردان^۱ تشکیل شده است.



شکل ۷



واگیره ی لچکی

شکل ۸

شکل فوق به تعداد دانش آموزان تکثیر و در اختیار آن ها فرار گیرد، هیچ گونه توضیحی راجع به شکل های تشکیل دهنده ی واگیره داده نشود و فقط خواسته شود که دانش آموزان به کمک مداد و کاغذ پوستی و مقوا واگیره را به مقوامنتقل نمایند و رنگ آمیزی کنند.

تمرین ۲

منتقل نمودن نقش

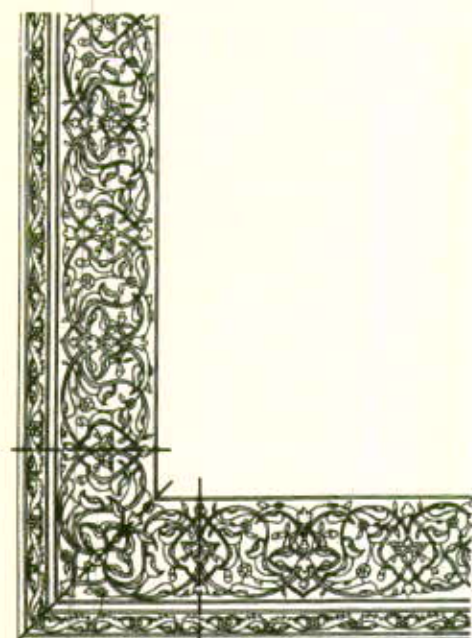
کاغذ پوستی را روی نقش ها در واگیره گذاشته و به وسیله ی مداد به روی کاغذ پوستی نقش ها را منتقل کنند. اکنون طرف کاغذ پوستی که نقش بر روی خود دارد را بر روی مقوا قرار داده و به وسیله ی مهره فشار و حرکتی به پشت کاغذ پوستی بیاورند تا نقش های واگیره به روی مقوا منتقل گردد.

یادآوری: به دانش آموزان تذکر داده شود که نقش های منتقل شده بر روی مقوایی که کم رنگ است پر رنگ نکنند.

تمرین ۳

رنگ آمیزی در هنر تذهیب

از دانش آموزان بخواهید بدخواه رنگ مورد علاقه خود را با ترکیب حداقل دو رنگ بسازند و با قلم موی (شماره ۰۰) خطوط نقش را با کم رنگ ترین رنگ ساخته شده رنگ آمیزی نمایند. بعد از رنگ آمیزی، خطوط سیاه تبدیل به خطوط رنگی شده و آماده ی

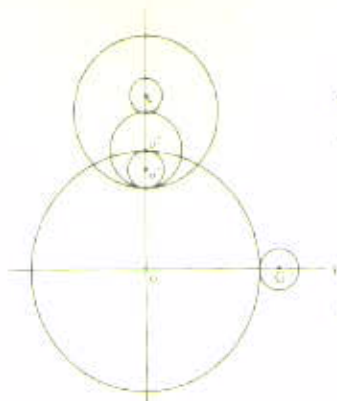


شکل ۹

باتوجه به شکل های ۸ و ۹ محل قرار گرفتن واگیره و واگیره لچکی^۲ مشخص شده است. روش منتقل کردن هر دو واگیره به صورتی که قبلاً توضیح داده شده انجام می گیرد. ولی فرق این دو واگیره در طراحی، تکنیک متفاوت آنها است. ما نمی توانیم در هنر تذهیب برای طراحی حاشیه و واگیره را

به جای واگیره‌ی لچکی به کار ببریم .

همان طوری که در شکل ۸ ملاحظه می کنید تکنیک طراحی واگیره لچکی با تکنیک طراحی واگیره به طور کلی متفاوت از یکدیگر است .



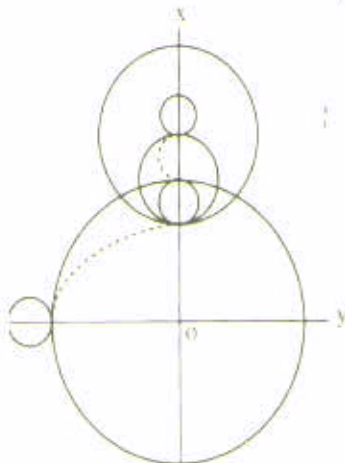
شکل ۱۱

تمرین ۴

اکنون از دانش آموزان بخواهید منتقل کردن واگیره‌ی لچکی را تمرین کنند .

تمرین ۵

از دانش آموزان خواسته شود مانند شکل ۹ حاشیه‌ی را طراحی کنید که از واگیره و واگیره لچکی مورد نیاز تشکیل شده باشد .



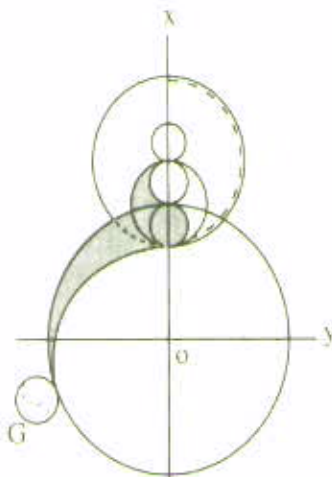
شکل ۱۲

در تمرین ۵ شکل نقش های واگیره های لچکی و واگیره های مورد نیاز توسط دانش آموزان طراحی ، منتقل و رنگ آمیزی شود . نقش معلمان عزیز مراقبت در روند کار می باشد .

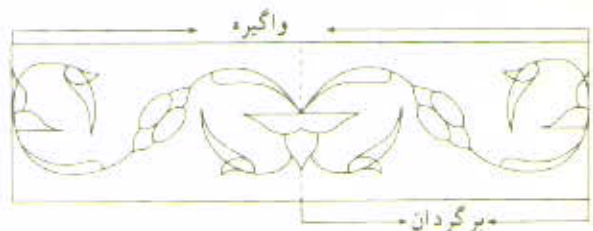
باید توجه داشت که نقش های ایجاد شده توسط دانش آموزان لازم نیست ریشه‌ی علمی داشته باشد زیرا آنان هنوز اطلاعاتی از رسم و طراحی علمی نقش ها را ندارند .

طراحی بند و شاخه اسلیمی^۱

شکل شماره ۱۰ را به دانش آموزان نشان خواهید داد و از آن ها اطلاعات علمی راجع به طراحی نقش ها را سوال خواهید کرد بطور مسلم آن ها آگهی از این مسأله ندارند . در شکل ۱۰ بند و شاخه‌ی اسلیمی را نشان دهید .



شکل ۱۳

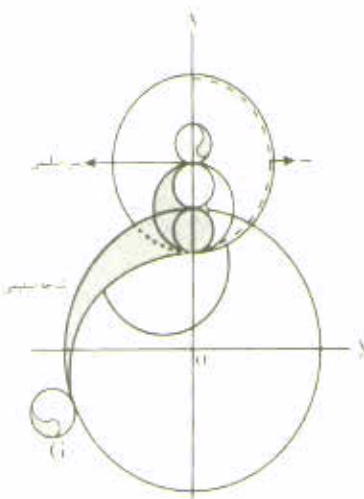


تمرین ۶

از آن ها بخواهید بر روی کاغذ بند و شاخه‌ی اسلیمی را تمرین نمایند با نگاه کردن به شکل ، بند و شاخه‌ی اسلیمی را چندین دفعه تمرین کنند .

بعد از اتمام تمرینات

شکل های ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ را به دانش آموزان نشان دهید و از آن ها سوال کنید که شکل های فوق مراحل طراحی چه نقشی را نشان می دهند .



شکل ۱۴

نقطه چین رسم شده که بند اسلیمی را به وجود آورده است.

تمرین ۷

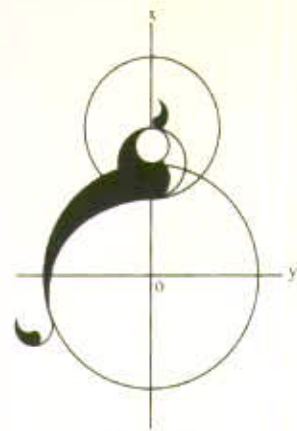
از دانش آموزان بخواهید که مراحل مختلف رسم بند و شاخه‌ی اسلیمی را تمرین کنند.

در (شکل ۱۶) حاشیه‌ای با چهار واگیره لچکی و دو واگیره کوچک و ۱۲ نیم‌ترنج (به صورت طرح کامل نیم‌ترنج و طرح ساده خطی نیم‌ترنج) دو واگیره لچکی با طرح کامل و یک واگیره لچکی با طرح کامل خطی و تکنیک طرح گوشه حاشیه را ملاحظه می‌کنید.

در وسط یک نیم‌ترنج را ملاحظه می‌کنید که از ۸ واگیره تشکیل شده که روش منتقل کردن به وسیله‌ی کاغذ پوستی را نشان می‌دهد. درآینده روش تدریس ترنج، لچک ترنج و گل ختایی را بیان خواهیم کرد.

زیرنویس:

- ۱- قلم مو به شماره‌های مختلف و با مدارک‌های مختلف وجود دارد که مناسب‌ترین آن‌ها و وینزور و با شماره‌های OO و ۲ می‌باشد.
- ۲- پالت آبرنگ صفحه‌ای است پلاستیکی با فلزی که برای ترکیب رنگ‌ها و مکان رنگ و آب استفاده می‌شود.
- ۳- مهره را برای صیقلی کردن کاغذ و یا برای مهره زدن و براق کردن طلا و نقره به کار می‌برند جنس مهره از عقیق و گاهی از پشم است.
- ۴- قوس جلزونی
- ۵- واگیره یک قسمت از یک طرح بزرگ است اگر بخواهیم حاشیه‌ای را طرح کنیم اوک آن را به چند قسمت تقسیم می‌کنیم و طرح را در یک قسمت آن که واگیره نام دارد (واگیره، واگیره لچکی) پیاده می‌کنیم این طرح در قسمت‌های دیگر تکرار می‌شود.
- ۶- در حاشیه امکان استفاده از واگیره، واگیره لچکی، نیم‌ترنج وجود دارد که هر کدام را به تنهایی باید تکرار کرد.
- ۷- برگردان اگر به صورت قریبه تکرار شود واگیره را تشکیل می‌دهد.
- ۸- واگیره لچکی واگیره‌ای است که گوشه حاشیه طراحی می‌شود و تکنیک طراحی آن با طراحی واگیره تفاوت دارد.
- ۹- اسلیمی یا اسلامی نقشی است که از گذشته دور برای آذین کردن طرف‌ها و بافته‌ها و در حجاری‌ها به کار می‌رفته است ولی به طور یقین حضرت علی (ع) این نوع تزئین را در حاشیه صفحه‌های قرآن کریم مرسوم کرده‌اند.
- ۱۰- اسلیمی یا بند اسلیمی حرکتی را به وجود می‌آورد و همان طور که گفته شد اسلیمی (شاخه اسلیمی) نقشی تزئینی است که با گردش اسلیمی فرق دارد.
- ۱۱- منبع مورد اشاره:
- ۱۲- شیوه تذهیب اردشیر مجرد تاکستانی انتشارات سروش تهران ۱۳۷۲



شکل ۱۵

آن‌ان با کمک شما پی به مراحل طراحی و رسم بند و شاخه‌ی اسلیمی خواهند برد و در این مرحله است که آن‌ها با هم صحبت خواهند کرد و از شما درباره‌ی اهمیت و چگونگی علمی رسم کردن این نقش و نقش‌های دیگر سؤال خواهند کرد، که شما می‌توانید اطلاعاتی را در اختیار آنها گذاشته و در آن‌ها انگیزه و علاقه به وجود آورید.

مراحل رسم و طراحی بند و شاخه‌ی اسلیمی

در شکل ۱۱ محور مختصاتی را به مرکز O که دایره‌هایی با شعاع‌های متفاوتی بر روی آن رسم شده‌اند می‌بینید.

الف- ضلع OX را در محور مختصات به اندازه‌های یک سانتی متری تقسیم نمایید.

ب- دایره‌ی (د) را به مرکز O و به شعاع ۳ سانتی متر رسم نمایید.

ج- دایره‌ی (ج) را به مرکز O' و به شعاع $\frac{1}{4}$ سانتی متر رسم

نمایید. فاصله‌ی OO' $2\frac{1}{4}$ سانتی متر است.

د- دایره‌ی (ب) را به مرکز O و به شعاع ۱ سانتی متر رسم نمایید. فاصله‌ی OO'' ۳ سانتی متر است.

ه- دایره‌ی (الف) را به مرکز H و به شعاع ۲ سانتی متر رسم نمایید. فاصله‌ی OH ۴ سانتی متر است.

ل- دایره‌ی (ه) را به مرکز C و به شعاع $\frac{3}{4}$ سانتی متر رسم نمایید. فاصله‌ی OC $\frac{4}{4}$ سانتی متر است.

م- دایره‌ی (و) را به مرکز G و به شعاع $\frac{1}{4}$ سانتی متر رسم نمایید.

فاصله‌ی OG $\frac{3}{4}$ سانتی متر است.

در شکل ۱۲ به نیم‌دایره‌های نقطه چین توجه شود که تکمیل کننده کمان‌های شاخه‌ی اسلیمی می‌باشند.

در شکل ۱۳ و ۱۴ به دایره‌های (ه، G) توجه کنید که سرهای اسلیمی را به وجود آورده‌اند. اگر به شکل ۱۴ توجه شود نیم‌دایره‌ای

نامه ها

اشاره: در ویژه نامه آموزش زبان فارسی، شماره ۱۶ بهار ۱۳۷۷، مقاله ای از آقای غلامرضا عمرانی در باره ی «هم خانواده ها» به چاپ رسید. به دنبال انتشار آن مقاله آقای تیمور رضایی و آقای سید حسام میرنیام هر یک نامه هایی در نقد آن ارسال کردند. نامه آقای تیمور رضایی در شماره ۱۹ به چاپ رسید و نامه پاسخ آقای غلامرضا عمرانی به هر دو نامه را نیز می خوانید.

رث

۱- در دوره ی راهنمایی مانع موجود است اما می توان آن را به نحو مفصلی و مطابق با درک و دریافت دانش آموز حل کرد و بدان شکل آموزشی مناسب داد.

۲- دانش آموز دوره ی دبستان قادر به درک این مفاهیم نخواهد بود و آموزش از این طریق، نقض عرصه ی جو احمد کرد. باین دلیل شیوه ی تدریس در دبستان - که پایه ی آموزش است - باید بر مبنای دیگر باشد - که پیش نهاد شد - اما آنچه دوستان بزرگوار به صورت گسترده و عالمانه مطرح کرده اند، مناسب آموزش در دوره های دبستانی و حتی راهنمایی نیست و با تأکید بر دست بودن نظر آنان، حای طرح آن در محله ای مثل رشد آموزش زبان و ادب فارسی ویژه ی دبیران از چند دبیرستان است:

۱- بارها گفته ایم و باز مکرر می کنیم که در تشخیص ساختمان واژه، وضعیت امروزی آن مورد نظر است نه ساخت تاریخی آن در مثل، کسی نیست که نداند واژه ی دبستان دست کم از دو تکواژ پدید آمد که «ستان» را می توان به راحتی در آن تشخیص داد و تکواژ نخست را نیز برخی محققین با محرف کلمه ی «ادب» دانسته اند - که نیست - و بر فرض هم اگر چنین باشد، باز هم به علت آن که پی بردن به ساخت این واژه باز به تحصیل دانش رشته شناسی لغات دارد - در صورت توصیفی، آن را ساده به حساب می آورند و شکل شناسی دبیرین آن را به بخش دیگری از دانش واژه شناسی وامی گذارند. بنابراین کلمه ای مثل شهاب چه فارسی باشد، چه عربی و چه روزی روزگاری آب سرخی را که از گل کاهیزه بگیرند به این نام بخوانند، امروز دیگر چنین واژه ای ساده به حساب می آید و هم چنین است سرب و نیز واژه هایی نظیر آن و هم چنان که کلماتی مانند کتاب یا طلاب و شتاب به صرف داشتن «اب» هم خانواده ی «آب» هستند، این ها نیز از آن مقوله به حساب نمی آید. صحت کلمه ی کوچک نیز آن چنان که یکی از بزرگواران نتیجه گرفته است از واژه ی کوچک گرفته شده بلکه مضارع واژه ی کوی (= محله) است - کوی چه (= محله ی کوچک، بران) و در همین صورت هم ساز آن را واژه ای ساده می شمارند و هم خانواده یا هیچ یک از دو واژه ی فوق

◆ در شماره ۱۶ مجله ی رشد راهنمایی، صفحه ی ۳۴ در مورد کلمات هم خانواده مقاله ای از آقای غلامرضا عمرانی چاپ شده که در سطر پنجم صفحه ی ۳۴ - شماره ۱۲ - کلمه های کوچ و کوچه را به عنوان هم خانواده پذیرفته اند. این مورد با مورد دیگری که در آن کلمه های گوش و گوشش را هم خانواده دانسته اند تناقض دارد. حال سؤال این است که آیا کلمه ی کوچه از بن مضارع کوچ و پسوند اشتقاقی (ه) ساخته شده است؟ اگر غیر از این است پس بن مضارع مصدر کو چیدن در ساختن اسم مصدر چه می شود؟

بن مضارع کوچ = ه + کوچه = محل رفت و آمد، محل عبور
سید حسام میرنیام
دبیر ادبیات - شهرضا

باسمه تعالی

با سلام و سپاس

◆ نامه های دوستان، نقد و نظرها و نکته یابی ها و نکته سنجی آنان در آنچه به قلم می رود، مایه ی شادمانی است؛ می خوانند، ژرف اندیشی می کنند و داوری. و این بدان معناست که هر چه می گذرد، از دید صاحب نظران پوشیده نیست.

برادران ما، همکاران بزرگوار، سید حسام میرنیام از شهرضا و تیمور رضایی از باغبادران، به مقاله ی «هم خانواده ها» در شماره ی ۱۶، بهار ۷۷ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی نگاه های ژرف تر داشته اند و این سطور در پاسخ تأمل آنان می آید با دست مرزادی از سر مهر:

۱- هدف های مقاله ی «هم خانواده ها» عبارت بودند از: ۱- طرح مسأله ی واژه های «هم خانواده» ۲- تعریف ابعاد آن ۳- ارائه ی ویژگی های مسأله ۴- شناخت کم و کیف آن ۵- باز نمودن مشکل تفهیم و تدریس در سه مقطع دبیرستان، راهنمایی و دبستان ۶- جمع بندی و نتیجه گیری از بحث به این صورت که:

الف: برای ارائه ی گسترده ی مطلب در دبیرستان در همه ی ابعاد آن مانعی نیست

نمی‌داند. ← ۳ در پایان ص ۵

۴- هم چنان که تذکر داده‌اند و در کتاب زبان فارسی ۱-۲ و ۳-۴ هم آمده، صفت عالی (= سنجشی برترین) از انواع وابسته‌های پیشین اسم است و حتی در جمله‌ای که به عنوان مثال آورده‌اند: «تنبیل ترین دانش آموز کلاس علی است.»

در این زنجیره نیز تنبیل ترین صفت عالی و وابسته‌ی پیشین دانش آموز است و وابستگی آن به صورت زیر نمایش داده می‌شود: تنبیل ترین دانش آموز کلاس علی است.

وابسته‌ی پیشین هسته و وابسته‌ی پسین
گروه اسمی = نهاد / گروه اسمی = مسند / گروه فعلی

و صد البته که تنبیل ترین وابسته‌ی گروه اسمی نخست است و به علی - که خود هسته‌ی گروه اسمی دیگری است - ارتباط ندارد.

اما تنها یک مورد استثنا در این قاعده وجود دارد و آن این است که صفت عالی، کسره پذیرد مثل:

گرامی ترین شما با تقواترین شما است.

در جمله‌ی بالا هیچ یک از دو کلمه‌ی گرامی ترین و باتقواترین با وجود داشتن وندترین، صفت به حساب نمی‌آیند بلکه خود، اسمند و هسته‌ی گروه اسمی؛ چون نقش گرفته‌اند؛ نخستین، نقش

نهادی دارد و خود نیز وابسته‌ی پسین گرفته‌است و دومین، نقش مسندی دارد

و باز هم وابسته‌ی پسین گرفته‌است یعنی دیگر وابسته نیستند. چون دیدیم

که نقش صفت در جمله، وابسته‌ی اسم بود؛ پیشین یا پسین. اما در این جمله

هیچ یک وابسته نیستند و قاعده‌ی کلی این است که حتی واژه‌هایی از قبیل سرخ

و سفید و گوینده و زیبا و تومند و امثال آن‌ها - که در صفت بودنشان هیچ

تردیدی نیست - وقتی بدون وابستگی به اسم در جمله بیایند و نقش بپذیرند، از

مقوله‌ی صفت به حساب نمی‌آیند و باید آن‌ها را اسم (= گروه اسمی) به شمار

آورد. مثلاً در جمله‌ی «چهار از دو بزرگ‌تر است» نه دو صفت است، نه

چهار، زیرا هیچ یک وابسته‌ی اسمی نیستند یا وقتی می‌گوییم «گوینده‌ی این خبر آدم موثقی است» گوینده

صفت نیست زیرا نهاد واقع شده و نهاد همیشه گروه اسمی است. در چنین مواردی، هسته و وابسته را به صورت زیر، نمایش

می‌دهیم:
گرامی ترین شما با تقواترین شما است.

هسته وابسته‌ی پسین هسته و وابسته‌ی پسین

مضاف مضاف الیه مضاف مضاف الیه

گروه اسمی = نهاد / گروه اسمی = مسند / گروه فعلی

با سپاس از توجه دوستان بزرگوار

۳- در پاسخ این سؤال که: «پس بن مضارع مصدر کو چیدن در

ساختن اسم مصدر چه می‌شود؟» نظر آن همکار بزرگوار را به این

نکته جلب می‌کنم که غالب مصدرهایی که به «-یدن» «-idan»

ختم می‌شوند از دسته‌ی مصدرهای - به اصطلاح - جعلی‌اند؛ یعنی

نشانه‌ی «-ید» «-id» به پایان اسمی افزوده می‌شود و از آن بن

ماضی پدید می‌آید. بنابراین، بن مضارع همان اسم اوکیه تلفظی

می‌شود. نمونه‌ی چنین مصدرهایی که هم از فارسی و هم از عربی

ساخته می‌شوند عبارتند از: رقصیدن، طلبیدن، فهمیدن، جنگیدن،

دزدیدن و ... در دوران اخیر شویتیدن، گازیدن

غلامرضا عمرانی

◆ در مقاله‌ی «واژه‌های دشوار» که در شماره‌ی ۱۹ به چاپ رسید، مناسبانه غلط‌هایی راه پیدا کرده بود که اصلاح آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. ضمن پوزش از نویسنده‌ی مقاله - آقای رضایی - توجه خوانندگان محترم را به اصلاح غلط‌های مذکور جلب می‌کنیم:

نشانی و توضیح	درست	نادرست
صفحه ۱۲ واژه‌نامه سطر سوم دومین میم	دو	دومین
صفحه ۱۳ واژه اصابت شماره ۴	مسیب	مسیب
صفحه ۱۳ واژه اصابت شماره ۴ بر وزن مُصَبِّل	مصیّب	مصیّب
صفحه ۱۳ واژه اصطلاح شماره ۲	اطنلام و اصطلام	اضتلام و اصطلام
صفحه ۱۳ واژه اصطلاح شماره ۴	اططلاع	اصططلاع
صفحه ۱۳ اعتنا اولین کلمه شتون دوم (معاینه)	معاینه	معاینه
صفحه ۱۳ واژه تماشا مشی (راه رفتن)	مشی	مشی
صفحه ۱۴ واژه حال مُحیل (محول، حواله دهنده)	مُحیل	مُحیل
صفحه ۱۴ واژه سنّت سن (عمر، دندان)	سنّ	سنّ
صفحه ۱۴ واژه طراوت مُطراً (اسم مفعول نظر به)	نظریه	نظر به
صفحه ۱۵ واژه موسم از سمی یسمی	یسمی	یسمی
صفحه ۱۴ واژه حاشیه متعاشی (دور شونده)	متعاشی	متعاشی
صفحه ۱۴ واژه علیّ علیّ (علیوی) بر وزن فعیل	علیوی	علیوی
صفحه ۱۵ واژه منجر مجره (کهکشان)	مجره	مجرد

وزارت آموزش و پرورش، دفتر تألیف کتب درسی آنچه که در ذیل می‌آید متن تحقیقی و تفحصی در باب کتب درسی علوم اجتماعی (تاریخ، جغرافیا، تعلیمات اجتماعی) در دوره‌ی آموزش راهنمایی است که توسط گروه آموزشی علوم اجتماعی شهرستان اسلام‌آباد غرب تهیه و تدوین شده است و هدف از ارسال

انی به از حیث اطلاع که از باب رسیدگی و مساعدت می باشد.

همان طور که مطلع هستید دروس علوم اجتماعی دوره ی راهمسانی شامل سه کتاب مجزا، به نام های تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی است که در هر سه پایه ی راهمسانی تدریس می شود. تدریس این سه کتاب که در سه پایه مجموعاً ۹ کتاب است ۹ نمره ای جداگانه در کارنامه ی امتحانات سه ساله ی راهمسانی دارد و برای هر کدام از این کتاب ها نصف رنگ آموزشی یعنی یک شش ساعت در هفته که در کل ۴۵ دقیقه می باشد منظور گردیده است.

البته ساعت تدریس این کتاب ها تا سال ۱۳۶۰ دور بر این مدت بوده است. یعنی قبلاً برای هر کدام از کتب فوق الذکر ۲ ساعت در هفته وقت گذاشته شده بود که متأسفانه در سال های بعد ساعت این دروس به ۴ ساعت در هفته تقلیل پیدا کرد و باز در سال ۱۳۶۷ به یک شش ساعت در هفته برای هر کتاب رسیدیم است.

اگر درست حساب کنیم، رنگ اول یک کلاس درس به مدت صبح ساعت ۸ الی ۹/۳۰ دقیقه می باشد و کل رنگ ۹۰ دقیقه است که ۲۵ دقیقه ی آن مختص هر کدام از این کتاب ها است. حال اکثر اوقات مراسم صحیح و صرف و ورود دانش آموزان به کلاس و آماده شدن کلاس و حضور و غیاب ۳۰ دقیقه اول رنگ را می گیرد به عبارت بهتر از ساعت اول ۱۵ دقیقه باقی می ماند و دیر علوم اجتماعی باید در این ۱۵ دقیقه کتاب تاریخ یا جغرافیا و تعلیمات اجتماعی را تدریس کند. حتی اگر ما فرض کنیم که ۲۵ دقیقه گذشته مفید و کلاس در اختیار معلم باشد آیا برنامه ریزان محترم فکر نمی کنند که در ۴۵ دقیقه چه میزان از درس تاریخ، جغرافیا یا تعلیمات اجتماعی را می توان تدریس کرد؟ و آیا چه میزان از این ۴۵ دقیقه باید صرف ارزشیابی درس های گذشته شود؟ و چه زمانی از این ۴۵ دقیقه را باید صرف پاسخ گویی به سؤالات مختلف درسی دانش آموزان کرد؟

مگر تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی دروس اصلی معلومات عمومی نیستند؟ پس آیا نباید این حق را به دانش آموز داد که بیشتر از چهار جوب کتاب از معلم توضیح بخواهد؟ همچنین در این ۴۵ دقیقه چه مزی از وقت را باید صرف استفاده از وسایل کمک آموزشی کرد؟ آیا نمودار در صد فوولی دانش آموزان در این دروس در چند سال اخیر صعودی بوده است یا نزولی؟!

آیا سه کتاب تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی هر کدام نباید تنها $\frac{1}{3}$ ساعت درس حرفه و فن، و $\frac{1}{3}$ ساعت درس ریاضی و $\frac{1}{3}$ ساعت درس علوم تجربی و $\frac{1}{3}$ ساعت درس هنر و $\frac{1}{3}$ ساعت درس دینی و عربی و $\frac{1}{3}$ ساعت درس ادبیات و $\frac{1}{3}$ ساعت درس ورزش را داشته باشند؟ البته موارد مذکور قطره ای از دریای سؤالاتی است که باید از برنامه ریزان محترمی که ساعت دروس علوم اجتماعی را در ۴۵ دقیقه تهیه و تنظیم کرده اند پرسید.

لازم به ذکر است که منظور ما کم اهمیت جلوه دادن مدیر دروس نیست بلکه هر درس در جای خود مفید و لازم است و ولسی در این

چند سال که در موارد گوناگون همکاران ما در سراسر کشور موارد اعتراضی خود را در رابطه با نا کافی بودن زمان منظور شده برای دروس علوم اجتماعی از طرف مختلف مانند، گروه های آموزشی و موضوعات منعکس کرده اند متأسفانه چیزی جز فراتر از وعده و وعید عایدشان نشده است و البته منظور اصلی در این میان دانش آموزان است.

مانمی خواهیم در مورد اهمیت دروس تاریخ و جغرافیا و تعلیمات اجتماعی مبالغه کنیم زیرا اولاً آنکه عیان است چه حاجت به بیان است، ولی امروزه در معتبر ترین دانشگاه ها و کالج های کشورهای جهان تاریخ تدریس می شود و مورخان و محققان تاریخ مشغول به کار هستند و یافته های جدید تاریخی خود را روز به روز در معرض مطالعه و مشاهده دیگران قرار می دهند و برای ما ذکر همین نکته کافی است که آماده عزیزمان می فرماید: «تاریخ معلّم اسان ها است، و جغرافیا که قدر و آن روز به روز گسترش می یابد و بیشتر علوم پیشرفت خود را مدیون و مبرهون جغرافیا و جغرافیدانان می دانند و تعلیمات اجتماعی که یکی از موارد در کتب درسی است که کاربرد عملی در زندگی دانش آموزان دارد و اهمیت و اعتبار آن در میان دانش آموزان جا افتاده است.

برادران عزیز! اینجانبان دبیران علوم اجتماعی اسلام آباد غرب راه حل های زیر را برای رفع شخصی که مورد وقت تدریس این دروس ابراز می داریم:

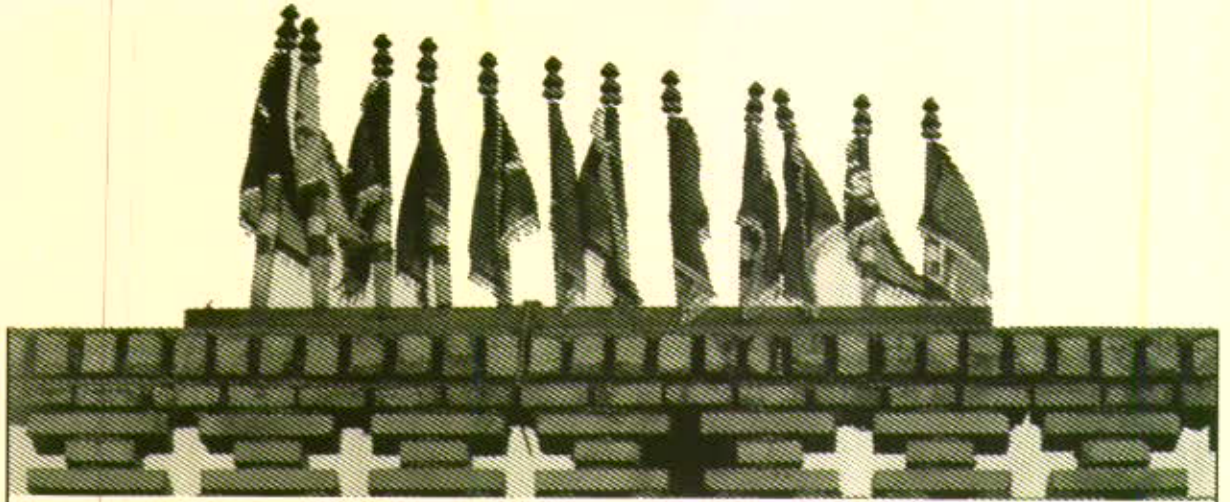
اولاً بهترین و منطقی ترین راه حل، افزایش ساعت هر کدام از کتب تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی ۱۰۷ ساعت به ۲ ساعت در هفته است که پیش نهاد می شود کمبود ساعت آن از طریق کاهش ساعت بکاربری دانش آموزان و کاهش ساعت درس حرفه و فن حد آن شود. استحضار دارید که درس حرفه و فن از نظر حجم مطالب هم منطبق تاریخ، جغرافیا و اجتماعی و از نظر اهمیت هم صنوع نیز اگر هم منطبق این دروس نباشد بالاتر نیست و لذا ساعت درس حرفه و فن با یک کتت را، که در هر پایه دارای ۳ ساعت در هفته یعنی سه برابر هر کدام از دروس فوق است متوازن تعدیل کرد.

ثانیاً چنان چه راه حل فوق عملی نباشد پیش نهاد این است که سه کتاب تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی را همسند دوران ابتدایی به یک کتاب در هر پایه تبدیل کنند که این راه حل البته نسبت به راه حل اول کم تر مفید است.

در پایان ضمن تشکر و قدر دانی از این که حوضه به خرج دادید، که مثل ارسال از سوی ما را ملاحظه نمایند، امیدواریم که با نظر خواهی از دبیران علوم اجتماعی سراسر کشور و با گروه های آموزشی علوم اجتماعی و بررسی راه حل های مطرح، گامی بزرگ در راه رفع یکی از مهم ترین مشکلات دانش آموزان این مرز و بوم بردارید.

گروه آموزشی علوم اجتماعی اسلام آباد غرب

کیومرث پرلدین



ایران شناسی

(استان خوزستان)

عکسها از ،
کتاب خوزستان (نصرالله کسرابیان / ایرج انوری)



خرمشهر، نخل ها دوباره جان می گیرند



آرامگاه یعقوب لندت صفار
اطراف دزفول



سد دز - دزفول



پالایشگاه آبادان



بر افراشتن بیرق بر بام خانه ها
به تعداد فرزندان به نشانه ی تشرف به سفر حج



نهرها و نشست های شادگان



کوچ ابل بختیاری - اطراف مسجد سلیمان



گاو میش آباد - اهواز



زن بختیاری - رامهرمز

